

بررسی ساخت اقتصادی روستاهای فارس



سری تحقیقات روستائی
سازمان چریکهای فدائی خلق

(۳)

ارکین و اوستا و پند و اندرز
نامی ارکین
ارکین



پژوهشی

ساخت اقتصادی روستاهای فارس

سری تحقیقات روستائی

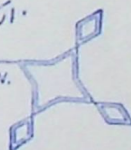
مآزمان چریکهای فدایی خلق

(۳)

0454 آرشیو اسناد پژوهش های ایران - برلین

Archiv für Forschung und Dokumentation Iran e.V.

AFDI Grollestr. 23 1000 Berlin 62 Tel: 700 1595



از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق

۱۳۵۲

بهمن



مما این بررسی را که بخشی از سلسله تحقیقات سازمان ما در
شرائط عینی جامعه است به کنگره راسیون جهانی محصلین و دانشجویان
ایرانی برای تأیید فعالیت‌های دموکراتیک آن و دفاع موثر آن از مبارزین
خلق، یعنی نوشته‌ها، سخنرانیها، مظاهرات، ماعتصمات و اشغال
اعتراضی سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای شاه خائن تقدیم میکنیم.

" سازمان جریکهای فدائی خلق "



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این کتاب در راستای اهداف و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران
و در راستای سیاست‌های کلی اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تألیف و تدوین شده است. این کتاب در راستای اهداف و سیاست‌های کلی نظام
جمهوری اسلامی ایران و در راستای سیاست‌های کلی اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران تألیف و تدوین شده است.

کتابخانه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فهرست مطالب

پنج

پیشگفتار

مقدمه :

۱ چند نکته

۳ فصل اول مقدمه : کلیات فارس

۷ فصل دوم مقدمه : کلیات شهرستانهای فارس

۲۳ فصل سوم مقدمه : نظری به مسایل عمومی روستاهای فارس

۳۷ فصل چهارم مقدمه : دسته بندی روستاهای فارس

روستاهای شیراز :

۴۷ ۱. گوشك هزار قلعه

۵۳ ۲. شيخ عبود

۶۱ ۳. تعمير و ج

۶۷ ۴. لپوئوسى

۷۱ ۵. منافى رى

۷۵ ۶. زيگ سرد

۷۹ ۷. على آباد سرتسل

۸۳ ۸. دشتك

۸۷ ۹. شاه قطب الدين

۹۱ ۱۰. هزار

- ۹۷ . ۱۱ جاری آباد
- ۱۰۱ . ۱۲ نوروزان
- ۱۰۵ . ۱۳ قصر احمد
- ۱۰۹ . ۱۴ باب البام

روستاهای چهارم :

- ۱۱۳ . ۱ قطب آباد
- ۱۱۹ . ۲ مانیه
- ۱۲۳ . ۳ شرقی
- ۱۲۷ . ۴ آسمانگرد
- ۱۳۱ . ۵ حنا
- ۱۳۷ . ۶ گل بونجی
- ۱۳۹ . ۷ گتسه

روستاهای فسا :

- ۱۴۳ . ۱ تنگ کرم
- ۱۵۰ . ۲ غیاث آباد
- ۱۵۷ . ۳ دولت آباد
- ۱۶۱ . ۴ هارم

روستاهای داراب :

- | | |
|-----|---------------------|
| ۱۶۵ | ۱. خیبر آباد |
| ۱۷۱ | ۲. خمسویسه |
| ۱۷۷ | ۳. ساچمون |
| ۱۸۱ | ۴. باینسوج |
| ۱۸۵ | ۵. شمس آباد |
| ۱۸۹ | ۶. مزار وان |
| ۱۹۳ | ۷. حسن آباد |
| ۱۹۷ | ۸. کوهچررد |
| ۲۰۱ | ۹. آب کویسه |
| ۲۰۳ | ۱۰. زمین آباد |
| ۲۰۷ | ۱۱. بسرگان |
| ۲۱۱ | ۱۲. ده خیر سفلی |
| ۲۱۳ | ۱۳. کدویسه |
| ۲۱۵ | ۱۴. گزونه و کاویمان |

روستاهای کازرون :

- | | |
|-----|-------------|
| ۲۱۴ | ۱. دریس |
| ۲۲۳ | ۲. ده بسزرک |

روستاهای از صغنی : کویان

۲۲۵

چهار

۲۲۹

يك دهستان استثنائی از داراب :

قرا بلاغ

روستائی از کهگیلویه (خوزستان)

۲۳۵

باشست

مجموعه کلمات و عبارات در خط نستعلیق که به صورت عمودی در صفحه درج شده است. این کلمات شامل اسامی مکانی و تاریخی است که در فهرست بالا ذکر شده است. به دلیل شیب و زاویه تصویر، این کلمات به خوبی قابل خواندن نیستند.

بازمانده

پیشگفتار

" بررسی ساخت اقتصادی روستاهای فارس" سومین کتاب از سری تحقیقات روستائی ماست که اینک منتشر میشود. تحقیقات روستائی قسمتی از مطالعه ما در شرایط عینی انقلاب ایران است. در این تحقیقات ما می‌کوشیم درجه تولیدی نیروهای تولیدی و تحول شکل مالکیت و قشر بندی طبقاتی جامعه روستائی ایران را در پیرویه جدید اقتصادی آن پس از باصلاح " انقلاب سفید" مورد بررسی قرار دهیم.

در این کتاب جمعا ۵۰ روستا از استان فارس و یک روستا از استان خوزستان (که در جوار فارس است) مورد مطالعه عینی قرار گرفته. این ۵۱ نمونه را ما بطور اتفاقی از ۷ شهرستان انتخاب کرده‌ایم و بنابراین جمع بندی مطالعاتمان از این روستاها میتواند کلیاتی درباره ساخت اقتصادی روستاهای فارس و بطور کلی و به دست دهد. چنانکه یاد شد و هدف ما از این سری تحقیقات و بررسی شرایط عینی انقلاب ایران است ولی گاهی هم که فاکتهائی درباره میزان آگاهی آنان از شرایط اجتماعی حاضر و بینش سیاسی شان بدست آورده‌ایم در این کتاب بیان کرده‌ایم. در مقدمه کتاب که دارای چهار فصل است ما حاصل مطالعات خود را در روستاهای یاد شده جمع بندی کرده‌ایم.

بهمر حال و این کتاب هم مانند دو کتاب دیگر منتشر شده از سری تحقیقات روستائی و قبل از هر چیز تحول اوضاع جامعه روستائی ایران

را به سود انقلاب بخوبی نشان میدهد: روابط تولید فئودالی صومالی شود
 و قشر بندی جدید طبقاتی در جهت پرولتریزه شدن شدید اکثریت عظیم
 دهقانان، تشکیل یک خرد بورژوازی فقیر که آنها را در جهت پرولتریزه شدن
 است و ایجاد قشر کوچکی از دهقانان مرفه در کنار فئودالهای بورژوا شده
 جریان دارد و این همه گذشته از اینکه آمادگی انقلابی دهقانان را بیشتر
 کرده، عنصر سوسیالیستی انقلاب را نیز تقویت نموده. رژیم ادعا میکند که
 توانسته است با اصلاحات ارضی خود دهقانان را مجموعاً به خورد بورژوازی
 مرفه بدل کند و این سخن راحتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون نیز کمابیش
 پذیرفته اند. البته از نظر تئوریک هم قابل قبول نیست که یک رفرم امپریالیستی
 بتواند اینچنین که رژیم ادعا میکند حتی برخی ساده دلان خارج از گود میبندارند
 به نفع رفاه همگانی توده های دهقانی عمل کند. با اینحال تحقیقات عینی ما
 از جامعه روستائی و از جمله این کتاب پوکی این ادعای رژیم را مستقیماً با اتکا بر
 واقعیت عینی بخوبی نشان خواهد داد. آنچه در روستا انجام گرفته بطور
 عمده نفوذ بورژوازی کمپادورد روستا و ایجاد زمینه نفوذ بیشتر آن از طرفی و
 ایجاد جریان سریع پرولتریزه شدن دهقانان از طرف دیگر است. روستاهای
 مختلف ایران و از جمله روستاهای بررسی شده در این کتاب، ممکن است از نظر
 اقتصادی یکدست نباشند ولی بهرحال در مراحل مختلف یک پروسه قرار دارند
 که سرعت دارد مسیر تاریخی خود را طی میکند: دهقانی که بی نقاش
 کرده اند و دوازده سال پیش پرولتریزه شده است. دهقانی که سال گذشته
 گاو و گوسفندش را فروخته است تا وام شرکت تعاونی را بازپرداخت کند، اما
 باید برود و کارگری کند و دهقانانی که امسال تلمبه شرکتی قسطی خریده اند سال

هفت

دیگر اموالشان به نفع بورژوازی کمپرادور صادره میگردد. در کنار قدرت
عظیم اقتصادی بورژوازی کمپرادور در زیر سایه قدرت سیاسی بورژوازی کمپرادور
خرده بورژوازی چگونه میتواند بدون وحشت از آینده خودش را سرپا
نگهدارد و رشد طبیعی بکند؟ امپریالیسم با ولع خود به تضاد طبقاتی
شدت می بخشد و در نتیجه نابودی خویش را تسریع میکند، و این مهمان
ناخوانده در روستاهای ایران، اکنون دارد ناخواسته بازوان انقلاب را
تواناتر می سازد.

سازمان چریکهای فدائی خلق

مقدمه :

چند نکته

فصل اول - کلیات فارسی

فصل دوم - کلیات شهرستانهای فارسی

فصل سوم - نظری بمسائل عمومی روستاهای فارسی

فصل چهارم - دستهبندی روستاهای فارسی

مضامین :

مقدمہ

۱۹۱۱ء - ۱۹۱۲ء - ۱۹۱۳ء

۱۹۱۴ء - ۱۹۱۵ء - ۱۹۱۶ء

۱۹۱۷ء - ۱۹۱۸ء - ۱۹۱۹ء

۱۹۲۰ء - ۱۹۲۱ء - ۱۹۲۲ء

سید امجد علی شاہ

پہلی

مقدمه

چند نکته

این مقدمه از چهار فصل تشکیل شده . در فصل اول و دوم آن مطالبی از جغرافیای استان فارس وجود دارد که مستقیماً از کتاب " کلیات جغرافیای ایران " اثر سیروس نیساری برداشته شده . این مطالب را در داخل گیومه گذاشته ایم . غرض از آوردن این مطالب ایجاد زمینه‌ای بود برای فهم مسایل اقتصادی و اجتماعی که مستقیماً بوسیله خودمان تحقیق شده . اگر مطالب جغرافیائی را نمی‌آوردیم ، خواننده مجبور می‌شد خود به کتاب جغرافیا مراجعه کند و این کار به نظر ما کمی دشوار می‌نمود . خواننده خود می‌تواند در صورت نبودن نیاز از خواندن " اوضاع جغرافیائی " که خود قسمتهایی مستقل است صرف نظر کند . اما این عدم نیاز فقط در مورد اوضاع جغرافیائی ممکن است صدق کند ولی سایر مطالب مقدمه به نظر ما خواندنش حتماً ضروری است .

مطالب دیگری نیز درباره آمار جمعیت و همچنین درصد جمعیت شهری و روستایی در این مقدمه وجود دارد که ما آن‌ها را از نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵ برداشته‌ایم. به وقت این رقم‌ها نمی‌توان زیاد اعتماد کرد، خاصه اینکه تعریف‌های آماری آن‌ها در مورد شهر و روستا اصلا درست نیست. مثلا در سرشماری سال ۴۵، نقاطی را که کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته‌اند روستا به حساب آوردند و بقیه را شهر و این به نظر ما نه تنها نادرست بلکه خنده آور نیز هست، ولی افسوس که چاره‌ای جز این نبود. به هر حال ما خود بر آنچه ناشی از مشاهده عینی خودمان است و نیز بر تحلیل‌های خودمان تاکید اساسی داریم، امیدواریم که خواننده نیز به این مطالب بیشتر توجه کند. و ضمنا فصل چهارم مقدمه که کوششی است برای دسته‌بندی اقتصادی روستاها، نیاز به تفکر و وقت انتقادی زیادی دارد.

تابستان سال ۵۱

فصل اول مقدمه

کلیات

۱-۱. اوضاع جغرافیائی فارس

«استان فارس در حدود ۱۳۳۲۹۸ کیلومتر مربع مساحت دارد. فارس یک ناحیه پهناور کوهستانی است که مرتفعات آن دنباله رشته کوههای زاگرس می باشد. جهت کوههای فارس به طور کلی از شمال غربی به جنوب شرقی است و در قسمت شمال و شمال غرب این استان ارتفاعات باهم گره خورده گردنه های صعب العبور و دره های عمیق یا دیوارهای بلند ایجاد می کند که مهمترین آنها رشته کوه دینار و قله آن ۵۲۰۰ متر ارتفاع دارد. در این ناحیه فاصله رشته کوهها از هم کم و دره های باریک و طولانی اجازه کشت و زرع و فعالیت انسان را نمی دهد و ارتفاع زیاد کوههای شمالی باعث سردی هوا شده است. این منطقه سرد سیری دارای جنگلها و مراتع فراوان می باشد»

و سرچشمه^۱ اغلب رودهای این استان است. در این منطقه بیشتر ایلات چادر-
 نشین فارس از د امپروری امرار معاش می کنند.

در جنوب منطقه^۲ سردسیر^۳ ناحیه^۴ تنگستان قرار دارد. در این قسمت
 فاصله^۵ بین کوهها زیادتر شده^۶ تشکیل جلگه^۷ وسیع و حاصلخیز را می دهد که
 بوسیله^۸ رودهاییکه در آنها جریان دارد مشروب می شود. آب این رودها بیشتر
 در مواقع بارانی است. این آبها چون راهی به خارج نداشته و اغلب زمینها
 نیز نفوذ ناپذیرند^۹ تشکیل دریاچههای بختگان و مهارلو و پیرشان را داده است.
 اکثر مردم فارس در این منطقه سکونت دارند. جلگه^{۱۰} شیراز که دریاچه^{۱۱} شور مهار
 در آن قرار گرفته از مهترین مراکز تجمع انسانی است. جلگه^{۱۲} کارون که دریاچه^{۱۳}
 آب شیرین پیرشان را در بر گرفته و جلگه^{۱۴} مرکزی که رود کر و پلوار آنرا مشروب
 کرده^{۱۵} و دریاچه^{۱۶} بختگان و طشکنی ریزد و شرق و شمال غربی آن جلگه^{۱۷} های
 حاصلخیزی ریزد و مرودشت را تشکیل می دهد. در این جلگه بر روی رود کر
 عضدالدوله دلی بند امیر را بنا کرده است. بطور کلی این ناحیه از حاصلخیز
 ترین مناطق استان فارس محسوب می شود. آب و هوای این منطقه معتدل
 و در فاصله^{۱۸} این جلگه کوههای مرتفع قرار گرفته که برای گذشتن از آنها باید
 از گردنه و تنگه ها که در اصطلاح محلی گسل نامیده می شود عبور کرد معروفترین
 آنها کد پیرزن^{۱۹} کتل دختر^{۲۰} کتل رودک است. طغیان رودهای فارس در بهمن
 ماه ۱۳۴۷ خسارات زیادی به این استان وارد کرده^{۲۱} قسمت جنوب فارس
 از ارتفاع کوهها به طور محسوسی کاسته شده و به سواحل فارس منتهی می شود^{۲۲}
 بطوریکه بلندترین کوهها ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد که اغلب بوسیله^{۲۳} رودها بریده
 شده اند این رودها از تنگه های باریک گذشته و به خلیج فارس می ریزند.

زمینها در این قسمت حاصلخیز، ولی در اثر کمی باران و آب محصول کافی بدست نمی دهد. آب و هوای این ناحیه بسیار گرم و خشک است.

در استان فارس ایلات متعدد مانند قشقایی، خمسه و لرزندگی می کنند که بزرگترین آنها ایل ترک زبان قشقایی است که اغلب از راه دامپروزی روزگار می گذرانند. ایلات مزبور بوسیله قشلاق و بیلاق از مغرب به مشرق گله های گوسفند و گاو و اسب را حرکت می دهند.

در استان فارس به علت تنوع آب و هوا انواع محصولات مانند غلات، پنبه، توتون، ترهک، مرکبات، خرما، و میوه به عک می آید.

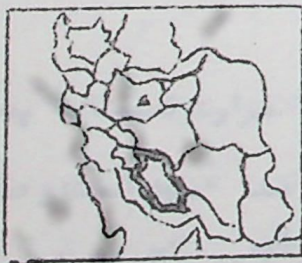
۱-۲. جمعیت استان فارس

استان فارس در سرشماری آبان ۱۳۴۵ دارای ۱۴۶۲۷۰۸ نفر جمعیت بوده، تراکم جمعیت در این استان ۱۱ نفر در کیلومتر مربع بوده است. طبق آمار رسمی از کل جمعیت فارس ۳۹/۹ درصد شهرنشین و ۶۰/۱ درصد روستا نشین بودمانند. در این آمار نقاط بیشتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت شهر به حساب آمده است و روشن است که این تقسیم بندی غیر علمی است. و اگر بخواهیم جاهای بی را که جمعیتش به کار کشاورزی اشتغال دارند روستا به حساب آوریم و جاهایی را که شغل عمده ای اساسی آن صنعت و بازرگانی است شهر به حساب آوریم، طبقا تعداد جمعیت روستا نشین به مراتب بیشتر خواهد شد، که متاسفانه تخمین آماری آن بران ما مقدور نیست.

به طور کلی باید حساب کرد که چند درصد جمعیت به کار کشاورزی اشتغال

رادر . مرکز استانداری فارس شهر شیراز و شهرستان های تابعه این استان عبارتند از : آبارده ، لار ، کازرون ، مصنی ، جهرم ، فسا ، راراب ، فیروزآباد ، نریر ، اصطهبانات .

[Faint bleed-through text from the reverse side of the page, including the word 'استان فارس' (Fars Province) and other illegible words.]



موقعیت استان فارس

استان فارس

فصل دوم مقدمه

۱-۲. شیراز

الف. جغرافیای شیراز

«شهرستان شیراز صرفنظر از جلگه های شیراز، سرودشت و کربال یک منطقه کوهستانی است و امتداد ارتفاعات از شمال باختر به جنوب خاور است. کوههای این منطقه مرتفع هستند و تا ۴۰۰۰ متر نیز ارتفاع دارند. شهرستان شیراز از راه رودخانه مشروب می شود.

آب و هوای شهرستان شیراز معتدل و درجه حرارت نسبت به پستی و بلندی متغیر است. محصولات آن غلات، چغندر قند، میوه است و صنایع دستی آن معروف است. کارخانه کود شیمیائی ^{در نزدیکی} سرودشت و کارخانه سیمان سازی وقتد سازی در حومه شیراز اعتبار صنعتی به این شهرستان داده است.

شهرستان شیراز در سرشماری ۱۳۴۵ دارای ۱۰۶۱۵۱ نفر جمعیت

بود تراکم جمعیت در این شهرستان طبق همین آمارگیری ۳۰ نفر در کیلومتر مربع است.

ب. اقتصاد کشاورزی شیراز

جلگه های اطراف شیراز حاصلخیزترین و پرآب‌ترین نقاط فارس است. در این جلگه ها غلات، چغندر قند، پنبه، انواع میوه ها و حتی برنج به عمل می آید. و درست به دلیل همین حاصلخیزی است که مالکان هنوز از آنجا دست نکشیده اند و قسمت اعظم زمین های زراعی منطقه را در دست دارند.

در شهرستان شیراز بیش از ۱۰۰۰ روستا وجود دارد. مرحله اول اصلاحات ارضی جمعا در ۳۰۰ ده اعم از شش دانگ کامل یا روستاهایی که کما بیش قسمتی از آنها مشمول این مرحله شد، اجرا گردید. در بین این ۳۰۰ روستا هستند روستاهایی که در مرحله سوم تقسیم شده است و کمتر از یک دانگ از آنها مشمول مرحله اول شده است. در حالیکه اگر بخواهیم مجموع دانگهای بی که از این ۳۰۰ روستا به دهقانان فروخته شده به واحد شش دانگی تبدیل کنیم، شاید کمی بیشتر از ۱۰۰ شش دانگی کامل در مرحله اول به دهقانان واگذار شده باشد. روستاهایی که شش دانگ کامل آنها در مرحله اول فروخته شده است روستاهائیکه جمعیت که اراضی آنها نامرغوب و دارای جمعیت بسیار کم است. برخلاف مرحله اول، اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی در روستاهای شیراز تقریبا عمومیت داشت. در ۱۴ روستای شیراز که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته، مرحله دوم اصلاحات ارضی انجام شده است. اجرای شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه نسبت به دیگر شقوق مرحله دوم اکثریت

مطلق داشت . از ۱۴ روستای مطالعه شده در ۶ روستا شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شده است . البته شق اجاره نیز در بسیاری از روستاها اجرا شد . که در مرحله سوم این اجاره ها اغلب به نسبت بهره مالکانه تقسیم شد و گاهی هم به دهقانان فروخته شد . در بعضی از روستاها نیز هم شق اجاره اجرا شد و هم تقسیم به نسبت بهره مالکانه . روشن است که در هنگام اجرای شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه ، اعمال نفوذ مالکین تا چه حد در نحوه تقسیم زمین دخالت داشت و چگونه مالکین قسمتی به مراتب بیشتر از سهم خود را ، — صاحب می کردند و تکه تکه هایی از زمین را منته کوه را به دهقانان می دادند . بر هر چه زمین مسطح و هموار و نزدیک به آب بود پنجه می انداختند و آنچه باقی می ماند که به مراتب کمتر از سهمیه باصلاح قانونی دهقانان بود بدهقانان می رسید . به قول خود دهقانان " خمر و زکات زمین مالکین را به رعیت ها داده اند " .

میزان بهره مالکانه در روستاهای فارس و همچنین شیراز متفاوت بود . است . بهره مالکانه صیفی (چغندر و پنبه) با بهره مالکانه شتوی (گندم و جو) فرق داشته بهره مالکانه شتوی در بعضی از روستاها $\frac{4}{5}$ محصول ، در بعضی $\frac{3}{4}$ ، در بعضی $\frac{2}{3}$ و در بعضی از روستاها $\frac{2}{5}$ محصول بود . بهره مالکانه گندم و جو دیمی در همه نقاط $\frac{1}{5}$ محصول بود . بهره مالکانه صیفی در نقاط مختلف فرق می کرد . در بعضی نقاط $\frac{2}{3}$ و $\frac{3}{5}$ و در برخی مناطق $\frac{1}{4}$ محصول بود . در شد تقسیم به نسبت بهره مالکانه به غیر از حيله هایی که هنگام اندازه گیری و تفکیک زمین ها میزدند ، نیرنگ های دیگری نیز به کار می بردند ، مثلا در روستاهایی که بهره مالکانه صیفی کاری $\frac{1}{4}$ محصول و بهره

مالکانه شتوی $\frac{3}{5}$ محصول بود، به جای اینکه سهم مالک به نسبت هر دو رقم سهم تعیین سرد $\frac{3}{5}$ زمین هابمه عنوان سهم مالک تعیین می گردید. البته این سن $\frac{3}{5}$ سهم مالک از لحاظ قانونی بود، در عمل به مراتب بیشتر از $\frac{3}{5}$ زمین ها سهم مالک می شد. تقریباً تمام مالکین روی زمین های سهم خود سرمایه گذاری کرده اند، باین معنی که سهم خود را مکانیزه کرده اند و با کارگر مزدور گشت سرکنند. به خوش نشینان که اکثریت جمعیت روستاهای فارس و همچنین شیراز را تشکیل می دهند زمینی تعلق نگرفته است.

پ. باغهای شیراز

در روستاهای شیراز باغ نیز وجود دارد. میوه های این باغها از انواع میوه های هسته دار است. باغ انگور نیز زیاد است، بخصوص در ۳۰ کیلومتری شیراز تا کستان وسیعی به تازگی احداث شده که متعلق به یکی از مالکین منطقه است. قسمت مهمی از این باغها اربابی است ولی بیشتر آنها فارس مالکی است. یعنی زمین و آب متعلق به مالک و درختان متعلق به دهقانان است. باغهای فارس مالکی طبق قانونی که در اردیبهشت ماه سال ۵۱ به تصویب مجلس رسیده * قرار است بین مالک و زارع تقسیم شود. اکنون روی باغهای فارس مالکی دهقانان کار می کنند و بهره مالکانه می پردازند. بهره مالکانه در مناطقی مختلف متفاوت است (شرح بیشتر تقسیم معمول و همچنین تقسیم باغهای فارس - مالکی در نمونه های مطالعه شده آمده است.

* لازم به یاد آوری است که این قانون فقط موادی از قوانین مرحله دوم اصلاحات ارضی را که پشت گوش انداخته شده بود دوباره احیا می کند.

۲-۲. داراب

الف. جغرافیای داراب

در شهرستان داراب در حدود ۱۱۸۴۳ کیلومتر مربع مساحت دارد. شهر داراب در غرب بندر عباس قرار دارد و آب و هوا این زیرگرم است. فقط در مناطق کوهستانی شمالی آب و هوای آن معتدل است. ارتفاعات المراد، داراب زیاده مرتفع نیستند. فقط مهمترین آن، کوه داراب است که در شمال آن واقع می باشد و پوشیده از جنگل است. ارتفاع این کوهها از ۲۰۰۰ متر بیشتر نیست. جنگل - ها، این مناطق بیشتر گز و بادام کوهی و بنه است.

شهر داراب در سرخطاری آبان ماه سال ۱۳۴۵ دارای ۱۳۴۶۶ نفر -

جمعیت بود. از کف جمعیت شهرستان داراب $24/4$ درصد شهرنشین -

و $75/6$ درصد روستا نشین بوده اند.»

ب. اقتصاد کشاورزی داراب

داراب منطقه ایست حاصلخیز و محصولات آن غلات، مرکبات، پنبه،

تنباکو، خرما و میوه است. داراب منطقه پرآبی نیست. در جغرافیا از رودخانه

مهمی در این شهرستان نام برده نشده است. بسیاری از روستاهای داراب با

تلمبه چاه سطحی آبیاری می شود. در ضمن داراب منطقه عشایری هم است

و بلوایی از این بهارلو در این شهرستان یا ساکنند یا کوچ می کنند. زمین های

زراعی عشایر همیشه دیمی بوده است و زراعت عشایر فقط گندم وجود دیمی بوده.

همین موضوع یعنی کمبود چشمه سار و رودخانه و حتی قنات در این

منطقه باعث شده است که مالکین کمتر شخصا به امر سرمایه گذاری روی زمین

و اداره زمینهای خود بپردازند زیرا در بعضی نقاط این شهرستان سرمایه
 گذاری روی زمین سود کلان ندارد و به اصطلاح صرف نمی‌کند. البته باز هم
 جزر و طمع مالکین نگذاشته زمین‌ها در مرحله اول تقسیم شود، بلکه با هزار
 حقه و کلت تقریباً در تمام روستاها به جز معدودی روستاهای کشت دیم، مرحله -
 دوم آنها تقسیم شود. تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شده است. منتها در زمین‌های
 سهم مالک، در بسیاری دهات دور افتاده و کم حاصل، هنوز روابط سهم ببری
 برقرار است. به این معنی که برخلاف روستاهای شیراز که مالکین زمین‌های
 خود را مکانیزه کرده و با کارگر مزدور کشت می‌کنند، در اینجا تقریباً می‌توان گفت
 که روی زمینها مالکین کمتر سرمایه گذاری کرده‌اند و به همان روز قبل از اصلاحات
 ارضی آنها اداره می‌کنند. دلیل مهم چنانکه ذکر شد در درجه اول کم حاصل
 بودن زمین و در درجه دوم مخارج زیاد آبیاری، با وسایلی مصنوعی مثلاً تلمبه است
 از ۱۴ روستای مطالعه شده در ارباب‌تنها در ۲ روستای شماره ۱ و
 ۳۷ خانواری که دیم کار بودند اصلاحات ارضی مرحله اول اجرا گردید و زمینها
 به دهقانان فروخته شد. البته در ۳ روستای دیگر نیز قسمت کمی از زمین‌ها
 در مرحله اول فروخته شد که در آنها هم بقیه زمین‌ها مشمول مرحله دوم شود
 تقسیم به نسبت بهره مالکانه گردید. در ۱۴ روستا از ۱۴ روستای مطالعه
 شده مرحله دوم اجرا شد که در ۲ روستا از این ۱۴ تا دو نفر از مالکین
 حق ریشه عده‌ای از دهقانان را خریدند.
 به این ترتیب توجه به نمونه‌های مطالعه شده، اجرای تقسیم به نسبت
 بهره مالکانه در ارباب‌تنها نیز اکثریت مطلقاً را در راست و ولی در روستاهای
 ارباب‌مکانیزاسیون کشاورزی به اندازه شیراز رشد نکرده و مالکین کوچک اغلب

روی زمین‌های خود سهم بر می‌گمارند. مثلاً از ۱۴ روستای مطالعه شده در داراب، در هشت روستا هنوز روایا سهم بری برقرار است. روی موقوفه در روستای داراب بقایای فتوای الیسم مانند تقسیم محصول بین مالک و زارع زیاد دیده می‌شود. در حالیکه در روستاهای شیراز سهم بری به مراتب کمتر دیده می‌شود. یا اینکه مثلاً مزد بری جنسی در بسیاری از روستاهای داراب معمول است حال آنکه در دهات شیراز کمتر به چشم می‌خورد. داراب سالها مذاقه نفوذ فتوای الیسم بزرگ بوده است. در هنگام اصلاحات ارضی، به علت مقاومت مالکین در برابر زمین^{تقسیم}، بر خوردهای شدید و بین مالکین و زارعین در این شهر اتفاق افتاده. این برخوردها در بعضی نقاط حتی به جنگ بین دهقانان و مزدوران مالک کشیده شده. در یکی از روستاهای داراب پسر مالک، دهقان آگاهی را که از منافع دهقانان دفاع می‌کرده، به قتل رسانده است. جرم این دهقان این بود که می‌خواست تقسیم زمین‌ها گرچه به نسبت بهره مالکانه است، عادلانه انجام گیرد. نظیر این وقایع را دهقانان داراب زیاد تعریف می‌کنند، آنها از ظالم مالکین دل پر خونی دارند. نفوذ مالکین در روستاهایی که آبی و حاصلی دارد هنوز هم برقرار است. تنها در روستاهای دور افتاده آن که خود دهقانان نیز از آنجا دست شسته‌اند، مالکین هم آن را رها (مثل روستای شماره ۱۴ داراب) کرده‌اند.

پ. آبیاری در داراب

چنانکه گفته شد اکثر روستاهای داراب یا آبی ندارند یا اگر آبی دارند مالکین آنرا تصاحب کرده‌اند (روستای شماره ۲ داراب). به همین دلیل

دهقانان یا به علت بی آبی دست از زمین های زراعی شان شسته اند و برای کار به شیخ نشین ها و نقاط دیگر رفته اند (روستای شماره ۷ و شماره ۱۴ داراب) و یا اینکه با قرض از این طرف و آن طرف تلمبه های خرید هاند و چاه زده اند (روستای شماره ۶ داراب) .

در ۱۴ روستای مطالعه شده از داراب جمعا ۸۷ تلمبه چاه سطحی وجود دارد . ۳۲ تلمبه از این تعداد متعلق به مالکین و ۵۵ تلمبه متعلق به زارعین است . دلیل این که تعداد تلمبه های مالکین با وجود وسعت زمین هایشان کمتر است ، روشن است ، زیرا آنها در هر جا رودخانه ای و آبی بوده بیشتر آب رودخانه را تصاحب کرده اند و دهقانان مجبور شده اند برای آبیاری زمینهایشان تلمبه بزنند . دهقانان هر روستا به گروههای چند تایی تقسیم می شوند و شریکی تلمبه می زنند . این تلمبه ها گرچه دهقانان را موقتا از ورشکستگی کامل نجات می دهد ، ولی وام تلمبه ها سنگین و متعهد کننده است . این وام یا به بانگ کشاورزی است یا به نزولخور ، در هر صورت سال به سال بر ربح آن افزوده می گردد . وام از بانگ کشاورزی خود وام از نزولخور منجر میشود . تازه پس از چند سال که وام تلمبه ها پرداخت گردید یا آب چاهها سطحی ته می کشد یا تلمبه خرابی شود . معمولا قدرت موتورها می تواند آب را از عمق حداکثر ۲۰ متری بالا بکشد و در این عمق کم ، ذخیره آب زیاد نیست تلمبه هم پس از چند سال کار کردن سر به خرج می گذارد . غالبا این حرف ، که " در فلان روستا تلمبه ترکیب " از زبان دهقانان زیاد شنیده می شود . تلمبه هایی که در بازار استمارک های لیسترولاکستون است و قیمت آنها از ۷ تا ۲۰ هزار تومان است . به جز کود شیمیائی و تراکتور یکی از کالا های پرفروش امپریالیت

ها که بعد از اصلاحات ارضی بازار خوبی در روستاها یافته است همین تلمبه -
 هاست . گروه گروه از دهقانان از بانگ کشاورزی وام تلمبه می‌گیرند و وام را به
 اقساط چند ساله می‌پردازند . تنها در سال ۱۳۴۸ ، بانگ کشاورزی ۵ میلیون
 تومان وام برای حفر چاه و تلمبه پرداخته است . چنانکه گفته شد ، دهقانان
 مجبورند چند برابر پول تلمبه را به اقساط بپردازند . زیرا بهره دیرکرد بانگ
 کشاورزی سنگین است و در صورت قرض از نزولخوار یا سلف ، فروشی ضرر دهقانان
 بسر به جهنم می‌زند .

ت . باغهای آراب

در شهرستان آراب باغهای خرما و مرکبات نیز وجود دارد . در ۱۴
 روستای مطالعه شده ، آراب بیشتر از ۳۷ هکتار باغ وجود دارد که ۲۵ هکتار
 آن آرابی و ۱۲ هکتار آن متعلق به دهقانان است . باغهای مرکبات بیشتر
 آرابی است .

۲-۳ . جهنم ————— رم

الف . جغرافیای جهنم

«شهرستان جهنم در حدود ۵۴۹۸ کیلومتر مربع مساحت دارد . در این
 شهرستان ، ۵ رشته ارتفاعات مهم وجود دارد که اکثر آنها مستور از جنگلهای
 بنه کوهی (پسته جنگلی) و بادام کوهی است و ارتفاع آن ها همه از ۲۰۰۰
 متر به بالا است . بلندترین قله های این کوهها قله کوه سفید راست که ۳۱۷۰
 متر ارتفاع دارد . در دامنه این ارتفاعات عده ای از طوایف کوهگی سکونت دارند .

در جهرم همچنین ۳ رودخانه مهم وجود دارد. آب رودخانه 'قره آغاج' که در استان های جنوبی شیراز را مشروب می سازد و سپهر وارد زمستان خفتر جهرم می گردد به طوری در زمستان و بهار زیاد می شود که عبور و مرور را با داشتن یک قطاع می کنند. عرض آن در نواحی کوهستانی به ۲۰ و در نواحی جلگه 'بستر آن تا ۴۰۰ متر می رسد.

آب و هوای جهرم بسیار گرم و در نواحی کوهستانی معتدل است. محصول عمده آن غلات، مرکبات، پنبه و فراورده های دامی می باشد.

شهرستان جهرم در سرشماری آبان ماه سال ۱۳۴۵ دارای ۸۴۲۱۴ - نفر جمعیت بود. تراکم جمعیت در این شهرستان ۱۵/۳ نفر در کیلومتر مربع بوده است. از کک جمعیت شهرستان جهرم، طبق آمار یاد شده ۶۰/۴۵ درصد شهر نشین و ۴۶/۵۴ درصد روستا نشین بوده اند. جمعیت شهر جهرم ۳۸۲۳۱ نفر بود. آب و هوای شهر جهرم گرم است. در اطراف شهر جهرم نخلستانها و باغات مرکبات و میوه و مخصوصا لیمو ترش فراوان است.»

ب. اقتصاد کشاورزی شهرستان جهرم

بخش مهمی از اقتصاد کشاورزی جهرم را باغداری تشکیل می دهد. نخلستانها و باغهای لیمو ترش جهرم در تمام ایران مشهور است. این باغها اربابی است. در اطراف شهر جهرم باغهایی وجود دارد که اجاره آنها در سال از یک میلیون تومان متجاوز است. این باغها باغ لیمو ترش است. تعداد این قبیل باغها کم نیست. مالک عمده این باغها شخصی به نام پیمان است که نماینده جهرم در مجلس می باشد. پیمان نخلستان های وسیعی نیز دارد.

او تنها در پرک و مانیان ۱۰۰ هزار درخت خرما دارد. شهرت دارد که نصف بیشتر شهر جهرم متعلق به پیمان و خانواده اش است. پیمان یک معدن گسل سر شور نیز دارد که آن را به ولیعهد بخشیده و به همین دلیل به او اجازت داده اند تا عمر دارد از معدن فوق بهره برداری کند.

چنانکه گفته شد در شهرستان جهرم باغ زیار است ولی باغها همه اربابی است. دهقانان اکثر حق بر باغها ندارند و در باغها کارگر مزدور کار می کند. متأسفانه در این مطالعه از روستاهایی که باغهای وسیع اربابی در آن جا وجود دارد چیزی نوشته نشده است. جمعا ۷ روستا از جهرم مطالعه شده که اکثر خشک و بی آب است. باغهای این روستاها آفت زده است و چند سال است که محصول درخت و حسابی ندارد. چند سال است که آفت مخصوص به درختهای میوه می زند که بنظر می رسد علاج ندارد. حتی از تهران متخصص آوردند ولی درمانی برای آن پیدا نکردند. روستای شماره ۳ جهرم روستایی است که به علت همین آفت زدگی باغهایش، مالکین آنجا را رها کرده اند. باغهای آفت زده را باقیمت خوبی به دهقانان فروخته اند و خود را از شر آن خلاص کردند. در شهرستان جهرم به غیر از مرکبات و خرما، غلات و پنبه نیز به عمل می آید. تکلیف باغها که روشن است، زیرا باغها جزو مستثنیات اصلاحات ارضی است و همانطور دست نخورده در دست مالکان باقی مانده، مگر جاهایی که مالکان سر دهقانان شیره مالیده اند و باغ آفت زده را به آنها فروخته اند، مانند روستای شماره ۳ جهرم. زمین زراعی نیز که باید قانونا اصلاحات ارضی بشود، در مرحله دوم به نصبت بهره مالکانه تقسیم گشته است. به قول دهقانان اگر زمین مالکان، قالی دوازده متر باشد، سهم دهقانان به اندازه یک قوطی

کبریت روی این قالی است . در ۷ روستای مطالعه شده از چهارم ، در هر هفت روستا ، مرحله دوم اصلاحات ارضی اجرا شده است .

۲-۴ . فسا

الف. جغرافیای فسا

«شهرستان فسا در حدود ۴۳۴۲ کیلومتر مربع مساحت دارد . قسمت عمده این منطقه کوهستانی بوده و دهستانهای مهم در دره های این ارتفاعات واقع است . ۴ رشته کوه مهم در این شهرستان واقع است که بلندترین قله آن ۳۲۰۲ متر ارتفاع دارد . شهرستان فسا را دو رودخانه مشروب می کشد ، ولی به طور کلی شهرستان فسا کم آب است . شهرستان فسا در آبانماه سال ۱۳۴۵ دارای ۷۶۵۳۴ نفر جمعیت بود . تراکم جمعیت در این شهرستان ۱۸/۳ نفر در کیلومتر مربع بوده است . از کل جمعیت شهرستان فسا ۳/۳۱ درصد شهرنشین و ۷/۶۸ درصد روستا نشین بوده اند . جمعیت شهر فسا ، مرکز شهرستان فسا ۱۶۰۵۲ نفر بود . در نزدیکی شهر فسا یک کارخانه قند قرار دارد . آب و هوای شهرستان فسا به علت وجود دریاچه بختگان ارتفاعات زیاد نسبتا معتدل است . محصول عمده این شهرستان غلات ، پنبه ، چغندر ، قند ، خرما ، میوه و تریاک و صنایع دستی آن قالیبافی و گلیم بافی و گیوه دوزی می باشد .»

ب. اقتصاد کشاورزی شهرستان فسا

وضع اصلاحات ارضی و تقسیم زمین در فسا نیز مثل بقیه شهرستان های فارس است . در این شهرستان نیز همه جا مرحله دوم اصلاحات ارضی آنها هم شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شده است . در شهرستان فسا هم بهره مالکانه قبل از اصلاحات ارضی اغلب $\frac{1}{3}$ محصول بود . به همین دلیل در جریان مرحله دوم و سوم اصلاحات ارضی ، در اکثر روستاها $\frac{1}{3}$ زمین ها سهم مالک شده است و دهقانان قسمت کوچکی از زمین ها را در اختیار دارند . جمعا ۴ روستا از شهرستان فسا مورد مطالعه قرار گرفته که در هر روستا نیز مرحله دوم اصلاحات ارضی اجرا شده است .

در شهرستان فسا باغ میوه هم هست . میوه ها از نوع میوه های هسته دار و همچنین مرکبات است . باغها اکثرا اربابی است و کارگر مزدور روی آنها کار می کند .

۲-۵۰-۵ مسنی

الف. جغرافیای مسنی

«شهرستان مسنی در حدود ۸۰۳۲ کیلومتر مربع مساحت دارد . کوه های دینار در شمال این شهرستان کشیده شده و اغلب پوشیده از جنگلهای بلوط و بادام گوهی و زرشک است . آب و هوای آن در جنوب گرم و در شمال به علت وجود کوههای مرتفع سرد و محل سکونت ایلات مسنی است . چنانکه گفتم بزرگترین قله کوههای دینار ، قله دنا ، ۵۲۰۰ متر ارتفاع دارد .»

ب. جمعیت ممسنی

شهرستان ممسنی در سرشماری آبان ماه سال ۱۳۴۵ دارای ۱۸۷۱۵ نفر جمعیت بود. تراکم جمعیت ۱۲/۳ نفر در کیلومتر مربع و از تک جمعیت شهرستان ممسنی، طبق آمار یاد شده، ۵/۵ درصد شهرنشین و ۱۴/۵ درصد روستا نشین بوده‌اند.

مرکز شهرستان ممسنی شهر نورآباد است که در دره باصفائی قرار گرفته است و در سال ۱۳۴۵ دارای ۵۲۷۱ نفر جمعیت بود. اراضی شهرستان ممسنی حاصلخیز است و چشمه‌ها و جویبارهای متعددی در آن مناظر بدیسی به وجود آورده است.

ممسنی منطقه عشایری است و قسمتی از آن قشلاق ایل بویر احمد است. ایل ممسنی هم در ممسنی زندگی می‌کند. قسمتی از آن‌ها یا ساکن این منطقه هستند یا در این منطقه بیلاق قشلاق می‌کنند.

ب. اقتصاد کشاورزی ممسنی

ممسنی منطقه کوهستانیست. اقتصاد آن قبل از اصلاحات ارضی بر دامداری متکی بود و زراعت آن کشت دیم بود. به همین جهت بسیاری از روستاهای این منطقه در مرحله اول به دهقانان فروخته شد. روستاهای کوهستانی را مالکین نمی‌توانستند مکانیزه کنند. نگهداری قسمتی از آن‌ها برای مالکین صرفه داشت. در نتیجه مالکان فقط روستاهای حاصلخیز را برای خود نگهداشتند. در ممسنی روستاهایی که در مرحله اول به دهقانان فروخته شده باشد نسبت به بقیه مناطق فارس زیاد است. قبل از اصلاحات ارضی فتوح آنها نفوذ شدیدی

در منطقه داشتند و خود حکومتی جدا از حکومت مرکزی در این منطقه برقرار کرده بودند. حسینقلی خان رستم، فقودان بزرگ منطقه بود که در اثر مقاومت در مقابل دولت اعدام شد.

رعقنان عقیده دارند که هنوز هم فرزندان او بر خرمارد سوارند و زمین‌ها و عوسیمی را در اختیار دارند و هنوز ژاندارمری در اختیار این هاست مثلا در ^{عرب}یلگه عموار و حاصلخیزی تلمبه چاه عمیق و تراکتور و کمابین دارند و بسا کارگر روز مزد زمین‌ها را کشت می‌کنند و در تمام روستاهای حاصلخیز از ۶۸ سهم روستا (معمولا عرب روستای ۶ دانگی مصنوعی را ۶۸ سهم می‌گویند) ۴۴ سهم متعلق به اینهاست. نه تنها اینها بلکه مالکان دیگر نیز ۴۴ سهم از املاک بدرد بخور هر روستا را تصاحب کرده‌اند. بعضی از مالکان سهم خود را مکانیزه کرده‌اند ولی اکثر آنها به همان طریق سابق بهره‌مالکانه میگیرند.

طریق سابق به این شکل بود که مباشر ارباب به مزرعه گندم نگاه می‌کرد و میزان محصول را نظری تخمین می‌زد، رعیت می‌بایستی سهم مقرر را از مقدار ی که مباشر تخمین زده بود به ارباب بپردازد. روشن است که رعیت مجبور به اجماعت از حرت مباشر بود گرچه ممکن بود تمام محصول به اندازه سهم مقرر ارباب نشود. رعیت مجبور بود میزانی را که مباشر نظری تعیین کرده بپردازد. بنابراین اگرچه ظاهرآ سهم ارباب به علت اینکه گندم وجودی بود $\frac{1}{4}$ محصول بود ولی عملا آنچه مباشر تعیین می‌کرد سهم مالک می‌شد. زیرا مباشر گندم را به مراتب بیشتر از مقدار واقعیتر تخمین می‌زد و بنابراین $\frac{1}{4}$ آن هم به مراتب بیشتر از $\frac{1}{4}$ محصول واقعی می‌شد. ممکن بود آنچه مباشر خواسته بود باندازه نصف محصول و یا تمام محصول رعقنان باشد. در مورد برنج هم مباشر روی

اسبی نشست و از کنار زمین محل کشت برنج می گذشت و در حال رد شدن از جلوی زمین چوبی را بطور مرتب حرکت می داد و روی شالی می زد، این چوب زدن ها را می شمرد و با اصطلاح میزان محصول برنج را اندازه می گرفت. این عمل را خودشان نی زدن می گویند. ضمن این کار حقه های بسیار میتوانستند بزنند، مثلا هرگاه اسب سرعت از جلوی زمین رد می شد تعداد نی زدن ها کمتر میشد و اگر آهسته تر رد می شد تعداد نی زدن ها بیشتر می شد و در نتیجه مباحثه مقدار محصول را بیشتر تخمین می زد و سهم مالک^{مقرر} بیشتر می شد. بهره مالکانه برنج^ج آبی نیز تا قبل از سال ۱۳۳۰، $\frac{1}{4}$ محصول بود ولی از زمان دکتر مصدق و به همت او بهره مالکانه برنج به $\frac{1}{3}$ محصول تقلیل یافت ولی طریق اندازه گیری محصول همان طریق سابق بود که امروز هم هست، امروزه نیز در روستاهایی که مرحله دوم شو. تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شده است، در زمین های سهم مالک، تقسیم محصول به همان طریق سابق صورت می گیرد.

۲-۶ شهرهای مطالعه نشده

در این کتاب روستاهایی از شهرهای شیراز، اراک، جهرم، فسا، ممسنی و یک روستا از کهگیلویه (این یکی از استان فارس نیست) مطالعه شده، ولی مقاصد امکان مطالعه روستاهای سایر شهرهای استان فارس مانند، لار، آباره، فیروزآباد، اصطهبانات، و نی ریز دست نداده، بدینجهت از این شهرها چیزی نداریم که بنویسیم. در مورد شهر کازرون نیز، ما فقط دو روستا را مطالعه کردیم که مطالب به دست آمده از آن ها را برای اظهار نظر کلی راجع به این شهرستان در مقدمه، کافی نمیدانیم. خواننده خود میتواند به یادداشت های ما از روستای

این شهرستان در متن کتاب تحت عنوان "روستای شماره ۱ کازرون" و "روستای شماره ۲ کازرون" مراجعه کند.

فصل سوم مقدمه

نظری به مسایل عمومی روستاهای فارس

تا اینجا راجع به شهرستان های جداگانه و مسایل اقتصاد کشاورزی آنها مطالعه کردیم، حال می پردازیم به مساله بسیار مهمی که در روستاهای فارس عمومیت دارد: مساله خوشنشینان به طور کلی و از جمله در فارس.

۳-۱. وضع خوشنشینان در تمام ایران

قبل از پرداختن به وضع خوشنشینان در فارس به بررسی وضع آنها قبل از اصلاحات ارضی و بعد از آن در تمام ایران می پردازیم. زیرا اصلاحات ارضی تغییر و تحولات مهمی در زندگی این قشر از روستائیان ایران به وجود آورده و سبب رشد کمی روز افزون خوشنشینان گشته است. همین رشد کمی و مکانیزاسیون کشاورزی خود سبب ایجاد بیکاری و بحران شدید در زندگی آنها می گردد.

وضع خوش‌نشینان قبل از اصلاحات ارضی

قبل از اصلاحات ارضی که روابط ارباب و رعیتی (فتو الیزم) شکل مسلط روابط تولیدی در روستاهای ایران بود، ارباب‌ها برای بدست آوردن محصول بیشتر سعی می‌کردند که رعایای بیشتری داشته باشند. زیرا ابزار تولید کشاورزی ابزار ابتدائی دستی بود و به کار بردن این ابزار نیاز به نیروی انسانی زیاد داشت. به طور ساده، شخم یک زمین، هکتاری به کار شبانه روزی ۲ نفر در مدت ۳ ماه نیاز داشت در حالیکه همین هکتار زمین را تراکتور می‌تواند یکروزه شخم بزند. به همین دلیل و به دلایل دیگری که مہتر است و در مسطور بعد ذکر خواهد شد، مالک سعی می‌کرد از حد اکثر نیروی کار دره برای کشت زمین‌هایش استفاده کند. میدانیم که وسعت زمین‌های زراعی دره محدود است ولی جمعیت روستا مرتباً رشد می‌کند. فرزندان دهقانان بزرگ می‌شوند، تشکیل خانواده می‌دهند و احتیاج دارند که از ارباب زمینی بگیرند و کشت و زرع کنند. زمین‌های زراعی روستا محدود است و در دست عده‌ای از روستائیان است که به آنها صاحب نسق یا رعیت می‌گویند. شکل این نسق بندی از این قرار بود که مالک زمین‌های روستا را مثلاً به ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰ قسمت تقسیم می‌کرد و هر قسمت را به یک نفر که صاحب یک جفت گاو بود واگذار می‌نمود. هر قسمت را یک جفت گاو می‌گفتند. اغلب چون یک نفر دهقان نمی‌توانست به تنهایی یک جفت گاو داشته باشد، در نتیجه دو نفر دهقان مشترکاً صاحب نسق یک جفت گاو می‌شدند. یعنی عده‌ای از دهقانان یک "جفت گاو" زمین در اختیار داشتند و عده‌ای "نیم گاو" یا "یک گاو". دهقانی که مالک به او زمین واگذار کرده بود زمین را کشت

می کرد و سر سال محصول را بین خود و ارباب تقسیم می کرد ، یعنی بهره مالکانه می برداخت . این دهقان را صاحب نسق می گفتند . خانوارهای دیگری نیز در روستا زندگی می کردند که به علی توانسته بودند زمینی از ارباب بگیرند و روی آن کار کنند . این ها را خوش نشین می گفتند . در لغت هم خوش نشین یعنی کسی که هر جا خوشش بیاید می نشیند و وابسته به زمین نیست . خوش نشینان که تعداد آنها در هر روستا زیاد نبود به کارهای مختلفی می پرداختند . چند نفر از آنها چوپان و دشتبان و حمامی و سلمانی بودند ، عد های از آنها برزگر بودند یعنی برای رعیت ها کار می کردند و سهم ناچیزی از محصول را می بردند . عد های از آنها روی زمین های ارباب (معمولاً اگر ارباب در روستا زندگی می کرد چند جفت گاو از زمین ها را به دست رعیت ها نمی داد بلکه با کارگر اجیر آنها را کشت می کرد) مزد روی می کردند ، گروه اندکی نیز برای کار به شهرها می رفتند و خلاصه کارشان فعلگی بود . در بعضی نقاط ایران به آنها آفتاب نشین هم می گفتند ، در آذربایجان به آنها " قره " یا " قره قیصت " می گویند ، یعنی کسانی که سرنوشتشان سیاه است . تعبیرهای جالبی است ، آفتاب نشینان معمولاً کاری نداشتند جز اینکه کنار دیوار میدان ده بنشینند تا هر کس کاری دارد آنها را به مزدوری ببرد . معمولاً هم سخت ترین کارهای کشاورزی مثل آرد ، شخم ، کانال کشی ، به عهده خوش نشینان بود . و برآستی چه سرنوشتی سیاه تر از این که کسی چشم انتظار کار باشد ، سخت ترین کارهای کشاورزی را بردوش بکشد ، آنها با مزدی که ، به رحمت نانی می شود تا وصله شکم خورد و بچه هایش کند . در واقع خوش نشین ها بدبختترین افراد روستا بودند ، حتی رعیت ها به دیده " ترحم و تحقیر به آنها نگاه می کردند . بنظر رعیت ها

خوش نشین ها حتی عرضه اینکه پولی جمع کنند و گاوی بخرند نداشتند و به این دلیل به آنها زمین نرسیده بود . ولی در واقع اینطور نبود و اجبارا عده ای از اهل روستا نمی توانستند از طریق بهره برداری از زمین زندگی کنند . چنانکه گفتیم وسعت زمین های زراعی روستا محدود بود . البته ارباب مرتبا تعداد صاحب نسق ها را اضافه می کرد ، یعنی به دهقانان صاحب نسق اضافه شدن نسق را تحمیل می کرد . زیرا هر صاحب نسقی که یک جفت گاو زمین در اختیارش بود به غیر از بهره مالکانه موظف بود عوارض نیز بپردازد . عوارض و رسومات در مناطق مختلف فرق می کرد . مثلا در بعضی مناطق که دامداری بخش مهمی از اقتصاد روستا را تشکیل می داد عوارض دام و فراورده های دامی بیشتر بود . به طور نمونه در مناطقی از کردستان عوارض و رسومات به قرار زیر بود :

یک من روغن

یک عدد گوسفند (پسرانه)

دو عدد مرغ (مرغانه)

۳۰ من گندم (ضابطانه)

یک روز شیر گوسفندان ده

دو بارگاه

دو بار ورك (ورك خاری است که زود می سوزد . دهقانان موظف بودند

سوخت مصرفی ارباب را تامین کنند)

طناب موئین (طنابی که از موی بز بافته می شود)

۴ روز بیگاری

۵۰ ریال پستول

علاوه بر اینها هر خانوار دهقان صاحب نسق موظف بود نیم من پشم
برای ارباب برسد .

این ها عوارض سالیان^ه يك جفت گاو زمین بود و صاحب نسق يك گاو و
زمین نصف مقدار پیر بالا را می پرداخت .

گفتم که مالک به دلیل گرفتن عوارض از هر فرد صاحب نسق ، به نفعش
بود که هر چند یکبار تعداد صاحب نسق ها را بیشتر کند . به این ترتیب که
وقتی بعد از چند سال به علت بزرگ شدن فرزندان دهقانان و خوش نشینان
تعداد بی زمینان روستا افزایش می یافت ، مالک تعداد تقسیمات زمینهای روستا
را بیشتر می کرد و آنها را به تکه های کوچکتری تقسیم می نمود ، البته با این ادا
که زمینی که هر دهقان صاحب نسق در اختیار دارد ، بیش از حد وسیع است و
يك جفت گاو توانایی شخم آن را ندارد ، پس باید زمین ها را به قطعات کوچکتری
تقسیم کرد . به این شکل مالک تقسیم مجدد زمین ها را به دهقانان تحمیل
می کرد . روشن است که این کار مالک به ضرر دهقانان بود و باعث می شد که
دهقانان روز به روز فقیرتر شوند . مثلا در یکی از روستاهای کردستان مالک
در عرض چند سال تعداد نسق های ده را از ۱۴ به ۳۵ رسانید . ولی این
سوال پیش می آید که مالک این تقسیم مجدد زمین ها و اضافه کردن تعداد نسق
را تا کجا می توانست ادامه دهد ؟ جوابش اینست که اولاً رشد جمعیت در دوران
تسلط فتوح الیزم کم بوده و در ثانی اگر رشد جمعیت بدان حدی می رسید که
دیگر نشود نسق های ده را کوچکتر کرد ، در این صورت از طریق احیای اراضی
موات و غیره روستاها^ی جدید به وجود می آمد . خود معنی کلمه روستا حاکی
از این موضوع است .

به این دلیل تعداد خوش‌نشین در روستاها زیاد نبود مگر در روستاهایی که تقسیم زمین به قطعات خیلی کوچک، سطح تولید محصول را پائین می‌سازد. در سال‌های اخیر قبل از اصلاحات ارضی، در برخی زمین‌های هموار و حاصلخیز، تقسیم زمین به قطعات خیلی کوچک غیر اقتصادی بود، این زمین‌ها احتیاج به سرمایه گذاری مختصری داشت تا محصول بهتری به بار بیآورد. در این روستاها ^{ها} روستا رهیتم‌ها تکه‌ها نسبتاً وسیعی زمین در اختیار داشتند و خوش‌نشینان روستا را به‌منوان ^{کامیاب} برگزیده به کار می‌گرفتند. به هر حال قبل از اصلاحات ارضی نیروی انسانی فعال روستا دچار بحران شدید بیکاری نبود و هر طور شده بود برای همه روستائیان در خود روستا کار پیدا می‌شد.

البته لازم به تذکر است که عوارضی^۱ رسماتی که قبلاً یاد کردیم از زمان حکومت کر صدق و به همت او لغو شد و در تمام روستاهای دور افتاده نیز دهقانان چنین چیزی را بیاد دارند. حتی پیر مرد دهقانی در روستایی دور افتاده (در ریز کازرون) چنین اظهار نظر می‌کرد: این اصلاحات ارضی از فکر صدق شروع شد و اولین بار او بود که این عنوان کرد. به هر حال بعد از لغو عوارضی در حکومت صدق دهقانان دیگر عوارضی نمی‌پرداختند، اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، تا دو سال به زور ژاندارم مجدداً از آنها عوارضی گرفتند که باعث مقاومت دهقانان عملاً نتوانستند گرفتن عوارضی را ادامه دهند. همچنین ورود تراکتور به روستاها از حدود سال ۱۳۳۵ باعث شد که برخی از مالکان برای کاشتن زمین‌های خود از تراکتور استفاده کنند. این زمین‌ها بیشتر زمین‌هایی بود که در دست خود مالک بود و بزرگ‌ریا کارگر اجیر روی آن کار می‌کرد. مالکان روز به روز بر مقدار زیر کشت مکانیزه خود در روستا افزودند، زیرا بوسیله تراکتور

زمین بیشترن را می توانستند خود مورد بهره برداری قرار دهند . از این بجهت مالکان حتی عده ای از صاحب نسق ها را از زمین بیرون هم می کردند تا زمین زیرکشت مکانیزه خود را وسعت دهند . لغو عوارض از طرفی و ورود تراکتور به روستا از طرف دیگر ، سبب از یاد تعداد خوش نشینان در سالهای بیست و سه تا قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۳۶ گردید . ولی در واقع فاجعه زندگی خوش نشینان از هنگام اصلاحات ارضی شروع شد .

از عفتگامی که آوازه اصلاحات ارضی به گوش مالکان رسید اغلب آنها که در شمار بودند تا آنجا که میتوانستند دهقانان صاحب نسق را از زمین ها بیرون کردند و زمین ها را مکانیزه قلمداد نمودند . به این ترتیب عده زیادی از صاحب نسق ها و خوش نشینان از کار کشاورزی بیکار شدند و عملاً بسیاری از صاحب نسق ها هم به جمع خوش نشینان اضافه شدند .

در جریان اصلاحات ارضی نیز ، چه در مرحله اول و چه در مراحل بعدی ، فقط به عده ای از صاحب نسق ها (که بیشتر زمینی رسید و خوش نشینها که قسمتمهمی از جمعیت روستا را تشکیل می دادند از کار کشاورزی بی نصیب ماندند ، البته با این تفاوت که اکنون وضع آنها با گذشته فرق اساسی کرده است : اکنون در بیشتر روستاها قسمت اعظم زمین ها را مالکان تصاحب کرده اند و مالکان هم تقریباً در همه جا زمین سهم خود را مکانیزه کرده اند . یعنی با تراکتور و کمباین و دو سه کارگر مزدور آنها اداره می کنند . اصولاً به دو دلیل زمین های سهم خود را در روستاها مکانیزه می کنند .

الف- مالکان از ترس اینکه دهقانان با کار کردن مجدد بر روی زمین های آنها حقی بر زمین پیدا کنند ، از دادن دوباره زمین به دست آنها و اداره

آن بوسیله دهقان سهم بر خود اری می کنند و ناچارند با تراکتور و کمپاین و دو سه کارگر مزدور زمین هایشان را اداره کنند .

ب. علاوه بر دلیل الف ، مالکان به خاطر بازده بیشتر محصول ، دست به مکانیزه کردن زمین هایشان می زنند .

رشد مکانیزاسیون در کشاورزی سبب بیکاری شدید خوشنشینان گردید . زیرا بدون اینکه زمین های زراعی توسعه قابل توجهی یافته باشد ، مکانیزه شدن آنها باعث شد که احتیاج به نیروی کار کارگر به مراتب کمتر گردد . از طرفی دهقانان صاحب زمین نیز احتیاجی به نیروی کار ندارند زیرا قطعه زمین های آنها به قدری کوچک است که نیروی کار خود آنها بپیرای آن زیاد است و خودشان نیز برای کار به شهرها می روند . ضمناً لازم به تذکر است که یکی از شقوق مرحله دوم اصلاحات ارضی خرید حق ریشه دهقانان بود . در جریان مرحله دوم بسیاری از مالکان حق ریشه دهقانان را خریدند و آنها را از زمین بیرون کردند . این عده از صاحب نسق ها هم علا خوشنشین شدند . اکنون نیز رشد جمعیت روستا در جهت رشد قشر خوشنشین است . زیرا تعداد صاحب نسق ها ثابت است و خانوارهای جدیدی که تشکیل می شوند ، یا فرزندان صاحب نسق ها هستند یا فرزندان خوشنشینان که هر دو دسته به قشر خوشنشین افزوده می گردند و باعث رشد کمی هر روزه این نیمه پرولتاریای بیکار و سرگردان میشوند . علاوه بر این دهقانان ورشکسته نیز جزو این گروه در می آیند . دهقانهاییکه در اثر خشکسالی یا قحطی های کم شکن ورشکسته می شوند ، زمین ها را رها می کنند و برای کار به شهرها هجوم می برند .

۳-۲. وضع خوش‌نشینان فارس

در سال ۱۳۳۶ تعداد خوش‌نشینان در ایران به مراتب از تعداد صاحب‌منطق‌ها کمتر بود. طبق آمار رسمی دشمن در همین سال تعداد صاحب‌منطق‌ها ۱۶۳۴۱۶۰ خانوار بود، در حالی که تعداد خوش‌نشینان بالغ بر ۱۲۸۴۳۰۰ خانوار می‌شد. یعنی تعداد صاحب‌منطق‌ها تقریباً $1/5$ برابر خوش‌نشینان بود. متأسفانه چنین آماری در مورد صاحب‌منطق‌ها و خوش‌نشینان فارس در سال‌های قبل از اصلاحات ارضی در دست نداریم، ولی به نظر می‌رسد که همین نسبت در مورد فارس سال ۱۳۳۶ هم به تقریب صادق باشد، زیرا دلیلی ندارد که فارس از این نظر با بقیه‌ی جاهای ایران متفاوت باشد. از آمار صاحب‌منطق‌ها و خوش‌نشینان سراسر ایران و همچنین فارس، بعد از اصلاحات ارضی، نیز اطلاعاتی در دست نیست. دولت شدیداً آمارهای مربوط به تعداد دهقانان زمیندار و بی‌زمین را پس از اصلاحات ارضی مخفی می‌کند. اما از آماریکه از روستاهای مطالعه شده در شهرهای شیراز، داراب، جهرم و فسا، از این کتاب بیرون کشیده‌ایم، چنین پیداست که نسبت یاد شده درست معکوس گردیده. یعنی این بار تعداد خوش‌نشینان $1/5$ برابر دهقانان زمیندار شده. به طوری که از ۵۶۸۱ خانوار روستایی، که در ۳۸ روستای مورد مطالعه شهرهای یاد شده سکونت دارند، ۳۴۱۵ خانوار آن‌ها بی‌زمین و ۲۱۸۶ خانوار آن‌ها زمیندار هستند. تازه این آمار خانوارهای خوش‌نشین است، اگر بخواهیم جوانهای از ۱۸ سال به بالای روستا را که زمین ندارند حساب کنیم تعداد خوش‌نشینان خیلی بیشتر از این خواهد شد. علاوه بر این تعداد

شوند

زیادی از این زمینداران هم مقدار زمینشان آنقدر کم است که در واقع اگر نمیداشتند بهتر بود، با خیال راحت تر می توانستند دنبال کار برونند. با توجه به این امر تعداد واقعی دهقانان بی زمین و خیلی کم زمین، خیلی بیشتر از اینهاست بعد از اصلاحات ارضی، اغلب خوش نشینان فارس از کار کشاورزی افتاده اند. تقریباً در تمام نمونه ها مطالعه شده در این کتاب، زمین های مالک با تراکتور شخم زده می شود. تعداد کمباین البته خیلی کمتر از تراکتور است ولی آن هم مرتباً دارد زیاد می شود و فقط از کارهای کشاورزی زمین های مالکان، آبیاری می ماند و چند کار جزئی دیگر که آن هم به وسیله دو سه نفر کارگر انجام می گیرد. فقط در حدود ۲۰ تا ۳۰ روز از سال برای عده نسبتاً بیشتری کارهایی مثل پنبه چینی، چغندر کئی، تیغ زدن تریاک، درو و غیره وجود دارد (مثلاً روستای شماره ۱۰ فسا و غیره).

تاکنون در میان کارهای یاد شده در دو سهم بیشتری داشت ولی اکنون

که کمباین هر چه بیشتر در زمین های مالکان و حتی دهقانان زمیندار رسوخ می کنند، کار در رو هم دارد تقلیل می یابد. مثلاً هم اکنون هم برخی از دهقانان زمین دار با اینکه زمین کمی دارند، ولی در حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد محصول خود را می دهند تا کمباین مالک زمینشان را درو کند (مثلاً روستای شماره ۱۰ و ۱۱ در ارباب) زیرا که کمباین محصول را کمتر حیف و میل می کند. مثلاً برخی از دهقانان می گویند که "کمباین ۶ تخم را ۸ تخم می کند". فقط عیب کمباین اینست که گاه را حیف و میل می کند و چون دهقانان دامدار به گاه نیاز دارند، محصول خود را با کمباین بر نمی دارند. البته این مشکل برای دهقانان بدون دام وجود ندارد. بدین ترتیبی بینیم که سال به سال کارگران بخش

کشاورزی بیکارتری می شوند و مجبورند دنبال کارهای دیگری بروند . در خصوص روستا که کاری وجود ندارد ، به جز اینکه گاهی به ندرت کسی به عطله احتیاج پیدا کند . خوشنشینان بیکار برای پیدا کردن کار به شهرها و روستاهای اطراف به طور فصلی مهاجرت می کنند (مثلا روستای شماره ۶ در ارباب و غیره) خوشنشینان روستا های مناطق جنوبی استان فارس اغلب برای کار به جزایر خلیج فارس و دریای عمان می روند (روستای شماره ۳ در ارباب ، روستای شماره ۷ در ارباب و غیره) . عده ای نیز به کرمان و سایر مناطق برای کندن ریشه محک (شیرین بیان) می روند (مثلا روستای شماره ۱ شیراز ، روستای شماره چهار شیراز و غیره) . ریشه محک گیاهی است که مصرف دارویی دارد ، تاجران شیرازی آن را به خارج صادر می کنند . ترتیب کار چنین است که تاجران در آغاز با خرج خودشان ، عده ای کارگر خوشنشین را به مناطقی که ریشه محک در آنجا فراوان است می برند و با آن ها چنین قرار می نمایند که ریشه محک را در محل منی ۴ ریال از آنان بخرند و پیر از تسویه حساب و کم کردن کرایه رفت و برگشت و سایر مخارجی که در آغاز کرده اند ، بقیه پولشان را به آن ها بپردازند . البته بعضی از خوشنشینان نیز خود برای پیدا کردن ریشه محک می روند و بعد آن را به شیراز می آورند و در آنجا منی ۷ ریال می فروشند . ریشه محک با رنج فراوان از لای خاک و سنگ بیرون می آورند و به نمایندگی تاجر که اکثرا همراه آنهاست تحویل می دهند . نمایندگی تاجر اسما ریشه محک را از کارگران در محل منی ۷ ریال می خرد ولی منی ۲ ریال با استکرایه و منی ۵ / ۰ ریال با است عوارض کم می کند و غیره خلاصه منی ۴ ریال به آن ها می دهد . یکی از خوشنشینان می گفت که به طور متوسط روزی ۵ تومان از این کار گیرمان می آید . ولی همین

کار دائمی نیست و معمولاً هر خوش‌نشین سالی یکی دو ماه بیشتر نمی‌تواند در نیال
 ریشه محک کتی برود. چون ریشه محک آن محل تمام می‌شود و مدت ها
 طول می‌کشد تا بتوانند در جای دیگری کار پیدا کنند، البته اگر جاهای
 دیگر به وسیله کسان دیگری اشغال نشده باشد.

عده کمی از خوش‌نشینان هم در کارخانه های شهرهای نزدیک
 کار می‌کنند ولی هنوز خانه و زندگی شان در ده است.

چنانکه گفتیم عده ای هم در شهرهای دور و نزدیک و حتی در تهران فعلگی
 می‌کنند. خانه و زندگی تمام این هام در ده است. آن دسته از خوش‌نشین
 هایی که در شهرها و روستاهای نزدیک ده شان فعلگی می‌کنند، ماهی
 یکی دو بار برای سر کفی به ده خود می‌آیند و برای خوراک خودشان یک
 گونی نان خشک می‌برند. آن هایی که در شهرهای دور افتاده هستند
 اغلب چند ماه یکبار هم نمی‌توانند به زن و بچه خود سری بزنند و بعد
 از تمام شدن کارشان به ده برمی‌گردند، گاهی اتفاق می‌افتد که شش ماه
 پشت سر هم زن و بچه هایشان را نمی‌بینند.

روشن است که کار فعلگی دائمی نیست و خیلی کم هستند کسانی که سالی
 بیشتر از چهار یا پنج ماه عطلگی کنند.

یکی دیگر از منابع درآمد خوش‌نشینان فارس دامداری
 است. معمولاً هر خوش‌نشینی سه، چهار گوسفند دارد. این دامداری
 مختصر می‌تواند در مواقع حساس از مرگ خوش‌نشینان از گرسنگی جلوگیری
 کند.

البته گاهی هم زن و دختر خوش‌نشینان در خانه گلیم یا فرش می‌بافند.

در سال های اخیر هم که به علت ممنوعیت های اداره منابع طبیعی چریدن گوسفند ها دچار اشکال شده ، دام های خوش نشینان هم دارد از بین می رود (مثلا روستای شماره ۴ شیراز و غیره) .

بسه هر حال خوش نشینان فارس هم مانند سایر خوش نشینان ایران با وجود اینکه اغلب کار مزدوری می کنند و از این لحاظ کارگر به حساب می آیند ، باز عناصری از اقتصاد خرده بورژوازی در زندگی آنها وجود دارد :

دامداری مختصر و صنایع دستی خانگی عنصر خرده بورژوازی زندگی خوش نشینان است .

بدین جهت در ذهن آنان تمایلات خرده بورژوازی نیز وجود دارد . که انعکاسی از عناصر خرده بورژوازی زندگی آن هاست :
مثلا آرزوی زمین دار شدن در آن ها شدید است و تصور آنها از زندگی بهتر " دهقان زمیندار شدن است (روستای شماره ۴ یک شیراز و غیره) .

البته در مناطقی که دهقانان زمین دار نیز از تکه زمین سنگلاخ و بی آبشان طرفی نمسته اند ، خوش نشینان هم بیشتر از روستا دل کنده و بیزار گشته اند و ناچار زندگی بهتر را مثل کارگران شهری ، در راه دیگر و کار دیگر جستجو می کنند .

بسیار هستند خوش نشینانی که با کار در کارگاهها و کارخانه های مدین صنعتی از لحاظ ایدئولوژیک هر چه بیشتر وابسته به طبقه کارگری شوند و عناصر خرده

فصل چهارم مقدمه

دسته بندی روستاهای فارس

له

روستاهای فارس را نمونه هایی از آن ر این شاب مطالعه شده ، بطور

کلی میتوان به چهار دسته عمده تقسیم کرد :

۰ ۱ روستاهای نیمه فئودالی

۰ ۲ روستاهای کلا تقسیم شده

۰ ۳ روستاهای با مزارع مکانیزه

۰ ۴ شرت سهامی زراعی

۴-۱. روستاهای نیمه فئودالی

در این روستاها عموماً روابط تولید فئودالی و یا بقایایی از روابط تولید فئودالی وجود دارد. مثلاً سهم بری و یا مزد بری جنسی و غیره رایج است. این دسته از روستاها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. روستاهایی که اصلاحات ارضی در آن‌ها عمل نکرده.

این دسته از روستاها چون اصلاحات ارضی در آن‌ها عمل نکرده است فقط در قسمت کوچکی از آن‌ها عمل کرده، در نتیجه هنوز روابط سهم بری و مزد بری جنسی به همان شکل گذشته باقی مانده و فقط کمی تغییرات ریزه‌ریزی کرده. این دسته از روستاها معمولاً یا روستاهایی است که از قبل از اصلاحات ارضی خرده مالکی بوده و یا روستاهایی است که به علت حومه شهر بودن جزو مستثنیات اصلاحات ارضی به حساب آمده‌اند. در روستاهایی که خرده مالکی است، خرده مالکان اغلب بخود زمین‌هایشان را می‌کارند ولی گاهی هم از کار خوشسینان روستا، یا خرده مالکان فقیرتر استفاده می‌کنند و در عوض به آن‌ها یا سهمی از محصول می‌دهند و یا مقدار مشخصی محصول به عنوان مزد جنسی. روستاهایی نیز که در حومه شهر قرار داشته‌اند و اصلاحات ارضی شاملشان نشده یا بزرگ مالکی هستند که اغلب مکانیزه شده‌اند و یا خرده مالکی که در این صورت هنوز کاملاً بقایای روابط تولید فئودالی در آن‌ها وجود دارد.

در این کتاب روستاهایی که خرده مالکی هستند و سهم بری و مزد بری جنسی کاملاً بقایای روابط تولید فئودالی در آن‌ها وجود دارند عبارتند از: روستای شماره ۱۲ داراب.

ب. برخی از روستاهایی که مرحله دوم و سوم در آن‌ها اجرا شده .

این دسته از روستاها ، روستاهایی هستند که از طرفی به نسبت بهره مالکانه بین ارباب و رعیت تقسیم شده‌اند و از طرفی به علت مساعد نبودن شرایط^ن ، مالک به صرفه خود ندیده که در آن‌ها سرمایه گذاری کند و زمین های خود را مکانیزه نماید ، در نتیجه دست از آن شسته و فعلا به همان بهره مالکانه و اجاره و غیره بسنده می‌کند . در این روستاها ، اغلب کشاورزان خرده مالک که کمی زمین دارند که زندگی‌شان را اداره نمی‌کند و همچنین برخی از خوش نشینان^ن ، برای مالک کار می‌کنند و از او سهمی از محصول می‌گیرند . این سهم معمولا از سهم قبل از اصلاحات ارضی سهم بران کمتر است ، زیرا دهقانان چون بعنوان کمت خرج از این سهم استفاده می‌کنند ، مجبورند به قرارداد ارباب تن بدهند .

روستاهایی که در این کتاب آمده و از این دسته اند عبارتند از :

روستای شماره ۶ شیراز ، شماره ۳ فسا ، شماره ۴ بهرم ، شماره ۱ قمی ، شماره ۱ و ۳ و ۴ و ۲ و ۱۱ و ۱۰ داراب .

۴-۲ . روستاهای کلا تقسیم شده

این دسته از روستاها تعدادشان خیلی کم است و اغلب هم آب و زمین چندانی ندارند . اما هستند در بین آن‌ها روستاهایی که اقتصاد پربارتوری دارند . در روستاهای کلا تقسیم شده ، بطور کلی ، خرده بورژوازی دارد رشد می‌کند و قشر بندی طبقات جدیدی در روستا در حال تکوین است ، منتها سرعت سیر این پروسه در برخی تندتر و در برخی کندتر است که در تقسیم بندی زیر این موضوع را مفصل تر شرح خواهیم داد . روستاهای کلا تقسیم شده معمولا

یا روستاهایی هستند که در مرحله اول اصلاحات ارضی تماما بین دهقانان
 صاحب نسق تقسیم شده‌اند و یا روستاهایی هستند که موقوفه‌ها عام هستند و در -
 جریان مرحله دوم اصلاحات ارضی به اجاره ۴ ساله دهقانان درآمده است
 و طبق قانون مصوب اردیبهشتماه ۱۳۵۱ قرار است به دهقانان اجاره دار فروخته
 شود و شاید هم تاکنون برخی از آن‌ها فروخته شده باشد (به اقساط ۱۲ ساله
 و به قیمت ۱۲ برابر اجاره سالانه) . به هر حال این روستاها هم دیر یا زود
 به کشاورزان اجاره دار فروخته خواهد شد و در سلك روستاهای کلا تقسیم شده
 در خواهد آمد . چیزی که هست روستاهای موقوفه عام اجاره و در نتیجه
 قسطشان از روستاهای مرحله اول به مراتب سنگین تر و گمراشته تر است .
 رویهمرفته روستاهای کلا تقسیم شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد :

کم بار و پربار :

الف . روستاهای کلا تقسیم شده کم بار

این روستاها آب و زمین چندانی ندارند و در نتیجه مقدار آب و زمینی
 که به هر یک از دهقانان صاحب نسق رسیده نمی‌تواند زندگی آنان را تامین
 کند ، حتی در برخی از این روستاها بخور و نمیر ناچیز عم برای دهقانان
 صاحب زمین شده وجود ندارد و آن‌ها مجبورند در جستجوی کار به شهرها
 و روستاهای دیگر بروند . این دسته از روستاها اغلب روستاهای هستند که
 چون آب و زمین چندانی نداشتند مالک در مرحله اول اصلاحات ارضی آنرا
 برای خود بر نداشته و حاضر شده که آن را به دولت بفروشد . البته در بین
 این روستاها هستند روستاهایی هم که موقوفه عام بوده‌اند ، ولی اکثریت
 مالک با همان روستاهای تقسیم شده در مرحله اول است .

در این روستاها، قشر بندی طبقاتی دهقانان به کندی بسیار در جریان است و به علت کم باری تولید و رکود اقتصاد کشاورزی دهقانان صرفه در آن به وجود نیامده اند. البته شاید در این گونه از روستاها سرمایه گذاری بیشتر در روی زمین نتواند اقتصاد کشاورزی را رونق ببخشد ولی این کاری است که از عهده دهقانان فقیر و بیچیز این روستاها ساخته نیست. اغلب در این روستاها، دکانداران ده از طریق نصیه فروشی، سلف، خری و نزول خواری، فریب شده اند و خون روستائیان را خریصانه می مکند. با این حال، همین دکانداران تنها پناه روستائیان هستند و چاره درد عایشان را در جیب خود دارند. نمونه این روستاها عبارتند از:

۱. آن هایی که در مرحله اول تقسیم شده اند: روستای شماره ۴، ارباب.

..... —

۲. آن هایی که موقوفه عام بوده اند (یا هستند): روستای شماره ۸ شیراز.

..... —

بطور کلی دهقانان این روستاها هیچ دورنمای امید بخشی نه از نظر بهبود وضع عمومی و نه از نظر ارتقای فردی در پیش چشم خود ندارند. در روستاهای موقوفه عام دهقانان به شدت از اجاره و قسط های سنگین ناراضی و خشمگین هستند. در این روستاها اغلب توازنی بین مقدار درآمد افراد وجود ندارد، زیرا که مقدار آب و زمینشان اغلب مساوی است.

ب. روستاهای کلا تقسیم شده پربار (آبار)

این روستاها اقتصاد پیررونی دارند، مقدار آب و زمینشان تقریباً خوب است و سطح تولید محصول نیز بالنسبه بالا است. در این روستاها پیروسه تشدید تضاد سرعت سیر بیشتری دارد. برخی از دهقانان پربارند از موکتند، روی زمین خود سرمایه گذاری (اگرچه ناچیز) می کنند، زمین میخرند و زراعت خود را توسعه می دهند و خلاصه نیروی کار خوشنشینان و سایر دهقانان کم دست ده را استثمار می نمایند. البته روستاهای پربار تعدادشان در میان روستاهای کلا تقسیم شده بسیار کم است. بیشتر این دسته از روستاها، آنهایی هستند که موقوفه عام بوده اند و یا هنوز هم هستند، البته در میان آنها گاهی هم روستاهای مشمول مرحله اول نیز یافت می شود.

نمونه ۱ بین روستاها در این کتاب عبارتند از:

۱. روستاهاییکه موقوفه عام بوده اند: روستای شماره ۱۲ شیبراز، شماره ۱۱ شیراز (این روستا موقوفه خاص بوده و در مرحله سوم مشمول فروش شده و شرایطش شباهت تام به روستاهای واگذار شده موقوفه عام دارد).
۲. روستاهایی که تماماً مشمول مرحله اول شده اند: روستای شماره ۶ در ارباب

۳-۴. روستاهایی با مزارع مکانیزه

در این دسته از روستاها، در کنار تکه زمین های کوچکی که برخی از دهقانان دارند، مزارع بزرگ مکانیزه اربابها قرار دارد. این روستاها اغلب آنها هستند که در مرحله دوم و یا سوم ظاهرأ به نسبت بهره مالکانه

بین ارباب و رعیت تقسیم شده‌اند ولی در واقع با هزار گلك و حقه مقدار ناچیزی از زمین های دور از آب و سنگلاخ و ناهموار را به دهقانان داده‌اند و قسمت اعظم زمین های ده را ارباب برداشته است (البته در بین این روستاها هستند روستاهایی که قسمت ناچیزی از آن ها در مرحله اول تقسیم شده و بقیه را مالکان مکانیزه کرده‌اند). زمین های که به عدهای از دهقانان رسیده کفای خرج آن ها را نمی‌دهد و آن ها اغلب وضعی 'کمابیش نزدیک به وضع خوش‌نشینان دارند'. مالک، زمین های خود را مکانیزه کرده است و در نتیجه خوش‌نشینان و دهقانان کم زمین آکثرا بیکارند.

در تمام نمونه های مطالعه شده، اینگونه روستاها در این کتاب، زمین های ارباب با تراکتور شخم زده می‌شود. از نظر برداشت محصول نیز، در بیشتر اینگونه روستاها محصول مالک را با کمابیش بر می‌دارند و فقط در تعداد ناچیزی از آن ها دروگر، زمین مالک را درو می‌کند. فقط آبیاری می‌ماند و چند کار جزئی دیگر که آن هم به وسیله چند نفر کارگر مزدور اداره می‌شود. تعداد این دسته از روستاها در استان فارس خیلی زیاد است، به طوری که اکثریت ماللق روستاهای فارس، از این دسته‌اند.

در ۴۳ نمونه، مطالعه شده در این کتاب (به جز دهستان استثنایی آخر کتاب) '۲۸ نمونه از این دسته‌اند، که عبارتند از:

۱۱ نمونه از ۱۴ نمونه، شیراز (روستای شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۳ و ۱۴)؛ ۴ نمونه از ۷ نمونه

چهارم (روستای شماره ۱ و ۲ و ۵ و ۶) ۷ نمونه از ۱۴
 نمونه راراب (روستای شماره ۲ و ۵ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳)
 ۳ نمونه از ۴ نمونه فسا (روستای شماره ۱ و ۲ و ۴) هر
 ۲ نمونه از کازرون (البته این دو نمونه ملاک روستاهای کازرون نمیتواند
 باشد زیرا مطالعه دو روستا برای قضاوت درباره کازرون
 کافی نیست) و یک نمونه از گهگیویه (از نظر اداری جزه خوزستان
 است .)

۴-۴. شرکت های سهامی زراعی

در استان فارس ۲ واحد شرکت سهامی زراعی وجود دارد. یکی شرکت سهامی زراعی آیامهر است که در روستای شهر آباد تاسیس شده و دیگری شرکت سهامی زراعی داریوش است که در نزدیکی مرودشت قرار دارد.

دولت زمین های دهقانان صاحب زمین شده ^۱ یک یا چند روستا را گرفته و برای آن ها یک واحد تولیدی مشترک به شکل شرکت سهامی درست کرده. هر یک از دهقانان فوق به اندازه زمینشان از شرکت سهامی زراعی سهام دارند. حقوق کارمندان شرکت را که سر به ماهی ده دوازده هزار تومان می زند، دولت می پردازد. علاوه بر این کمک های بلاعوض زیادی از جانب دولت به این شرکت ها شده. دولت وام های کم بهره و بی بهره ای هم به این شرکت ها داده و معافیت های مالیاتی و غیره برای آن ها ایجاد کرده. با این همه شرکت ها سود چندانی ندارند و اگر زمین در دست خود روستائیان بود سود بیشتری می بردند. به نظر می رسد که این شرکت ها برای دولت یک تجربه شکست خورده باشد. بررسی شرکت های سهامی زراعی و تحلیل هدف های دولت از تاسیس آن ها خود موضوع تحقیق دیگری است. *

عوارضی که این شرکت ها ایجاد کرده، رشد نامتناسب مکانیزاسیون و در نتیجه بیکار شدن شدید کشاورزان از کار کشاورزی، توسعه مصرف کالاهای تولیدی خارجی مانند کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی و غیره، تغییر شکل زندگی

روستائیان و تبدیل اقتصاد خود مصرفی آنان به اقتصاد کالائی ، و اگذار کردن تصمیمات تولیدی و اقتصادی روستائیان به دولت و از همه مهمتر رشد آگاهی و توسعه بینر سیاسی و اجتماعی روستائیان و تشدید تضاد طبقاتی آنان با دولت و امپریالیزم است .

با این همه چون شرکت ها با کمک های همه جانبه دولت بر سرپا است و سود ناچیزی دارد ، اگر این کمک ها نباشد نه تنها سود نخواهد داشت حتی ضرر هم خواهد کرد . بدین جهت است که تقسیم شرکت سهامی زراعی برای دولت يك تجربه شکست خورده است . دولت گفته است که فقط تا ۵ سال کمک عايش را ادامه خواهد داد و پس از ۵ سال این کمک ها قطع خواهد شد . و شرکت باید روی پای خود بایستد ، ولی با توجه به اینکه شرکت فقط با کمک های دولت سرپاست معلوم نیست که در پایان پنج سال چه خواهد شد .

روستاهای شیراز :

۱ - گوشك هزار قلعه

۲ - شيخ عبود

۳ - تسوج

۴ - لپویی

۵ - مظفری

۶ - زیگرد

۷ - علی آباد سرتل

۸ - دشتك

۹ - شاه قطب الدین

۱۰ - هزار

۱۱ - جاری آباد

۱۲ - نوروزان

۱۳ - قصر احمد

۱۴ - باب البام

از دولت به اعتبار خود چیزی آنان به اعتبار کلی و اقبال

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و از همه بیشتر رشد گامی

در امور سیاسی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

۱- اهمیت روح اقتصادی

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

در امور اقتصادی و اجتماعی به دولت و در امور اقتصادی آنان به

ده شماره يك شيـراز

كوشك هزار قله

دهی است با ۱۶۴ خانوار جمعیت .

محصولات مهم ده گندم و جو و چغندر است .

منابع آب :

ده ۶ سهم از رودخانه ۰۰۰ می گیرد و ۳ یا ۴ قنات هم دارد . آب رودخانه

۰۰۰ دهات متعددی را مشروب می کند .

زمین : کل زمین های مزرعی آبی ده ۲۸۰ هکتار است .

باغ :

۲ هکتار باغ دارد که متعلق به زارعین و بعضی از خوش نشینان است . درختان

باغهای این روستا اکثرا بی میوه هستند .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به دو مالک بزرگ منطقه بود (باستانی $\frac{3}{4}$ دانگ که وقف بود) . تقسیم محصول برای گندم و جو آبی وهم - چنین صیفی کاری به نسبت $\frac{1}{4}$ و گندم و جو دیمی به نسبت $\frac{1}{6}$ و $\frac{4}{6}$ بین مالک و زارع ($\frac{1}{6}$ سهم مالک و $\frac{4}{6}$ سهم زارع) بود .
وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله اول اصلاحات ارضی در سال ۴۱ نزدیک به یک دانگ از زمینهای یکی از مالکین به ۳۲ زارع صاحبسحق فروخته شد که سالیانه جمعا ۵۰۰۰ تومان قسط می دهند .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی $\frac{3}{4}$ یک دانگ که وقف بود به اجاره زارعین درآمد (همان ۳۲ نفر) و بقیه زمینها که بیشتر از ۴ دانگ بود (ظاهرها) به نسبت $\frac{1}{4}$ بین مالک و زارعین تقسیم شد . منظور از ظاهرها اینست که فقط طبق اسناد اصلاحات ارضی زمین نصف شد ولی عملا مقداری بسیار کمتر از نصف زمینهای ده را که دور افتاده از آب و ناممور بود به ۳۲ نفر زارع دادند و زمینهای هموار و قابل استفاده ده را مالکین بردند .

در حال حاضر هر کشاورز صاحب زمین ۳ هکتار زمین آبی در اختیار دارد که مقداری از آن اجاره ای است . بنابراین از ۲۸۰ هکتار زمین ده ۹۶ هکتار متعلق به زارعین و ۱۸۴ هکتار متعلق به مالکین است . از کل خانوارهای ده که طبق آمار رسمی ۱۶۵ و به قول خود کشاورزان ۱۸۰ خانوار است فقط

۳۲ خانوار زمین دارند و بقیه یعنی در حدود ۱۵۰ - ۱۳۰ خانوار خوشنشین

هستند .

وضع مالکین :

همانطور که گفته شد در حال حاضر ۱۸۴ هکتار زمین در اختیار

یکی از مالکین سابق است (که زمین های ده ۲۸۰ هکتار بود) .

مالك يك تراكتور و يك گمباین دارد و کارگر مزد ورروی زمین های او کار

می کند . مزرعه مکانیزه مالك احتیاج به تعداد زیاد کارگر ندارد و چند کارگر

می توانند کارهای مربوط به آن را انجام دهند . فقط چند روز در سال را زمین

های چغندر ، تعداد بیشتری کارتر می خواهد . مزد کارگر در زمینهای ارباب

۵ الی ۸ تومان است .

وضع دهقانان زمین دار :

هر دهقان ۳ هکتار زمین آبی دارد ولی چون محصول این مقدار زمین

برای گذراندن زندگی دهقانان کافی نیست دریم کاری هم می کنند . همچنین

حدود ۱۴ - ۱۳ نفر از دهقانان برای کار به شهرها می روند . دهقانان

برای شخم زمین هایشان تراكتور مالك را اجاره می کنند . برای هر هکتار شیار

۴۰ تومان و ديسك ۲۰ تومان می پردازند ، در نتیجه برای هر هکتار ۶۰ تومان

اجاره تراكتور می دهند . خرمن کوبی را هم با تراكتور انجام می دهند که آنهم

مخارجی دارد . کود شیمیایی را هم از طریق شرکت تعاونی می خرند .

بدلور متوسط درآمد سالیانه يك کشاورز زمیندار به قرار زیر است :

گندم ۸۰۰ من

جو ۲۰۰ من

چفندر ۱۰ تن

اگر گندم را منی ۲ تومان و جو را منی ۱۵ ریال و چفندر را کیلو منی ۷۶
 یک ریال حساب کنیم در آمد ناخالص (بدون کسر مخارج بذر و شخم و کود
 و قسط و اجاره) دهقان سالیانه ۲۶۰۰ تومان می شود . (دهقانان شکایت
 دارند که کارخانه قند چفندر را ارزان می خرد .) دهقانان همیشه بسند
 شرکت تعاونی و دکانها مقروض هستند . از شرکت تعاونی وام می گیرند
 ظاهرا با بهره ۶٪ ولی چون ۵٪ هم از وام آنها برای خرید سهم تازه کسر
 و مدت وام هم ۱۱ ماه است عملا وام شرکت تعاونی با بهره ۱۳٪ داده
 می شود ولی به گفته خود دهقانان این وام اگر گیر همه بیاید خیلی بهتر
 از وام های دیگر است . زیرا دهقانان در صورت قرض گرفتن از شرکتها شهر
 یا دهات دیگر بهره های بسیار بالا تا ۵۰٪ و گاهی ۱۰۰٪ در سال میپردازند .
 وام از شرکت تعاونی اکثرا به وام از رباخواران منجر می شود زیرا برای
 پرداخت آن در موعد مقرر مجبورند از رباخواران قرض کنند . در حال حاضر
 حد اکثر وام پرداختی شرکت تعاونی ۲۰۰۰ تومان است .
 ده دکان دارد که به دهقانان نسیه میدهند و سر سال پسول
 می گیرند . تفاوت قیمت کالا در بازار شهر و دکان زیاد است :

قند در شهر یک من ۸۵ ریال قند در دکان یک من ۱۰۰ ریال

چای در شهر یک کیلو ۱۸۰ ریال چای در دکان یک کیلو ۳۰۰ ریال

خلاصه دهقانان زمیندار گرفتار قرض و بدهکاری هستند و مرتب باید

از یکی قرض کرده بد دیگری میپردازند .

لازم به تذکر است که چون این منطقه پر آب و حاصلخیز است وضع

دهقانان زمیندار این ده نسبت به بقیه دهات فارس خیلی بهتر است .
وضع خوش نشینان :

همانطور که گفته شد ۱۳۰ تا ۱۵۰ خانوار ده خوش نشین هستند .
همچنین اگر پسران بزرگ دهقانان و خوش نشینان را به حساب بیاوریم یعنی
تعداد مرد های از ۱۸ سال بیالای بی زمین ده را بخواهیم حساب کنیم تعداد
خوش نشین ها به دو برابر یا دو برابر و نیم این مقدار می رسد .

این خوش نشین ها هیچ کار معین و ثابتی ندارند و این گفته خودشان زبان
حال آنهاست : " ما خون خودمان را می خوریم " . خودشان می گویند :

" به بد بختی روزگاری گد رانیم ، فعلگی می کنیم ، سرگردانیم ، ما بیکارها به سرگرد
خودمان راضی هستیم . این زندگی نیست که ما می کنیم ، ما هیچ حقی تسوی ده
نداریم ، حتی دهقانان ده خودمون بما اجازه نمیدهند که از گوشه و کنار زمینشان
برای گوسفندان علف بچینیم ، اگر دولتیک کاری میکرد خوب بود ، هرچیزی
خوش نشین بود می ریخت دریا " .

در حدود ۳۰ نفر از خوش نشینها در مزرعه وسیع مکانیزه ای کـــــــــــــــــه
در نزدیکی این ده قرار دارد کارت کارگری دائمی دارند و روزی ۶-۵ تومان
مزد می گیرند . روی این مزرعه وسیع قبلا حدود ۵۰۰ ای از خوش نشینهای این ده صاحب
نسق بوده اند و رعیتی میکرد هاند . قبل از اصلاحات ارضی مالک آنها را بیرون
کرده و زمینها را مکانیزه قلمداد نموده . بارها و بارها شکایت کرده اند ولی هیچ
نتیجه ای نگرفته اند . ژاندارم طرفدار مالک است و با سرنیزه جلوی آنها
را گرفته است . خودشان میگویند : " اگر این زمینها که حدود ۵۰۰ هکتار
است بین خوش نشینان تقسیم شود خیلی خوب است . ولی مالک آن زمین ها پول

داره، در اداره ها نفوذ داره، زور پولداری پول را خورد کرده، زور داری زور را خورده، ما بی پولها کاری از دستمون نییاد، تا بخوابیم برویم شهر او سوار ماشینش شده و رفته، دنبال شکایتمان را هم نمیتوانیم بگیریم چون باید داشته باشیم چیزی بخوریم تا دنبال شکایت برویم."

عدای از خوش نشینها به شهرهای دیگر می روند و فعلگی می کنند. تدهای هم به بیابانهاییکه در آنجا "ریشه" محک "شیرین بیان" می روید می روند. ریشه محک در استان کرمان زیاد است و بهمین دلیل اکثر بسسه کرمان می روند. ریشه محک را از لای خاک و سنگ با رنج بسیار بیرون می آورند و به نماینده تاجر که اکثر همراه آنهاست تحویل می دهند. نماینده تاجر برای هر من ۴ ریال به آنها می دهد. تاجرها این ریشه ها را به خارج صادر می کنند و در آنجا از آنها دارو می سازند.

پیر مردی تصریف می کند که: "من و پسر من ۵۰ روز کار کردیم. برای کار به شهرهای کرمان رفته بودیم، تازه از کار برگشته ایم، نماینده تاجر ریشه محک را اگر در شهر تحویل ندهد، ۷ ریال می خورد و اگر همراه ما بیاید منی دو ریال کرایه حساب می کند و ۵/۰ ریال هم عوارض و خلاصه منی ۴ ریال به ما می دهد. من و پسر من رویم، بطور متوسط روزی ۱۰ تومان گیرمان آمد."

ده شازه دوشیزا راز

شیخ عبود

دهی است با ۱۹۸ خانوار .

محصولات مهم این روستا گندم و جو و چغندر است . باغ میوه هم زیاده

است (زرد آلو ، سیب ، هلو) تا کستان هم زیاد دارد .

منابع آب :

منابع آب ده عبارتست از یک چشمه ، پنج رشته قنات و سه چاه که روی آنها

۶ تلجه کار می کند . آب چشمه ه روستا را آبیاری می کند .

باغ :

ده دارای باغ های فراوانی است ولی وسعت باغ های ده از زمین های

مزرعی کمتر است باغ ها اریابی هستند و با چاه عمیق آبیاری می شوند . در باغ های

اریاب کارگر مزدور کار می کند . در ده باغ های غار سر - مالکی هم وجود دارد .

بخصوص باغهای انگور دیمی که زارع در آنها حق غرس درخت دارد وجود دارد بدین
 باغها ۱۰٪ محصول را مالک می برد . باغهای غارص - مالکی هنوز تقسیم
 نشده است و قرار است بدو قسمت مساوی تقسیم شود ، نصفی از آنها مالک سهم
 ببرد و نصف دیگر را زارع .

زمین :

این روستا چهار مزرعه بسیار وسیع دارد بنامهای :

مزرعه ۱	۴۴۰ هکتار
مزرعه ۲	۹۷۰ هکتار
مزرعه ۳	۹۰۰ هکتار
مزرعه ۴	۴۲۰ هکتار

کل زمین های چهار مزرعه ۲۷۳۰ هکتار

و همچنین مقدار زیادی از زمینهای ده اریایی است و بطور مکانیزه اداره می شوند.
 مقدار این زمینها دقیقاً مشخص نشد ولی از ماشین آلات جدیدی که در روی زمین
 ها کار می کنند چنین فهمیده می شود که وسعت آنها خیلی زیاد است (در شماره
 این ماشین آلات بعداً صحبت خواهیم کرد) .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده اریایی بود . بهره مالکانه برای
 گندم وجود دیمی $\frac{1}{3}$ محصول بود ، یعنی ۴ قسمت سهم زارع بود و یک قسمت
 سهم مالک . در مورد گندم و جو آبی بهره مالکانه $\frac{1}{3}$ محصول بود یعنی

يك قسمت زارع می برد و دو قسمت مالك . در صیفي كاری محصول به نسبت $\frac{1}{4}$ تقسیم می شد . زمینهای بایر را هم دهقانان می توانستند آباد کنند و بعد از کسر ۸٪ برای نایب و کد خدا نصف محصول را به ارباب بدهند . زیرا آب این زمینها که "نوروم" (زمین نوآباد) نامیده میشوند متعلق به ارباب بود . زمین هم که ننگته پیدا است جز ارباب کسی بر آن حقی نداشت ، بنا بر این تنها امتیاز زارع زمین "نوروم" بر دیگر دهقانان این بود که بخاطر رنج فراوانی که برای آباد کردن آن می کشید بجای $\frac{1}{4}$ محصول $\frac{1}{4}$ آنرا می برد .
وضعیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

چون مقدار زیادی از زمینهای اربابی ده مکانیزه قلمداد شده به طور در مرحله اول جزو مستثنیات شمرده شد . در مرحله دوم اصلاحات ارضی مقداری از زمینهای مزروعی ده به اجاره زارعین درآمد .

ظاهراً اجاره زمین به نسبت معدل درآمد سه سال آخر بود ، اما در حقیقت اجاره ها بقدری ظالمانه و سنگین است که دهقانان بهر جهت از عهده پرداخت آن بر می آیند و هنوز هم بسیاری از آنها به مالکین مقروض هستند . مالک آنها را برای پرداخت قرضهایشان تحت فشار قرار میدهد و آنها را مجبور بفروختن گاوشان می کند یا گاو و دامهای آنها را به جای اجاره زمین به زور از آن ها می گیرد . مشکل اجاره زمین و مقدار آن به قرار زیر بود :

مزرعه ۱ که ۴۴۰ هکتار است به اجاره ۲۴ نفر زارع درآمد ، اجاره هر نفر زارع در سال ۲۳۵۰ تومان است (کل اجاره مزرعه ۱ در سال ۶۴۰۰ تومان است) .

مزرعه ۲ که ۶۷۰ هکتار است به اجاره ۴۰ نفر زارع درآمد اجاره هر نفر

زارع در سال ۲۵۰۰ تومان است (کل اجاره مزرعه ۲ در سال ۱۰۰۰ / ۱۰۰۰ تومان است) .

مزرعه ۳ که ۹۰۰ هکتار است به اجاره ۱۲ نفر درآمد اجاره هر نفر زارع در سال ۲۰۰۰ تومان است (کل اجاره مزرعه ۳ در سال ۴۰۰۰ تومان است) .

مزرعه ۴ که ۴۲۰ هکتار است به اجاره ۱۶ نفر درآمد اجاره هر نفر زارع در سال ۲۱۶۰ تومان است (کل اجاره مزرعه ۴ در سال ۳۴۵۶۰ تومان است) .

مرحله سوم اصلاحات ارضی در این ده در حال اجراست . طبق معمول مالک به هزار حیلّه متوسل می شود تا هر چه بیشتر از سهم زارع را ببرد . قرار است شوق تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شود و زمینهایی که در اجاره زارعین است به نسبت بهره مالکانه قبل از اصلاحات ارضی بین مالک و زارعین تقسیم شود ولی مالک از زارعین مزرعه ۳ امضا گرفته است که با واگذاری ۱۰۰ - هکتار از مزرعه ۳ بعنوان سهم خودشان توافق کرده اند . در حالیکه اگر قرار باشد طبق عرف محل به نسبت بهره مالکانه تقسیم شود باید ۹۰۰ هکتار زمین مزرعه ۳ به نسبت ۳ سهم مالک و ۲ سهم زارع تقسیم گردد ، یعنی ۳۶۰ هکتار زمین سهم زارعین می شود و ۵۴۰ هکتار سهم مالک . باین ترتیب بدون اینکه دهقانان بدانند کاغذی که امضا می کنند سند ورشکستگی شان است ، فریب خورده و با ۱۰۰ هکتار زمینی که مالک به زارعین داده سرتّه قضیه هم آمده است . از مزرعه ۲ که ۹۷۰ هکتار است تنها ۲۳۹ هکتار زمین که نیمی از آن بایر است به زارعین واگذار شده است . در مزرعه های ۱ و ۱ نیز هنوز مرزبندی نشده

و زمین زارع و مالک تفکیک نگردیده است. ولی بزودی تکلیف آنها هم مثل ۲ مزرعه دیگر روشن می شود. از ۱۹۸ خانوار جمعیت ده ۹۸ خانوار هقان زمیندار هستند و ۱۰۰ خانوار خوش نشین.

وضع مالکین:

مالک مقدار زیادی زمین مزروعی و باغ دارد و در صورت اجرای کامل مرحله سوم اصلاحات ارضی زمینهای مالک چند برابر خواهد شد. زیرا قسمت زیادی از زمین هایی که اینک در اجاره زارعین است به اختیار مالک در خواهد آمد (تقریباً بیشتر از $\frac{3}{4}$ زمینهای فوق). مالک ده قسمت زیادی از زمینهای وسیع خود را به یک سرمایه دار با نفوذ شهری (ایزدی رئیس دادگاه شیراز) اجاره داده که در آن صیفی کاری می کند. سرمایه دار فوق ۶ تراکتور و ۲ بولدوزر و ۲ تلمبه هم، اضافه بر آب قناتهای ده زمینهای مکانیزه اش را آبیاری می کند. قسمت دیگر زمینها را خود مالکها وسایل مدرن گشت می دهند. همچنین مالک نیز ۴ تلمبه دارد. روی زمینهای مالک و این سرمایه دار، کارگر مزدور کار میکند. کارگران هم اهلی هستند و هم از دهات دیگر می آیند. مزد کارگر بطور معمول ۶ تومان است. مالک توانسته است به کمک این سرمایه دار با نفوذ شهری از تقسیم عادلانه زمینهایش جلوگیری نماید و دهقانان را با زور و تهدید و زندان و تعصید از میدان بدر کند.

وضع دهقانان زمیندار:

تا سال ۵۰ زمینهای ۴ مزرعه در اجاره زارعین بود که هر مزرعه را دسته جمعی می کاشتند و محصول آنها تقسیم می کردند. همانطور که گفته شد مقدار این اجاره زیاد و برای زارعین کمر شکن بود. بطوریکه برخی سالها کشاورزان حتی پول اجاره را هم در نمی آوردند و مقروض و بد هکار می شدند. ولی اگر سال نسبتاً

خوب را حساب کنیم درآمد یک کشاورز در مزرعه ۲ به قول خودش ۵۰۰۰ تومان بود که ۲۵۰۰ تومان از آنرا بابت اجاره زمین پرداخت می کرد .

اکنون که مرحله سوم اصلاحات ارضی در حال اجراست مظالم مالک بیشتر نمودار می شود و زارعین به شدت نسبت به مالک و همچنین در ستیاری سرمایه دار و با نفوذش عصبانی هستند . خودشان می گویند " به همه جا شکایت کرده ایم حتی به دربار هم شکایت نوشته ایم ولی هیچ دردی از ما روا نکرده اند " حتی پول جمع کرده اند و یک نفر را به تهران فرستاده اند تا شکایت نامه ای را که برای دربار و وزارت تعاون نوشته اند پست کند . به خیال خودشان خواسته اند به این وسیله از اعمال نفوذ مالک و دستیارش جلوگیری کنند ، چون عقیده دارند در اینجا هر شکایتی بکنند بعد از طی مراحل دیواره برمی گردد زیر دست مالک و به نتیجه نمی ماند .

مالک بهر وسیله ای که میتواند به زمینها دست اندازی می کند و آنها را تصرف می نماید . مثلا جدیداً مرتع ده را که مردم گوسفند و گاو خود را در آن میچرانند شخم زده و تبدیل به زمین زراعتی کرده است و زارعین باید برای ارضان طوفه بخورند یا در صورت عدم بضاعت دامهایشان را از دست بدهند .

همچنین با اینکه ۴ نفر زارع مزرعه ۲ را با اجازه اداره اصلاحات ارضی ۶۰۰ من گندم کاشته بودند ، مالک روی این زمین تراکتور انداخت و گندمی را که سبز شده و باندازه نیم متر بالا آمده بود شیار کرد ، زیرا قرار بود از سال ۵۱- زمین های زارع و مالک تفکیک شود . در نتیجه اکنون مزرعه ۲ کشت گندم ندارند و طبعا زارعین محصولی هم نخواهند داشت . دهقانان با سوز و ناراحتی می گفتند " آنروز که مالک گندم سبز را شخم می نمود ما خون گریه می کردیم ولی چه فایده ، زورمان نمی رسید " .

مردم ده خانه های مخروبه دارند و درون قلعه های کوچک در اطراف کلبه های
مخروبه و بسیار کوچک زندگی می کنند . خودشان می گویند : ما در طویلگی
زندگی می کنیم . در ابتدای اصلاحات ارضی قرار شد به هر خانوار قطعه زمینی برای
خانه بدهند ولی دروغ از آب درآمد و در حال حاضر ارباب در زمینهای کوه
هم به ما اجازه خانه سازی نمی دهد ، و ما مجبوریم در درون قلعه مخروبه
زندگی کنیم .

دهقانان می گفتند " شمر را در مقابل این ارباب باید زیارت کرد . شمر
سریک نفر را برید ، این سر ۲۰۰۰ نفر را می برد ، قدیم از ظلم شداد حکایت
می کردند ، شداد در مقایسه با این ظلم نکرده . "

ارباب در بین دهقانان جاسوس دارد و از اول جریان اصلاحات ارضی
تا بحال بیش از ۲۰۰ نفرشان را بزندان فرستاده . خودشان می گویند : دیگر
از زندان نمی ترسیم چون الان وضع ما از زندان بد تر است . " ما از برنامه
این شاه باندازه ۵ تومان هم بهرمنند نشده ایم ، حقش اینست که شاه همه ما را
به دریا بریزد . "

کشاورزان این روستا هم مثل همه کشاورزان ، همیشه گرفتار قرض هستند .
از شرکت تعاونی قرض می گیرند و از دکان نسیه می برند . دکاندارها هم پول
قرض می دهند .

دهقانان زمین خود را با تراکتور شخم می زنند ، تراکتور را از مالک
اجاره می کنند .

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد بیشتر از ۱۰۰ خانوار خوش نشین هستند . خوش نشین ها هیچ حقی در ده ندارند ، حتی بعلت دخالت اداره حفظ منابع طبیعی در نگهداری مراتع و اداره شکاریانی ، حق چراندن دامهایشان را هم در زمین های ده ندارند . دهقانان لاقه می توانند از زمین زراعی خود برای چند گوسفند خود علف تهیه کنند که اینرا هم خوش نشین ها نمیتوانند . مزد کارگر در ده اکثرا ۶ تومان است با ۱۳ - ۱۲ ساعت کار . عده های از خوش نشینها به کرمان و اصفهان می روند تا ریشه محک جمع آوری کنند . یک بنا می گت ۷ ماه در سال بیکارم و چون ارباب به مردم اجازه خانه سازی نمیدهد کارم بیشتر کساد است . خوش نشینها همچنین در زمینهای مکانیزه ارباب مزدوری میکنند .

* * * * *

ده ۶ دگان دارد و یک آسیاب .
 ده دارای یک مدرسه پسرانه و دخترانه است که ۸۰ محصل دارد . در مدرسه یک سپاهی و ۳ آموزگار تدبیر می کنند .
 ده دارای حمام است . مردم می گویند همه اینها را خودمان درست کرده ایم ، رختخواب فروخته ایم ، گوسفند فروخته ایم ، مدرسه و حمام درست کرده ایم .

ده شماره سه شیراز

تصویر

دهی است با ۴۰۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا

گندم و جو و چغندر و پنبه و عنده وانه و خربزه است .

منابع آب :

آب ده از رودخانه‌ای که تمام دهستان را مشروب می‌سازد تامین می‌شود .

۲۸ تلمبه هم روی چاههای سطحی که زارعین و مالک زده‌اند کار می‌کند .

زمین :

زمین زراعی ده بسیار وسیع است و به گفته زارعین سر به چند هزار هکتار می‌زند .

ولی آنچه از زمینها آباد است و اکنون کشت می‌شود ، بیشتر از ۲۵۰۰ هکتار

است (آبی و دیمی) .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به یک نفر مالک (تیمسار تکش) بود .

کل زمین با واحد محلی ۶۰ گاو بود که هر گاو را چهار نفر کشت میکردند و محصول را قسمت می کردند (البته بعد از دادن بهره مالکانه) .

بهره مالکانه برای گندم و جو آبی $\frac{2}{3}$ و برای صیفی کاری (چغندر ، پنبه ، خربزه ، هندوانه) $\frac{1}{4}$ محصول بود . بهره مالکانه برای گندم و جو دیمی ۲۳ درصد محصول بود .

ولی این ظاهر قضیه بود ، در واقع مالک ظالم نمی گذاشت بیشتر از بخور و نمیر گیرد هقانان بیاید و به گفته خودشان هر خانوار در سال بیشتر از ۱۵۰ من گندم نداشت .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

نکته پید است که مالک ظالم و بانفوذ بهیچوجه نمی گذاشت که زمین ها در مرحله اول فروخته شود و به زارعین واگذار گردد . او نمیخواست به این زود بها دست از مکیدن خون هقانان بردارد . بنابراین اولین کاری که کرد دو سال قبل از اصلاحات ارضی ۲۰۰ هکتار اراضی ده را مکانیزه اعلام کرد (نام مکانیزه بر آن گذاشت و گرنه همان روابط سهم بری در آن برقرار بود) . وقتی مامورین اصلاحات ارضی به ده آمدند ، هقانان که از قوانین اصلاحات ارضی و مستثنیات آن خبر نداشتند و به مامورین گفتند که ۲۰۰ هکتار زمینها

مکانیزه است (خودشان بر علیه خود شهادت دروغ دادند) .

در این روستا 'مرحله' دوم اصلاحات ارضی 'شق' تقسیم به نسبت بهره مالکانه 'اجرا شده است . در این مورد هم مالک توانست اعمال نفوذ کند و رسماً $\frac{2}{3}$ از زمینهای مرغوب آبی ده را تصاحب کند و $\frac{1}{3}$ آن را به زارعین واگذار نماید . البته باز هم زمینها اندازه گیری نشد و بسیار کمتر از $\frac{1}{3}$ زمین های آبی به دهقانان رسید (شاید حدود $\frac{1}{6}$) . سهم آبد دهقانان نیز کمتر از $\frac{1}{3}$ آب ده تعیین شد .

همچنین در مورد تقسیم زمینهای دیمی بر اساس بهره مالکانه 'چون بهره مالکانه $\frac{1}{6}$ محصول بود ، $\frac{1}{6}$ زمینهای دیمی سهم مالک شد و $\frac{5}{6}$ سهم زارعین . بطور کلی ۱۰۰۰ هکتار زمین آبی و دیمی بین ۲۴۰ نفر زارع تقسیم شد . روشن است که در این ۱۰۰۰ هکتار زمین ^{مقدار} دیمی بیشتر است . زیرا از زمینهای دیمی سهم بیشتری به زارعین رسیده است تا زمین های آبی . دهقانان همچنین همگی اعتراض دارند که : " زمین کوه و ناهموار را به ما داده اند ، تازه نصف آنچه که به ما زمین داده ، سهم آبداره است . از این ۱۰۰۰ هکتار زمین که به ما رسیده مقدار زیادی از آن بایر و نامرغوب است " .

با این همه دهقانان بابت $\frac{2}{6}$ قیمت زمینی که به آنها واگذار شده سالی ۷۵ تومان تا ۱۰ سال می پردازند ، یعنی نفری ۷۵۰ تومان و جمعا ۱۸۰ / ۰۰۰ تومان .

از ۴۰۰ خانوار جمعیت ده ، ۱۶۰ خانوار خوش نشین هستند .

وضع مالکین :

این روستا قبلاً متعلق به يك نفر مالك بوده و اکنون نیز مالك بیشتر از ۱۵۰۰ هكتار زمین دارد و علاوه بر آن روز به روز در صد توسعه زمینهاست . باین ترتیب که به دهقانان اجازه نمی دهد زمین های وسیع بایر اطراف را شخم زده و کندم و جودیمی بکارند . همچنین قصد تصاحب زمینهایی را که سالها در دهقانان بر سر آنها زحمت کشیده اند و با دست قلوه سنگهای آنها یکی یکی جمع کرده اند و آنها را برای شخم آماده نموده اند ، دارد . زیرا مالك می گوید : " سهم شما همین ۱۰۰۰ هكتار است که به شما رسیده و هیچ حقی بر زمینهای روستا ندارید تمام زمینهای اطراف ده متعلق بمن است و شما حق آباد کردن آنها را ندارید . " مالك قصد دارد در تکه زمینهایی که دهقانان با چندین سال زحمت آماده شخم کرده اند تلمبه کار بگذارد . هم اکنون نیز مالك ۸ تلمبه ۳ تراکتور و يك کمباین دارد و زمینهای مکانیزه اش را با کارگر مزدور اداره می کند . مزد کارگر در زمینهای مالك ۷ تومان است .

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد از ۴۰۰ خانوار جمعیت ده ۲۴۰ خانوار دهقان زمیندار هستند که در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۱۰۰۰ هكتار زمین آبی و دیمی به آنها رسیده است . قسمت اعظم این ۱۰۰۰ هكتار زمین ها بایر و نامرغوب است . هر دهقان در حدود ۴ هكتار زمین آبی و دیمی دارد که نصف بیشتر این مقدار زمین دیمی است . چون به تناسب مقدار زمین آبی که به دهقانان واگذار گردیده ، سهم آب به آنها ندادند ، مقدار آبی که به دهقانان داده اند برای زمین های آبی آنها کافی نیست . بنابراین هر چند نفی شريك شده و تلمبه

خریده اند . پول تلمبه ها را از شرکت تعاونی قرض کرده اند و بعضی از آنها
 قدرتی پرداخت قرضه‌هایشان را ندارند و هر سال مدت وام را تمدید می‌کنند که
 نتیجه آن چند برابر شدن بهره وام می‌گردد . تلمبه‌ها ۳-۴ اینچی هستند
 و تعداد آن‌ها بیست عدد است . هشت نفر از دهقانان نسبتاً مرفه نیز شریک
 شده و ۲ تراکتور خریداری کرده به زارعین اجاره می‌دهند . دهقانان با تراکتور
 شخم و خرمین کوبی می‌کنند . اجاره تراکتور برای شیار کردن زمین هر هکتار
 ۴ تومان ، و بابت خرمین کوبی ۴٪ محصول است .

درآمد ناخالص سالیانه هر دهقان زمیندار به قرار زیر است :

گندم	۱۴۰۰ کیلو = حد اکثر	۱۲۰۰ تومان
چغندر	۳۰۰۰-۴۰۰۰ کیلو "	۳۰۰-۴۰۰ "
قیمت فروش خرپزه و هندوانه در سال	حد اکثر	۱۰۰۰ تومان
<hr/>		
جمع درآمد ناخالص یک دهقان (حد اکثر)		۲۵۰۰ تومان

اگر از این مقدار مخارج شخم و خرمین کوبی و کود شیمیائی را کم کنیم درآمد
 خالص دهقان به مراتب کمتر از این مقدار می‌شود .

دهقانان همیشه به دکان‌دارها و شرکت تعاونی مقروض هستند . شرکت

تعاونی در این ده ۳۵۰ عضو دارد و از ۳۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان وام می‌دهد .

دهکان در ده هست که به مردم نسیه می‌دهند و سر سال پس می‌گیرند .

همچنین دهقانان خرپزه و هندوانه را هم سلف فروشی می‌کنند . به این ترتیب

که قبل از رسیدن محصول از میدان داران شهر پول می‌گیرند و بعد سر محصول

میوه را برای میدان دار می‌برند . میدان دار $\frac{1}{3}$ محصول را حق العمل برمیآرد

و بهر قیمت که بخواهد میوه را می‌فروشد و خلاصه ریش و قیچی دست خود اوست .

بعضی از دهقانان دامداری هم دارند . حدود ۶۰-۵۰ خانوار از دهقانان و خوش نشینان دامداری دارند . چند خانوار هم ریک ۳۰۰ گوسفند دارند . جمعا ۱۰۰۰ / ۱۰۰ گوسفند و ۱۰۰ ماده گاو برده هست که متعلق به همین ۶۰-۵۰ خانوار است . این خانوارهای دامدار روزی ۱۰۰۰ من دوغ و ۴۰-۳۰ من کره به شهر برای فروش میفرستند و خودشان مستقیما بدون واسطه معامله می کنند .

وضع خوش نشینان :

از ۴۰۰ خانوار جمعیت ده ۲۴۰ خانوار دهقان زمیندار و بقیه یعنی ۱۶۰ خانوار بی زمین هستند . ولی آنطور که خود خوش نشینان می گویند اگر درست بخواهی تعداد خوش نشینان را حساب کنی باید پسران بزرگ و برادران دهقانان زمیندار و همچنین پسران خانوارهای خوش نشین را هم به شما بیاوری چون اینها هم یا تازه ازدواج کرده اند و یا قصد ازدواج دارند و بزودی تشکیل خانواده میدهند بنابراین تعداد خوش نشینان به دو تا سه برابر این مقدار هم میرسد . خوش نشینها برای کار به شهرها میروند ، در زمین های مکانیزه مالک کار می کنند ، در کارخانه ها هم کار می کنند و خلاصه معمولا کار ثابت و دائمی ندارند . در حدود ۲۰ ، ۳۰ نفر از خوش نشینان راننده تراکتور ، وانت و کامیون هستند . وضع راننده ها از بقیه بهتر است . بیشترین ناراضیاتی ها در بین خوش نشین ها دیده می شود .

ده یک مدرسه ۵ کلاسه ، با ۷ شاگرد و ۳ آموزگار دارد . * * * * *
خانه انصاف و خانه فرهنگ روستائی هم دارد در خانه فرهنگ روستائی مهد کودک هم هست . مهد کودک ۳۰ بچه را از صبح تا ظهر نگهداری میکند و چند دانه بیسکویت به آنها میدهد .

ده شماره چهار شیخ راز

لیپوی

دهی است با ۴۳۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم ده گندم و جو
و چغندر است . خربزه و هندوانه هم می کارند ولی مختصر .

منابع آب :

در حدود ۵۰-۴۰ تلمبه (چاه سطحی) در ده هست . ده منبع

آب دیگری ندارد .

زمین :

زمینهای کشاورزی بیشتر آبی است . زمین دیمی زیاد نیست . کل

زمینهای آبی ده در حدود ۵۰۰ هکتار است ، ۸۰ هکتار هم زمین دیمی دارد .

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خيرة البرية
الكلية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی ۴ دانگ از این روستا متعلق به مالکین شیرازی بوده است (۳ مالک) . این ۴ دانگ ۳۴۰ هکتار زمین آبی و ۸۰ هکتار زمین دیمی بود . ۲ دانگ از ده یعنی در حدود ۱۶۰ هکتار خرده مالکی بود . قبل از اصلاحات ارضی زمین های بایر را هم آباد می کردند و صاحب آنها می شدند این زمین های نوآباد را " نوروم " می گویند . قطعه زمین های نوروم از قطعه $\frac{1}{4}$ هکتاری تا ۲ هکتاری است .

آب زمین زراعی متعلق به مالکین نبود . هر دو دهقانی که بضاعت داشتند شریک شده و تلمبه ای روی زمین کار می گذاشتند و صیفی کاری (بیشتر چغندر) می کردند . زمین های گندم وجود دیمی بود . (بعد از اصلاحات ارضی با زدن چاههای سطحی زمین های آبی توسعه پیدا کرده است) .
قبل از اصلاحات ارضی بهره مالکانه گندم وجود دیمی $\frac{1}{6}$ محصول و بهره مالکانه چغندر $\frac{1}{3}$ محصول بود .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۲۴۰ هکتار از ۴ دانگ زمینهای مالکین شیرازی به اجاره زارعین درآمد و ۱۰۰ هکتار از ۴ دانگ مکانیزه قلمداد گردید و در دست مالک ماند . ۲۴۰۰ هکتار زمین از قرار هکتاری ۵۰ تومان به اجاره ۸۳ نفر زارع درآمد . همچنین ۸۰ هکتار زمین دیمی ده نیز از قرار هکتاری

۲۴ تومان به اجاره همین ۸۳ نفر زارع درآمد .

در مرحله سوم اصلاحات ارضی در سال ۵۰ زمین های اجاره ای بسه زارعین واگذار شد و قرار شد به اقساط ۱۲ ساله قیمت زمین ها را بپردازند . طبق قانون اقساط مساوی مقدار اجاره سالیانه است . اجاره هر ده هکتار^۵ در سال ۵۰۰ تومان بوده است و حالا قیمت خرید ۱۰ هکتار با اقساط ۱۲ - ساله ۶۰۰۰ تومان است .

چنانچه روشن است از ۴۵۰ خانوار جمعیت ده فقط ۸۳ نفر در اثر اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند و بقیه از معدودی خرده مالک بقیه بی زمین هستند . بیشتر از ۳۰۰ خانوار خوش نشین در این ده هست که قول خودشان با بدبختی روزگار می گذرانند .

وضع مالکین :

همانطور که گفته شد مالکین قسمتی از زمینهای خود را مکانیزه قلمداد کرده و برای خود حفظ کردند . اکنون ۱۰۰۰ هکتار زمین یکی از مالکین با تراکتور و کمپاین و کارگر کشاورزی اداره می شود و ۲ تلمبه آب این زمینها را تامین میکند .

وضع خرده مالکان :

تعداد خرده مالکانی که از قدیم دارای زمین بودند از نظر ما معلوم نشد ولی تعداد آنها زیاد نیست . بعضی از آنها مانند دهقانان هستند و از ۲ / ۵ هکتار زمین بیشتر ندارند و بعضی هم کارگر مزدور می گیرند و خودشان هم روی زمین کار می کنند .

وضع دهقانان :

همانطور که گفته شد بعد از مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی اکنون ۲۴۰ هکتار زمین آبی و ۸۰ هکتار زمین دیمی در دست ۸۳ نفر از دهقانان می باشد . به هر دهقان بطور متوسط کمتر از ۳ هکتار زمین آبی و ۱ هکتار زمین دیمی رسیده است . چنانچه اشاره شد آب زراعی ده از چاه سطحی و بوسیله تلمبه تامین می شود . به این ترتیب که هر دوسه دهقان که رویهم ۱۰ هکتار زمین داشته اند یک تلمبه شریکی کار گذاشته اند و کشاورزی می کنند . دهقانان با سختی گداز می کنند و همیشه به شرکت تعاونی مقروض هستند . شرکت تعاونی در این ده ۱۳۰ نفر عضو دارد . دهقانان از دکاندارها هم وام و نسیه می گیرند . ولی بهر حال وضع آنها از خوش نشین ها بهتر است .

وضع خوش نشینان :

از ۴۵۰ خانوار جمعیت ده بیشتر از ۳۰۰ تا ۳۵۰ خانوار خوش نشین هستند . خوش نشین ها برای کندن ریشه محک به کرمان و اصفهان می روند (توضیحات راجع به کندن ریشه محک و مقدار درآمد حاصل از آن در ده شماره یک شیراز آمده است) . همچنین برای کار به شهرها هم می روند . جدیداً در حدود ۴۰ نفر از خوش نشین های اهل این ده را از یک کارخانه که مدتی در آنجا کار می کردند بیرون کرده اند زیرا کارگرموقت بوده اند و دیگر به وجودشان احتیاجی نبوده است .

وضع خوش نشینان و بیکاری آنها وحشتناک است . تمام سال دنبال

کار می‌دوند تا بتوانند سر سال قرضهایشان را بدهند . در این دهه ۹ دکان وجود دارد و خوش‌نشین‌ها همیشه به این دکان‌ها مقروض هستند . تمام سال نسیه می‌برند (البته با قیمت خیلی گرانتر از نقد) و سرخرمن قرضهایشان را می‌پردازند . (چه خوش‌نشین‌ها و چه دهقانان همه از دکان‌ها جنس نسیه می‌خرند و سرخرمن پول آن را می‌پردازند .)

سابقاً مختصری دامداری داشته‌اند ولی اخیراً گوسفند و دام در اثر بی‌عطفی کمتر شده و از بین رفته است . اخیراً جنگلبانی نه فقط مراتع طبیعی بلکه چراگاه اشتراکی ده را نیز گرفته و به دامداری شدیداً لطمه زده است . اکنون کسانی که گوسفند دارند ، علوفه می‌خرند و کم‌کم از عهده آن هم برنمی‌آیند و ورشکسته می‌شوند . اکنون حدود ۱۰ خانوار هستند که هر یک ۱۰۰ گوسفند دارند ولی بقیه بیشتر از ده گوسفند ندارند . خانوارهایی هم هستند که اصلاً گوسفند ندارند . بنابراین بعلمت کنترل منابع طبیعی و ممنوع بودن چرا ، خوشنشینان از این وسیله معیشت بخور و نصیر عم بی‌نصیبند و با بیکاری و سرگردانی دست‌بگریبانند .

* * * *

آب‌آشا میدنی ده نوله‌کشی است . ده دودبستان ۵ کلاسه یکی

پسرانه و یکی دخترانه دارد . در ده ۶ سپاه دانش دختر هستند . ۲۰۰ -

شاگرد در این مدارس تحصیل می‌کنند . ده یک آسیاب نیز دارد .

ده شماره پنج شیخ راز

مظفری

روستائیت با ۳۴۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم

وجو و چغندر و هندوانه و خربزه است .

منابع آب :

منابع آب ده عبارتست از رودخانه و ۵۲ تلمبه . قبلا قنات هم داشته

ولی خراب شده اند .

باغهای روستا :

کل باغهای روستا ۲۵ هکتار است ، ۷ هکتار از این باغها متعلق به

مالک است که باغبان دارد و حقوق ماهانه باغبان حد اکثر ۱۵۰ تومان است .

بقیه باغها غارم - مالکی است و در دست زارعین می باشد . بهره مالکانه

غارم - مالکی باغها $\frac{1}{3}$ محصول است . وسعت باغهایی که در دست زارعین

است از ۲۰۰ متر تا ۲ و ۳ هکتار است .

زمین های روستا :

کل زمین زراعی آبی ده ۱۴۰۰ - ۱۲۰۰ هکتار است . مقداری هم

زمین ریعی دارد .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شدانگ ده متعلق به یکی از قشودهای بزرگ فارس بود . به اصطلاح محلی ۸۴ گاو رعیت زمین ها را اداره می کردند (هر گاو رعیت ۲ نفر زارع بود) . در هنگام تقسیم محصول ابتدا ۱۳٪ از کل محصول برای سهم کدخدا و مباشرکم می کردند و بعد از صیفی $\frac{1}{4}$ و از شتوی $\frac{1}{3}$ سهم زارعین می شد .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این ده انجام شد . قرار شد به نسبت بهره مالکانه زمین بین مالک و زارع تقسیم شود . بنابراین ظاهراً $\frac{2}{3}$ از زمین و آب ده را به زارعین و $\frac{1}{3}$ از زمین و آب ده را به مالک دادند . ولی در واقع $\frac{1}{4}$ از زمینها را هم به زارعین ندادند و نیز آب زراعی دهقانان بقدری کم است که برای همین زمین های مختصر هم کفایت نمیکند و مجبورند با قنبرهای کمر شکن تلمبه خریدند و روی چاههای سطحی کار بگذارند و زمینشان را آبیاری کنند و تازه وقتی قسط تلمبه تمام می شود آب چاه هم ته می کشد .

از ۱۴۰۰ هکتار زمین آبی ده ۳۰۰ هکتار زمین به ۱۶۸ زارع صاحب
 نسق داده شد. هر زارع صاحب نسق کمتر از یک هکتار هم زمین ریعی دارد.
 از ۳۴۰ خانوار جمعیت ده ۱۷۲ خانوار خوش نشین هستند.

وضع مالکیت زمین :

مالک بیشتر از ۱۰۰۰ هکتار از زمینهای ده را در دست دارد و با کارگر
 مزدور زمینهایش را اداره می کند. او ۶ تلمبه دارد و با تراکتور و کمباین زمین
 هایش را مکانیزه کرده است. به قول اهالی "مالک از ده خودمان کارگر نمیگیرد
 بلکه از دهات اطراف" از ۴ فرسنگ دورتر از اینجا "کارگر می آورد".

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد ۳۰۰ هکتار زمین بین ۱۶۸ زارع به تساوی تقسیم
 گردید. بنابراین هر زارع کمتر از ۲ هکتار زمین آبی و ۱ هکتار زمین ریعی دارد.
 چون سهم آب از رودخانه به اندازه زمینشان به آنها ندادند، با قرض از
 شرکت تعاونی "هرسه" چهار نفر شریکی یک تلمبه زدند. جمعا ۴ تلمبه
 متعلق به زارعین است. به این ترتیب بیشتر زارعین اکنون در تلمبه ها سهیم
 هستند. ولی درآمد آنها بعدی نیست که بتوانند قسط تلمبه ها را بدهند
 ناچار از تاجرهای شهر قرض می کنند و وام شرکت تعاونی را می پردازند و برای
 پرداخت وام های با بهره سنگین تاجرهای شهری معطل می مانند.
 ناچار اگر محصولی داشته باشند به آنها سلف می فروشند و اگر نداشته
 باشند بیشتر زیر بار قرض می روند.

مثلا سال گذشته محصول چغندر رند داشته اند، گندم و جو هم در حدود ۳۰۰ من داشته اند. فقط هر کس که در تلمبه شریک بوده و خریزه و هفتدوانه داشته از فروش آن حدود ۲۵۰۰ تومان درآمد داشته است. حال این ۲۵۰۰ تومان هم خرج گازوئیل و تعمیر تلمبه است (هر تلمبه روزی ۵۰ تومان خرج دارد) هم مخارج کود و شخم و از این قبیل و هم خرج قند و چای و لباس و هم برای بازپرداخت وام شرکت تعاونی. (برای شخم زدن تراکتور را دهکثاری ۵۵ تومان کرایه می کنند) .

دهقانان می گویند ما از عهده پرداخت وام شرکت تعاونی بر نمی آئیم و تلمبه ها روی دستمان مانده است .

دهقانان به طرز ظالمانه تقسیم زمین ها بارها اعتراض کرده اند و به مراجع دولتی شکایت کرده اند . حتی بارها زندانی شده اند و حالا دیگر از شکایت کردن منصرف شده اند ، زیرا دیگر بخوبی می دانند که ادارات دولتی و مامورین دولت چاکران ارباب هستند و بنابراین دیگر زحمت شکایت کردن به خودشان نمی دهند .

وضع خوش نشینان:

چنانکه گفته شد در این ده ۱۷۲ خانوار خوش نشین هست گه در خود ده برای آنها کاری نیست . آنها برای فعلگی به شهرها می روند و همچنین به اصفهان و کرمان برای کندن ریشه محک می روند .

ده شماره شش شیراز
زیگر

زیگر دهی است با ۴ خانوار جمعیت . محصولات مهم ده گندم و جو

و چغندر است .

منابع آب :

آب زراعی ده از رودخانه تامین می شود .

باغهای ده :

این روستا کلاً ۳ هکتار باغ دارد ، ۲ هکتار آن اریایی و ۱ هکتار

آن متعلق به هفت نفر زارع می باشد .

زمین :

کل زمین های مزرعی ده ۵۴۰۰ من تخم کار است (هر هکتار ۳۰ من

تخم کار است) بنابراین کل زمینهای ده ۵۴۰۰ من تخم کار است .
از سایر ادارات پست ای پیا - بران

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به یک نفر مالک بود که ۲۷ رعیت داشت و بهره مالکانه می گرفت . از گندم و جو آبی $\frac{2}{3}$ محصول و از صیفی $\frac{1}{3}$ محصول را می گرفت . ضمناً قبل از تقسیم محصول بین مالک و زارع ۱۳٪ از کل محصول برای کدخدای و مباشر کسر می شد .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این روستا انجام شد و ظاهراً زمین ها به نسبت ۲ زارع و ۳ ارباب بین مالک و زارع تقسیم گردید . ولی در واقع ارباب زمین های مرغوب ده را خود شپرد و ۳ هکتار نیز بیشتر از سهم خود گرفته است یعنی از ۱۸۰ هکتار زمین ده ۶۹ هکتار به ۲۷ زارع و ۱۱۱ هکتار به مالک ده رسیده است .

بنابراین به هر زارع در حدود $\frac{2}{5}$ هکتار زمین رسیده و ۱۳ خانوار نیز بی زمین هستند .

وضع مالکیت :

مالک این ده شخص پولدار و بانفوذی است . او در دهات اطراف هم بیشتر زمین ها را مالک است مثلاً در ده مجاور یک چاه عمیق و چهار تلمبه

احداث کرده است . همچنین چهار تراکتور و سه کمباین دارد . زمینهای ارباب
مکانیزه است و کارگر مزدور روی آنها کار می کند . مزد کارگر ۸-۵-۱۰ تومان
است .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانچه گفته شد در این ده ۲۷ دهقان زمیندار هستند که نفری $\frac{2}{5}$ هکتار
زمین دارند . با توجه به اینکه این $\frac{2}{5}$ هکتار را باید هر سال کشت کنند
و نمی توانند قسمتی از آنها آبش بکند (چون مقدار زمین کم است و کفاف مخارج
آنها را نمی دهد) محصول آن پربار نیست و بهیچ وجه برای گذران
زندگیشان کافی نیست .

بنابراین در این روستا چه دهقانان ، چه بی زمینان همه روی زمینهای ارباب
در ده مجاور سهم کاری می کنند (همان رعیتی سابق) و $\frac{1}{4}$ محصول سهم
می برند . (حتی کمتر از سابق سهم می برند زیرا قبل از اصلاحات ارضی $\frac{1}{3}$ سهم
می بردند) .

به گفته دهقانان چهار یک کاری بهتر از مزد ببری است . زیرا مزد
- ببری دائمی نیست ، یک روز کار هست و یک روز نیست و تازه از کارگر زیاد کار
می کشند تا ۶۰ تومان کف دستش بکند ولی سهم ببری هم دائمی است
و هم کارش آسانتر است .

هر زارع از چهار یک کاری بطور متوسط سالی ۲۰۰۰ تومان گیرش می آید .
دهقانان مختصری هم دامداری می کنند . هر خانوار ۶ - ۵ گوسفند

دارد .

شخم را با تراکتور می‌زنند، تراکتور را هکتاری ۵۰ تومان کرایه می‌کنند.

وضع خوش‌نشینان :

در این ده ۱۳ خانوار خوش‌نشین زندگی می‌کنند، و در زمین‌های

ده مجاور که متعلق به مالک است رعیتی می‌کنند و $\frac{1}{4}$ محصول را سهم می‌برند.

ده شماره هفت شی—سراز
طی آباد سرتل

طی آباد سرتل دهی است با ۹۰ - ۸۰ خانوار جمعیت .

محصولات مهم آن گندم و جو و چغندر می باشد .

منابع آب :

منابع آب ده عبارتست از ۲ رشته قنات ، رودخانه و یک تلمبه .

باغهای ده :

۱۵ - ۱۰ هکتار باغ در این روستا وجود دارد . باغهای غارسر - مالکی

است محصول به نسبت $\frac{۲}{۵}$ سهم مالک و $\frac{۳}{۵}$ سهم زارع تقسیم می شود .

طبق قانون ، باغهای غارسر - مالکی باید تقسیم شوند ولی مالکین هنوز

توافق نکرده اند . مالکین حاضر نشده اند سهم خود را بفروشند و به اقساط قیمت

آنها دریافت کنند . مالکین حتی حاضر نشده اند که $\frac{۲}{۵}$ سهم خود را تفکیک کنند

و کار برونند .

زمین :

کل زمین های زراعی ده ۶۰۰ هکتار است .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده اربابی و متعلق به چند مالک شهری بود :

۱/۴	۲ دانگ	متعلق	به	یک	مالک	شهری
۳/۴	"	"	"	"	"	"
۱/۲	"	"	"	"	"	"
۱/۲	"	"	"	"	"	"

۶۵ زارع صاحب نسق زمینها را کشت و کار میکردند و بهره مالکانه ۱/۳ محصول بود .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این روستا انجام شد و نصف زمینهای زراعی

ده بین ۵۶ زارع صاحب نسق به تساوی تقسیم شد (تقسیم زمین به نسبت بهره

مالکانه) . البته طبق معمول زمین های مرغوب قسمت مالکین شد . اکنون مالکین

بیشتر از ۳۰۰ هکتار از زمین های ده را دارند و ۵۶ زارع نیز ۳۰۰ هکتار زمین

در دست دارند . در این روستا به ۳ نفر خوش نشین نیز که از قبل صاحب نسق

بوده اند ولی در هنگام تقسیم اراضی زمینی در دست داشتند زمین در ماند . به

هر یک از آنها نفعی یکی دو هکتار زمین

دارمانند .

وضع مالکین :

همانطور که گفته شد مالکین اکنون بیشتر از ۳۰۰ هکتار زمین دارند .
زمین های آنها مکانیزه است و کارگر مزدور روی آنها کار می کنند . مزد کارگر
در زمینهای مالک ۵-۹ تومان است . فقط مزد آبیاری در مقابل ۲۴ ساعت
کار ۱۵ تومان است .

مالکین ۲ تراکتور و ۲ کمباین دارند . سه کامیون نیز دارند . (برای
حمل محصولات به شهر)

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۳۰۰ هکتار زمین به تساوی
بین ۵۶ زارع صاحب نسق تقسیم شد که بهر یک کمتر از ۶ هکتار زمین رسید . البته
دهقانان تمام این ۶ هکتار را هر سال نمی کارند بلکه هر سال مقداری از آنرا
آیش می گذارند . مقدار آیش زیاد نیست بلکه $1/5$ - ۱ هکتار از آنرا آیش
می گذارند . خود دهقانان می گویند چون اینجا زمین و آب زیاد است و جمعیت
کم وضع دهقانان نسبتا بهتر است . (اصولا در این منطقه ، به علت حاصلخیزی
و پرآب بودن آن ، در بعضی از روستاها که زمینی به دهقانان رسیده وضع اقتصادی
آنها در مقایسه با قبل تفسیر کرده است) .

با این حال در اینجا هم دهقانان همیشه بدکار هستند و همیشه به

دکاند ارضی ده و شرکت تعاونی مقروض می باشند .

در ده ۳ رکان هست که نسیه می دهند و قیمت را به قول دهقانان يك
 لا دولا حساب می کنند و هر قدر زورشان برسد گران می فروشند .
 خودشان شرکت تعاونی ندارند ، از شرکت تعاونی ده مجاور وام می گیرند
 تا بحال بیشتر از ۵۰۰ تومان به کسی وام نداد هاند . وام شرکت به نظر دهقانان
 وام خوبی است و نسبت به وام های غیر دولتی بهره اش خیلی کمتر است . شرکت
 ۴۴۰ تومان میدهد و بعد از ۱۱ ماه ۵۰۰ تومان پس می گیرد . بهره پول
 تقریبا ۱۳٪ است . با اینحال دهقانان می گویند : " وام خوبی است اگر مرتب
 و به همه بد دهند ، ولی به همه ^{معمولا} نمیدهند و به پارتی دارها می دهند . "
 دهقانان مختصر دامداری هم دارند . كك ۲۰۰ گوسفند در ده هست
 كه ۱۰۰ رأس آن متعلق به دو نفر و بقیه متعلق به همه است .
 بیشتر خانوارها يك ماده گاو هم دارند . دهقانان زمینشان را با تراکتور شخم
 میزنند ، تراکتور را هكتاری ۶۵ تومان اجاره می کنند .

وضع خوش نشینان :

بخیر از ۵۶ خانوار دهقان و ۳ خوش نشینی که به آنها زمین تعلق گرفته بقیه
 خانوار ده بی زمین هستند ۲۰۰-۳۰۰ خانوار خوش نشین اند ۱۵۰ خانوار
 از اینها در زمینهای مالکین کار می کنند و بقیه نیز در روستاهای اطراف دنبال
 کار می گردند

* * * *

این روستا مدرسه ندارد . مدرسه ای که با ۲٪ درست کرده بودند خراب شده

است .

ده شماره هشت شیراز

دشت ک

این روستا ۱۲۰ خانوار جمعیت دارد . محصولات مهم آن گند م
و جو و چغندر است . محصولات باغهای این روستا : انار ، انگور ، سیب ،
وزرد آلوست .

منابع آب :

تنها منبع آب روستا ، رودخانه ایست که دهات متعددی را در این
منطقه مشروب می سازد .

باغهای روستا :

باغهای این روستا متعلق به دهقانان است . در دهقان ۱۰ - ۵ من
باغ دارد که در آن ۲۰ درخت زو و ۴ درخت دیگر هست .

روابط تولید

زمین و مالکیت آن قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده موقوفه عام بود . در صیفی کاری ۱۳٪ محصول را متولی بر می داشت و بقیه را نصف می کردند و در شنبلیله پذیر را مالک (متولی) می داد و ظاهراً $\frac{1}{4}$ محصول سهم زارعین می شد ولی عملاً کمتر از $\frac{1}{8}$ به آن ها می دادند و بقیه را متولی می برد .

مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ده به اجاره ۹۹ ساله زارعین درآمد . کل زمینهای ده ۴۸ نیم فرد رعیتی بود . هر نیم فرد رعیتی را امکان داشت چند برادر رکت و کار کنند . بنا بر این کل زمین های ده به اجاره ۶۵ خانوار زارع (۶۵ نفر زارع) درآمد .

اجاره سالیانه تمام زمینها ۴۴۴۰۰ تومان تعیین شد و مقرر گردید هر فرد زارع سالیانه ۹۲۵ تومان بدهد . این اجاره بسیار سنگین است و دهقانان بهیچ وجه نمی توانند آنرا بپردازند . زیرا زمین زراعی ده بسیار کم است و هر فرد زارع کمی بیشتر از یک هکتار زمین دارد ، و در ثانی آب کافی هم برای این زمین ها نیست . همچنین چنانکه اشاره شد هر فرد زارع ممکن است مرکب از دو یا سه خانوار باشد . با این حساب چطور میتواند در سال ۹۲۵ تومان اجاره بدهد ، در حالیکه درآمد ناخالص سالیانه زمین هر نیم فرد زارع بقرار زیر است :

گندم ۲۰۰-۵۰۰ من

جو کشت نمی شود

چغندر ۱۰-۸ تن

سال قبل محصول چغندر اصلا نداشتند و به کارخانه هم مقروض هستند .

اگر درآمد ناخالصی یک فرد زارع را به پول حساب کنیم از ۱۲۰۰ تومان تا حد اکثر ۲۰۰۰ تومان است که از این مقدار ^{در سال} ۱۰ مخارج شخم و بذر و خرمن کوبی را باید کسر کرد :

شخم با تراکتور همکاری ۶۰ تومان است . کرایه خرمن کوبی با تراکتور ۳٪ محصول است . به این ترتیب ، با در نظر گرفتن اینکه بعضی سالها بعلت خشکسالی همین ۱۰۰۰ تومان هم گیر زارع نمیاید ، روشن است که پرداخت اجاره ممکن نیست . با اینحال به زور زاندارم و زندان اجاره را از زارعین رقیقا می گیرند . دهقانان مال و حیوان خود را می فروشند ، فعلگی می کنند و پولی فراهم کرده اجاره را می پردازند . خود دهقانان می گویند : (سرحدت) ۱۰۰۰۰ ، ۳۲۰۰۰ — تومان دزدید فلان که گنده * ۳۰۰۰۰ تومان دزدید و آب از آب تکان نخورد . اما امان از وقتی که زارع بدبخت نتواند اجاره را بپردازد ، دزد و بی ناموس میخوانندش و بزندان می برنش) .

دهقانان می گویند که اعتقاد ما از شکایت کردن سلب شده زیرا دهکات اطراف ما همگی از مظالمی که به آنها روا می دارند شکایت کرده اند و نتیجه ای نگرفته اند . ما هم می دانیم که شکایت کردن فایده ای ندارد بنابراین نه تا بحال شکایتی کرده ایم و نه خواهیم کرد — وانگهی باید پولی داشته باشیم ، قدرتی داشته باشیم تا بتوانیم دنبال شکایتمان برویم .

دهقانان عضو شرکت تعاونی هم هستند و از شرکت وام می‌گیرند . وام -
 شرکت تعاونی برای آنها کمکی است ولی در حقیقت دردی را از آنها روا نمی‌کند
 زیرا به وام از شهر و رباخوار منجر می‌شود که بهره‌های آن وام‌ها هم سر به -
 جهنم می‌زند .

وضع خوش‌نشینان روستا :

همانطور که گفته شد از ۱۲۰ خانوار جمعیت این روستا فقط ۶۵ نفر یک
 وجب زمینی دارند و کشاورزی می‌کنند . بقیه خانوارده یعنی ۵۵ خانوار خوش-
 نشین هستند . خوش‌نشین‌ها در شهرها فعلگی و نیز در کارخانه‌ها هم کار
 می‌کنند و همچنین برای تگدن ریشه محک به شهرهای استان کرمان و اصفهان
 می‌روند . در خود روستا برای خوش‌نشینها کار نیست .

* از صفحه قبل : در آغاز نام سرهنگ و گله‌گنده یاد شده را به مناسبتی
 از جزوه تایی حذف کرده بودیم . اکنون که اشکالی برای گفتن این نام ها
 وجود ندارد ، متأسفانه هم نام‌ها را فراموش کرده‌ایم و هم یاد داشت‌ها ی
 اصلی در دسترسمان نیست .

ده شماره نه شیخ راز
شاه قطب الدین

شاه قطب الدین دهی است با ۸۲ خانوار جمعیت . محصولات مهم این
روستا گندم و جو و چغندر و برنج است . باغهای این روستا دارای میوه های
سیب ، انار ، زرد آلو و به می باشد .
منابع آب :
تنها منبع آب دره چشمه است .

باغهای روستا :
ده مقداری باغ اریایی دارد و مقداری هم باغ غارس - مالکی . در باغ -
های غارس - مالکی ، بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ محصول است .

د هقانان عضو شرکت تعاونی هم هستند و از شرکت وام می گیرند . وام -
 شرکت تعاونی برای آنها کمکی است ولی در حقیقت دردی را از آنها روا نمی کند
 زیرا به وام از شهر و رباخوار منجر می شود که بهره های آن وام ها هم سر به -
 جهنم می زند .

وضع خوش نشینان روستا :

همانطور که گفته شد از ۱۲۰ خانوار جمعیت این روستا فقط ۶۵ نفر یک
 وجب زمینی دارند و کشاورزی می کنند . بقیه خانوار ده یمنی ۵۵ خانوار خوش-
 نشین هستند . خوش نشین ها در شهرها فعلگی و نیز در کارخانه ها هم کار
 می کنند و همچنین برای کندن ریشه محک به شهرهای استان کرمان و اصفهان
 می روند . در خود روستا برای خوش نشینها کار نیست .

* از صفحه قبل : در آغاز نام سرهنگ و که گنده یاد شده را به مناسبتی
 از جزوه تایین حذف کرده بودیم . اکنون که اشکالی برای گفتن این نام ها
 وجود ندارد ، متأسفانه هم نام ها را فراموش کرده ایم و هم یاد داشت های
 اصلی در دسترسمان نیست .

ده شماره نه شیخ راز
شاه قطب الدین

شاه قطب الدین دهی است با ۸۲ خانوار جمعیت . محصولات مهم این
روستا گندم و جو و چغندر و برنج است . باغهای این روستا دارای میوه های
سیب ، انار ، زرد آلو و به می باشد .
منابع آب :
تنها منبع آب ده چشمه است .

باغهای روستا :
ده مقداری باغ اریایی دارد و مقداری هم باغ غارس - مالکی . در باغ
های غارس - مالکی ، بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ محصول است .

روایت تولید

زمین های روستا و مالکیت آنها قبل از اصلاحات ارضی :

زمین زراعی ده بسیار وسیع و حاصلخیز است. قبل از آغاز اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به یک مالک بود. بهره مالکانه برای شتوی $\frac{2}{3}$ محصول و برای صیفی نصف محصول بود و ۵۳ زارع روی زمینها کار می کردند.

مالکیت زمین و آب بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این روستا انجام شده و بر طبق شق تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه، ظاهرا $\frac{1}{3}$ از زمینهای روستا بین ۵۳ نفر زارع تقسیم شد.

حال آنکه بر اساس تقسیم به نسبت بهره مالکانه، بایستی $\frac{5}{12}$ یعنی $\frac{1}{4}$ زمینهای ده به دهقانان برسد نه $\frac{1}{3}$ آن ها. ولی تازه این ظاهر قضیه بود و عملا چیزی خیلی کمتر از $\frac{1}{3}$ زمینهای روستا را به دهقانان دادند.

به طور کلی ۱۱۰ هکتار زمین بین ۵۳ نفر زارع تقسیم شده و به هر زارع ۲ هکتار زمین رسیده.

زمینهای مالک از ۵۰۰ هکتار هم تجاوز می کنند. یک تراکتور و ۲ کمپاین روی زمینهایش کار می کند و کارگر مزدور آنها را کشت می نماید.

مزد کارگر در زمینهای مالک ۷-۶ تومان است.

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد در مرحله دوم ۱۱۰ هکتار زمین بین ۵۳ نفر زارع به تساوی تقسیم شد . و به هر زارع ۲ هکتار زمین رسید .
درآمد ناخالصی زارع (بدون محاسبه مخارج بذر و کود و شخم و کارگر) در سال به طور متوسط ۱۸۰۰ تومان است ، به قرار زیر :

برنج	۱۰۰ من
گندم	۳۰۰ من
جو	۱۰۰ من
چغندر	۸ تن

در این روستا شرکت تعاونی هم نیست ولی ۲ تا دکان دارد که دهقانان از آن ها جنس می گیرند و سر سال پول آنرا می پردازند .

وضع خوش نشینان :

از ۸۲ خانوار ده ۵۳ خانوار زارع هستند و بقیه یعنی ۲۹ خانوار خوش نشین .
بیشتر خوش نشینان در خود روستا روی زمینهای مکانیزه ارباب کار می کنند بعضی ها هم برای فعلگی به شهرها می روند .

ده شمساره ده شیراز
 هزار

هزاردهی است با در حدود ۱۰۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم و جو و چغندر است . ده دارای باغهای میوه نیز هست . میوه^۴ باغها سیب و انار و انگور می باشد .
 منابع آب :

این روستا از روستاهائیست که بوسیله رودخانه^۵ آبیاری می شود و ۲۹ سهم از آب این رودخانه را می گیرد . در ده همچنین دو رشته قنات هست که یکی بکلی بایر است و دیگری آب مختصری دارد . دوسه سال است که يك تلمبه^۶ اینچی هم به منابع آبیده اضافه شده و باغهای چهاربرادر زارع را مشروب می کنند . این تلمبه آب چندانی ندارد .

باغهای روستا :

در حدود ۴ هکتار باغ وجود دارد که متعلق به زارعین می باشد . این باغها را زارعین بعد از اصلاحات ارضی احداث کرده اند . آب باغها از کل آب روستا تامین می شود ، فقط ۴ برار زارع برای باغهایشان یک تلمبه کار گذاشته اند که آب آن بسیار کم است .
زمین های روستا :

کل زمینهای ده را بر حسب هکتار ، زارعین نمیدانستند فقط می گویند کل زمینها ۵۶ گاو بند است .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده اربابی بوده است . کل زمینها ۵۶ گاو بند (در حدود ۸۰۰ هکتار) بوده است که ۵۶ زارع صاحب نسق روی آن کار میکرد ماند .

۳۴ گاو بند از زمینها یعنی حدود ۴ دانگ متعلق به یک مالک ، ۱۶ گاو بند متعلق به دو مالک و ۶ گاو بند نیز متعلق به دو مالک دیگر بود .

در زمینهای گندم و جو آبی و صیفی کاری بهره مالکانه نصف محصول و در گندم و جو دیمی بهره مالکانه $\frac{1}{6}$ محصول بود .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله دوم اصلاحات ارضی بر طبق شق تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه بین مالک و زارع، نصف زمین های ده را بین ۵۶ نفر از زارعین به طور مساوی تقسیم کردند. چنانکه دو سه نفر از زارعین می گفتند چون مالک عمدتاً این ده با انصاف بوده است تقسیم زمین به دو قسمت مساوی و عادلانه صورت گرفته و به هر زارع در حدود ۷ هکتار زمین آبی رسیده است. از این لحاظ وضع این ده بین دهات منطقه استثنائیت، زیرا اکثر مالکی پیدا می شود که در هنگام انتخاب شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه، اعمال نفوذ نکند و تمام زمین های هموار و قابل استفاده را برای خود تصاحب ننماید. اکثریت قریب به اتفاق مالکین، با نفوذی که در دستگاههای اداری دارند و با استفاده از فساد که در دستگاههای اداری حکم فرماست، تکه تکه هایی از زمین ها، سنگلاخ و ناهموار را به دهقانان داده اند و همه زمین را خود تصاحب نموده اند اما در این ده زمین ها بطور عادلانه به دو قسمت تقسیم گردیده و نصف زمینها یعنی در حدود ۴۰۰ هکتار زمین بین ۵۶ خانوار زارع بطور مساوی تقسیم گشته است. ۴۰۰ هکتار نیز سهم مالکین است.

از ۱۰۰ خانوار ده، حدود ۴۴ خانواری زمین هستند.

وضع مالکین :

همانطور که گفته شد مالکین نصف زمین های ده را در دست دارند، زمینهای آنها در دست اجاره دار کار فرماست. اجاره دار ۲ تراکتور و ۱ کبابین دارد و کارگر مزدور می گیرد. مزد کارگر حد اکثر روزی ۸ تومان است. سه

ندرت، در بعضی از روزهایی که کار زیاد است، روزی ۱۰ تومان هم مزد می دهند.

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد ۵۶ خانوار دهقان زمیندار در این روستا هستند که هر خانوار ۷ هکتار زمین آبی دارد. هر سال نصف این مقدار را کنست می کنند و نصف آنرا آیش می گذارند. یعنی هر زارع در سال ۳/۵ هکتار زمین می کارد.

کشاورزان زمین خود را با تراکتور شخم می زنند و خرمن کوبی را نیز با تراکتور انجام می دهند. تراکتور را از اجاره دار مالک یا زروستاهاى دیگر کرایه می کنند. کرایه تراکتور برای شیار و دیسک و مزر بندى عكاری ۹۵ تومان است.

کشاورزان با داس درو می کنند و کمباین در بین کشاورزان رایج نیست. کمباین فقط زمین های مالکین را درو می کند.

چنانکه گفته شد کشاورزان باغ هم دارند، همچنین مختصر دامداری نیز می کنند. در حدود ۷۰۰ گوسفند در ده هست که متعلق به زارعین و خوش نشین هاست.

قبل از اصلاحات ارضی مالکین به آنها اجازه احداث باغ نمیدادند و حتی سه نفر را که اعتراض کرده بودند: "چرا مالک درختان ما را می برد" به تبعید فرستاده بودند. یکی از تبعیدیها در محل تبعید می میرد، دیگری در ده تلف می شود و سومی هنوز زنده

ایست و اکنون در ده زندگی می‌کند .
 همانطور که گفته شد این روستا ، از جمله روستاهائیست
 که استثنائاً وضع اقتصادی دهقانان ، بعد از اصلاحات ارضی ،
 تغییر قابل ملاحظه‌ای کرده و از قبل خیلی بهتر شده است .
 در ده ۴ خانوار خوش‌نشین زندگی می‌کنند .

وضع خوش‌نشینان :

خوش‌نشینان این ده هم نسبت به روستاهای اطراف کمتر است ،
 خوش‌نشینان در ده در زمینهای مکانیزه ، مالکین کار می‌کنند . همچنین
 برای کار به روستاهای اطراف هم می‌روند . خوش‌نشینان برای فصلگی
 به شهرها نیز می‌روند . بعضی هم برای کندن ریشه محک به اصفهان
 و کرمان می‌روند .

* * * * *

ده مدرسه ندارد و ۸۰ شاگرد مدرسه ده برای تحصیل
 به ده مجاور می‌روند .
 ده یک حمام دارد که هر خانوار سالانه ۱۸ من گندم
 اجرت حمامی می‌دهند .

در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

و در ده خانه انصاف نیز هست .

ده شماره یارده شی—راز
جاری آباد

جاری آباد دهی است با ۴ خانوار جمعیت .

محصولات مهم این روستا گندم و جو و چغندر است .

منابع آب روستا :

مزارع این روستا را ۲۰ سهم از رودخانه سرچشمه آبیاری می کند . در ده

همچنین یک چاه سطحی بوسیلهٔ دو نفر از زارعین احداث شده که بکمک تلمبه

از آن آب می کشند و زمینهای این دو خانوار زارع را مشروب می کند .

زمین های روستا :

کل زمینهای آبی ده ۳۵۰ هکتار است که ۵۰ هکتار آن متعلق به مالک

سابق ده و مکانیزه است . زمینهای دیمی ده نیز ۸۰ هکتار است . قبل از اصلا

حیات ارضی کل زمینهای ده ۳۰۰ هکتار بود ولی در چند سال اخیر دهقانان

زمینها را توسعه دادند .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی این روستا موقوفه خاص بوده است و در آن نفوس متولی داشته است . برای گندم و جو آبی چون بذرا را هم مالک میداد ۳ سهم مالک و نایب و کدخدای می بردند و ۱ سهم زارع . در مورد گندم و جو دیمی سهم مالک $\frac{1}{5}$ محصول بود . همچنین مالک از محصول چغندر نصف آن را می برد .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله دوم اصلاحات ارضی در سال ۴۴ زمینهای روستا باستشای ۵۰ هکتار مکانیزه مالک به اجاره ۳۸ زارع درآمد . اجاره سالانه هر زارع ۵۰۰/۵ تومان تعیین شد .

در مرحله سوم اصلاحات ارضی در فروردین سال ۵۱ زمین های اجاره داده شده به زارعین واگذار شد . اقساط پانزده ساله تعیین گردید و هر زارع در سال ۳۲۷ تومان قسط می پردازد . در حال حاضر هر زارع ۸ هکتار زمین آبی و ۲ هکتار زمین دیمی دارد .

وضع مالکین :

همانطور که در بالا گفته شد مالک صاحب $\frac{1}{5}$ از زمینهای ده است

(۵۰ هکتار) ولی از آب ده $\frac{1}{4}$ سهم می برد . در واقع بیشتر از سهمی که برای $\frac{1}{4}$ از زمینها حق اوست ، می برد . زمین های او با کارگر مزدور اداره می شود و با وسایل مدرن کشت می گردد .

وضع دهقانان :

وضع دهقانان این ده نسبتا بد نیست و از این لحاظ در بین دهات این منطقه استثنائست . شاید از این نظر که وقف بوده و درآمد با نظر اداره اوقاف خرج می شده است ، مالک به آسانی از آن دست برداشته و بیشتر زمینهای ده را به دهقانان واگذار کرده است .

همانطور که گفته شد ، هر دهقان ۸ هکتار زمین آبی و ۲ هکتار زمینی دارد و این مقدار زمین در مقایسه با یکی ، دو هکتار زمین دهقانان دهات اطراف نسبتا خوب است . وضع کد خدا و یک نفر دیگر از زارعین از بقیه بهتر است . این دو نفر یک تراکتور و یک تلمبه هم دارند . درآمد ناخالص هر زارع بدون حساب مخارج کشتبه قرار زیر است :

گندم	۱۲۰۰	من
جو	۵۰۰	من
چغندر	۲۰	تن

پنبه نمی کارند فقط در و نفر صاحبان تلمبه و تراکتور پنبه کاری هم می کنند . قیصت این محصولات در حدود ۶۰۰۰ تومان می شود و اگر مخارج شخم و کارگر و قسط زمین را از این مقدار کم کنیم درآمد ناخالص از ۴۰۰۰ تومان در سال کمتر نمی شود .

در ده فقط ۲ خانوار زمین ندارند که آنها هم معامله گرفته‌اند. ده ۲
 دکان دارد ولی زارعین اکثراً از شیراز خرید می‌کنند. کرایه ماشین از ده تا
 شیراز ۳ تومان است. خرید از شیراز خود دلیل رفاه نسبی دهقانان این روستا
 است. دهقانان از شرکت تعاونی هم پول قرض می‌کنند. شرکت تا بحال وام
 بیشتر از ۲۰۰۰ تومان نداشته است. شرکت تعاونی بذر هم می‌دهد.
 کارهای مزدوری ده را خوش‌نشینان ده بالا می‌کنند. در نزدیکی
 این روستا دهی قرار دارد با ۱۸۰ خانوار جمعیت که ۱۳ خانوار آن خوش-
 نشین هستند. خوش‌نشینان روستای فوق برای کار به این ده می‌آیند.

دامداری :

در حدود ۱۰۰۰ گوسفند و ۸۰-۷۰ گاو در ده هست :

۱ نفر ۲۵۰ گوسفند دارد

۲ نفر هر نفر ۱۰۰ گوسفند دارند

بقیه زارعین هم کمتر از ۱۰۰ گوسفند دارند. بیشتر زارعین هر یک در حدود

۱۰-۱۲ گوسفند دارند ولی هستند کسانی که هیچ گوسفند ندارند.

ده شماره دوازده شیراز

نوروزان

نوروزان روستائست با ۲۰۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم و جو و چغندر است . محصولات باغهای میوه ده ، هلو ، سیب و زردآلوست .

منابع آب :

آب زراعی ده از رودخانه و ۹ تلمبه (چاه سطحی) تامین می شود .

باغهای ده :

در ده ۲۰ هکتار باغ اریابی هست که متعلق به یک نفر مالک می باشد . مالک

آب باغ را بزور از آب زراعی کشاورزان گرفته است .

باغهای دیگری هم در ده هست که خود کشاورزان آنها را احداث کرده اند و

تقریباً همه کشاورزان هر یک $\frac{1}{5}$ هکتار و بعضی ۱ هکتار باغ دارند .

زمین :

زمین زراعی این ده نسبتاً وسیع است و بیشتر از ۱۵۰۰ هکتار می شود .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی قسمتی از زمینها متعلق به یک مالک بود .
قسمت بیشتر ده نیز موقوفه عام بود . روی زمینهای مالک ۶ نفر زارع کاری کردند
و بهره مالکانه $\frac{3}{5}$ محصول بود . روی زمینهای وقف ۱۲۰ زارع کاری کردند .

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در سال ۴۳ در این ده انجام شده است .
در این سال زمینهای وقف به اجاره ۹۹ ساله ۱۲۰ اجاره دار درآمد .
اجاره سالیانه هر زارع ۱۵۰۰ تومان تعیین شد و به هر زارع ۱۲ هکتار
زمین اجاره داده شد (تمام ۱۲ هکتار هر سال کشت نمی شود فقط ۴ هکتار
آن کشت می شود زیرا ۸ هکتار آن آیش است) .
زمینهای مالک هم در همین سال بر طبق شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه

تقسیم شد. $\frac{3}{8}$ زمین ها سهم مالک و $\frac{2}{8}$ آن سهم ۶ زارع گردید.

وضع مالکین :

یک نفر در ده دست که زمین مکانیزه دارد. سهم آّب زراعی زمین هایش به اندازه $\frac{1}{2}$ مالک ده می باشد.

راجع به زمینهای مالک ده چیزی پرسیده نشد.

وضع دهقانان اجاره دار :

دهقانان اجاره دار وضعیتشان نسبتاً است و درآمد ناخالص سالیانه

آنها به قرار زیر است :

گندم ۱۶۰۰-۱۷۰۰ من

جو ۳۰۰-۵۰۰ من

چغندر ۸۰ من

اگر گندم را کیلوئی ۷ ریال و جو را کیلوئی ۵ ریال و چغندر را کیلوئی ۱ ریال

حساب کنیم درآمد ناخالص یک دهقان اجاره دار ۱۲۳۲۰ تومان می شود. ۱۰٪ از

این مقدار ۱۵۰۰ تومان اجاره و مخارج شخم و خرمن کوبی و کود و کارگر را باید

کم کنیم همچنین مخارج سوخت تلمبه ها و قسط آنها را هم باید در نظر

داشت.

در این روستا چنانچه دیده می شود بعلت آیش گذاشتن زمین و تلمبه -

هایی که اجاره داران کار گذاشته اند محصول چغندر بسیار پربار گشته و درآمد

زارعین را بالا برده است.

زارعین با تراکتور شخم می‌زنند و تراکتور را هکتاری ۴۲ تومان کرایه می‌کنند (مرز-
بندی با دست انجام می‌گیرد) . همچنین زارعین با گرفتن وام از شرکت تعاونی
۱ تلمبه روی چاههای سطحی که حفر کرده‌اند، گذاشته‌اند .

شرکت تعاونی فقط به زارعین وام می‌دهد ، از ۲۰۰۰-۳۰۰۰ تومان .

روستائیان مختصری هم دامداری دارند . هر نفر در حدود ۱۰-۶ گوسفند .

وضع خوش‌نشینان :

از ۲۰۰ خانوار کلی جمعیت ده ۱۲۰۰ نفر اجاره دار و ۶ نفر زمیندار

هستند . بقیه خانوارها ، یعنی ۷۴ خانوار ، خوش‌نشین هستند .

خوش‌نشین ها هم در ده کار می‌کنند و هم برای گاربه شهر می‌روند ، در اداره -

ریشه کنی مالاریا هم کار می‌کنند و نیز برای کندن ریشه محک به شهرهای استان

کرمان می‌روند .

* * * * *

ده یک مدرسه دارد که ۲۰۰ دانش‌آموز در آن تحصیل می‌کنند .

ده شماره سیزده شیراز
قصر آبدار

این روستا ۱۸ خانوار جمعیت دارد .

محصولات مهم آن گندم و جو و هندوانه و خربزه است .

منابع آب :

منابع آب زراعی ده رودخانه و ۴ عدد تلمبه است .

باغهای ده :

در حدود ۱۶ هکتار باغ در ده وجود دارد که غارس - مالکی هستند .

$\frac{2}{3}$ محصول سهم مالک و $\frac{1}{3}$ سهم زارع است . آب باغها از رودخانه تامین میشود

و $\frac{1}{4}$ سهمیه ده از آب رودخانه به باغها می رود . تعداد زارعینی که در باغها

شريك هستند ۲۰۰ نفر است .

زمین :

این روستا در حدود ۵۰۰ هکتار زمین زراعتی دارد و ۱۰۰ هکتار
بایر و غیر قابل کشت .

روابط تولید

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به دو مالک بود (یکی از مالکین
از رباخواران معروف است) .
بهره مالکانه در مورد صیفی کاری $\frac{1}{4}$ محصول بود و برای شتوی $\frac{2}{3}$ محصول .
وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

اصلاحات ارضی مرحله دوم شش تقسیم به نسبت بهره مالکانه
در این ده انجام گرفت و قرار شد $\frac{1}{6}$ زمین ها به زارعین و $\frac{3}{6}$ زمین ها
بمالکین برسد .

به این ترتیب ۲۶۴ هکتار زمین به زارعین واگذار شد که ۴۰ هکتار آن بایر
و غیر قابل کشت است و دهقانان به این موضوع اعتراض کرده اند ولی
کسی به درد دل آنها نمی رسد و به اعتراضات آنها جوابی داده نمی شود .
در حدود ۳۵۰ هکتار زمین هم همالکین رسیده است .

در حدود ۹۷ دهقان صاحب بنسحق در ده بوده‌اند و ۲۶۴ هکتار زمین بین آنها به تساوی تقسیم گردیده است .

بهر دهقان کمتر از ۳ هکتار زمین رسیده که نیمی از آن را آیش می‌گذارند . هر دهقان در حدود نیم هکتار هم زمین کاری دارد .

در حدود ۸۵ خانوار خوش‌نشین در این روستا زندگی می‌کنند .

وضع مالکین :

مالکین ۳۵۰ هکتار زمین دارند . این زمینها را نمایندگانه آنها با کارگر مزدور اداره می‌کنند .

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد ۹۷ دهقان در حدود ۲۶۴ هکتار زمین دارند یعنی هر نفر کمتر از ۳ هکتار ، هر دهقان کمتر از نیم هکتار هم زمین ریمی دارد .

دهقانان همیشه به شرکت تعاونی مقروض هستند . فعلا وام آن ها —

۳۰۰ — ۱۰۰ تومان است (چون تازه تأسیس است) . دهقانان با تراکتور

زمین هایشان را شخم می‌زنند و آنرا هکتاری ۴۵ تومان کرایه می‌کنند .

تراکتور را سه نفر از دهقانان شریکی خریده‌اند به قیمت ۴۲ هزار تومان و سالی

۵ هزار تومان قسط می‌دهند .

روستائیان دامداری مختصری هم دارند ، هر خانوار در حدود ۲۰ — ۵ —

گوسفند دارد ، سه چهار خانوار هم هستند که هر کدام ۱۵۰ — ۱۰۰ گوسفند

دارند . در حدود ۱۵ گاوشیرده هم در ده هست که هر گاو متعلق به یک خانوار است .

وضع خوش نشینان :

از ۱۸۱ خانوار جمعیت ده در حدود ۸۵ خانواری زمین هستند . در ده برای خوش نشینان کار خیلی کم است و آنها برای کار به شهرها می روند .

ده شماره چهارده شیراز

بَاب الْبِيَام

این روستا ۵۸ خانوار جمعیت دارد . محصولات مهم این روستا :
گندم ، جو چغندر ، برنج و مختصری پنبه است .

منابع آب :

آب زراعی این روستا از رودخانه تامین می شود .

باغهای روستا :

در این روستا ۲ هکتار باغ هست که متعلق به کنگد امی باشد . باغ
باغیان دارد و مزرد باغیان سالی ۴۰۰ من گندم و جو است .

زمین و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی شد انگ ده متعلق به دو مالک بوده است .
 بهره مالکانه برای صیفی کاری $\frac{2}{3}$ محصول و برای شتوی $\frac{1}{3}$ محصول بود .
 ۱۲ هکتار از زمین ها در مرحله اول اصلاحات ارضی به ۳۰ نفر زارع فروخته شد .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی مالکین شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه را انتخاب کردند و زمین ها را به نسبت ۲ و ۳ تقسیم کردند (۲ سهم زارع و ۳ سهم ارباب) در نتیجه ۶۰ هکتار زمین به زارعین رسید و ۹۰ هکتار بس مالکین .

هر زارع مقداری کمتر از $\frac{2}{5}$ هکتار زمین دارد و از ۵۸ خانوار جمعیت ۲۸ خانوار یعنی تقریباً نصف جمعیت ده خوش نشین و بکلی بی زمین هستند .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد مالکین ۹۰ هکتار از زمین ها را در دست دارند و با کارگر مزدور آنها را کشت می کنند . مالکین یک تراکتور و یک گمباین دارند .

وضع دهقانان زمیندار :

در این روستا ۳۰ خانوار کشاورز زمیندار وجود دارد که هر یک کمتر از $\frac{2}{5}$ هکتار زمین دارند . زمین را با گاو شخم می زنند و هر کدام یک گاو شخم دارند که با یک نفر دیگر شریکی کاری کنند . درآمد ناخالص یک دهقان زمین دار به قرار زیر است :

گندم ۵۰۰ من

جو ۱۵۰ من

برنج ۳۰۰ من

هر دهقان ۲ گاو شیرده هم دارد که برایش کمک خرجی خوبی است .

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد از ۵۸ خانوار جمعیت ده ۲۸ خانوار خوش نشینان هستند . خوش نشینان فعلگی می کنند و یا برای گدن ریشه محک به شهرهای استان کرمان می روند . بعضی از خوش نشینان چند تائی گاو و گوسفند دارند که به علت اینکه مرتع کم است برای آنها علوفه می خرنند . در نزدیکی ایمن روستا قسمتی از مراتع را یکی از مالکین منطقه تخم کرده و در آن زراعت می کند به همین دلیل مساحت مراتع اطراف ده کمتر است و از این نظر خوش نشینان برای چراندن گوسفند ان در زحمت هستند .

روستاهای چهارم :

- ۱ - قطب آباد
- ۲ - مانیون
- ۳ - شرقی
- ۴ - آسمانگرد
- ۵ - حنا
- ۶ - گل برنجی
- ۷ - کنه

۱۹۹۶: روش تحقیق

۱- توصیفی

۲- کیفی

۳- پدیدارشناسی

۴- آمیخته

۵- کمی

۶- ترکیبی

۷- ...

سازمان ملی ایران
تهران

پروژه تحقیقاتی

ده شماره يك چهارم

قطب آبار

قطب آبار روستا ئيست با ۹۱ خانوار جمعيت .

محصولات مهم اين روستا گندم ، جو و پنبه است . محصولات باغهاي اين روستا انار و خرما است .

منابع آب :

۲۰۰۰ هكتار از زمين هاي زراعي اين روستا را چشمه اي كه در نزديكي

روستا وجود دارد ، آبياري مي كند . آب اين چشمه هميشه يگنواخت است و خشكسالي چند سال اخير آب آنرا كم نكرده است .

۱۶ تلمبه چاه سطحي هم در رده هست هر تلمبه از ۴-۱۵ هكتار زمين را آبياري مي كند .

باغهای روستا :

در این روستا ۱۲ هکتار باغ هست. باغها متعلق به مالکین می باشد ولی اکنون در اجاره زارعین است. چون محصول خرما یک سال در میان پیر بار می شود، قیمت اجاره برای اجاره دو سال است. اجاره ۱/۵ هکتار باغ در هر دو سال ۱۲۰۰۰ تومان است. درآمد این ۱/۵ هکتار در دو سال ۱۵۰۰۰ تومان است. آب باغها از چشمه تامین می شود.

زمین و مالکیت آن بعد از اصلاحات ارضی :

کلیه زمینهای آبی ده، که از آب چشمه مشروب می گردد ۲۰۰۰ هکتار است. زمینهای زراعی در این ده سه آیشه است یعنی همیشه $\frac{2}{3}$ زمین ها آیش گذاشته می شود و $\frac{1}{3}$ آن کشت می گردد. در مرحله دوم اصلاحات ارضی، زمینهای ده متعلق به یک مالک بود، بر اساس شوق تقسیم به نسبت بهره مالکانه تقسیم شد. در نتیجه نصف زمینها، یعنی ۱۰۰۰ هکتار زمین بین ۸۰ نفر زارع صاحب نسق تقسیم گشت و نصف دیگر زمین ها، یعنی ۱۰۰۰ هکتار، سهم مالک شد.

روشن است که زارعین به آسانی نتوانستند مالک را مجبور کنند که کار تقسیم زمینها را عادلانه انجام دهد. بلکه ۲۰ نفر از زارعین برای شکایت به تهران رفتند و مقدار زیادی خرج کردند تا وکیلی از تهران آورند و زمینها را دقیق تقسیم کردند.

غیر از این ۸۰ خانوار صاحب نسق، در حدود کمتر از ۱۰۰ خانوار زارع در

ده هستند که قبل از اصلاحات ارضی، زمینهای بایر را آباد کرده‌اند. این زارعین جمعاً ۱۶ تلمبه دارند که زمین‌های نوآباد را آبیاری می‌کنند. تا سال قبل این زارعین بهره‌ما لکانه می‌پرداختند. بهره‌مالکانه $\frac{2}{5}$ محصول بود. سال گذشته زمین‌ها را تقسیم کردند و چون مالک فقط بر زمین حق داشت $\frac{1}{5}$ از زمین‌ها را به مالک دادند و بقیه زمین‌ها متعلق به خودشان شد. هر تلمبه متعلق به ۵ - ۳ نفر زارع است و ۱۵ الی ۴۰ هکتار زمین را آبیاری می‌کند.

بغیر از ۸۰ نفر زارع که در مرحله دوم صاحب زمین شدند و ۱۰۰ زارع تلمبه‌دار، ۶ نفر زارع هم در مرحله اول صاحب زمین شدند و در حدود ۱۳-۱۲ هکتار زمین به آنها فروخته شد. قسط سالیانه این ۶ نفر ۴۰۰ تومان است. بنابراین از ۴۹۱ خانوار جمعیت این ده کمتر از ۱۸۰ خانوار دهقان زمیندار و بقیه بی زمین هستند. یعنی بیشتر از ۳۰۰ خانوار خوش‌نشین هستند.

وضع مالک :

چنانکه گفته شد، مالک اکنون ۱۰۰۰ هکتار زمین در اختیار دارد. در مقایسه با بقیه روستاها مالک در این ده، نتوانسته است قسمت اعظم زمینهای ده را تصاحب کند و درست نصف زمین‌ها به او رسیده است. علت این امر یکی هوشیاری بموقع زارعین این روستاست که درست در جریان اصلاحات ارضی با خرج پول زیاد به تهران رفتند و وکیل گرفتند، و علت دیگر که مهمتر است، بیمرضگی و بی نفوذی خود مالک است که نتوانسته کلکی هم دست وکیل زارعین

بدست او را دست به سر کند .

در هر حال اکنون وضع مالک با ۱۰۰۰ هکتار زمین هم روسراهِ است و با کارگر مزدور و وسایک جدید کشاورزی آنها را کشت می‌کند . البته سهم آب مالک باز هم بیشتر از زارعین است به ترتیب که ه شبانه روز آب متعلق به زارعین است و ۶ شبانه روز متعلق به مالک . یک شبانه روز از سهمیه آب مالک ، باغهای او را مشروب می‌کند . ۱۲ هکتار از زمین های مالک تریاک کاری است .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد ، رویم حداکثر ۱۸۰ خانوار دهقان زمیندار هستند . ۸۰ نفر از این عده هر یک ۱۲ هکتار زمین دارند که ۸ هکتار آن همیشه آیش گذاشته می‌شود و ۴ هکتار آن کشت می‌گردد . وضع این ۸۰ نفر نسبتاً خوب است و گذرانی می‌کنند . درآمد ناخالص سالیانه هر زارع از این ۸۰ نفر به قرار زیر است :

گندم	۷۰۰-۵۰۰	من (من سه کیلو است)
جو	۳-۲	تن
پنبه	۲۵۰	من

بقیه زارعین یعنی تلمبه داران وضع خوبی ندارند ، زیرا زمین زراعی آنها موجود نیست و همچنین چاهها کم آیند و سال به سال هم آب آنها

بیشتره می‌کشد . این زارعین خرج زیاد دارند و درآمد کم . زیرا
 تلمبه ها گازوئیل می‌خواهند و پرخرج هستند . این زارعین چون
 حقی در آب چشمه ندارند روبه ورشکستگی می‌روند زیرا تلمبه و چاه سطحی
 آنچنان دوامی ندارد و نمیتواند سالهای دراز زمین را آبیاری کند .

دهقانان از شرکت تعاونی وام می‌گیرند . وام شرکت تعاونی
 از ۵۰۰ تومان الی ۲۰۰۰ تومان است . فعلا ۱۱۳ نفر عضو شرکت
 هستند .

در ده دوازده دکان وجود دارد که روستائیان از این دکانها جنس‌نسیه
 می‌برند و سر سال حساب می‌کنند .

دهقانان با تراکتور زمینشان را شخم می‌زنند . کرایه تراکتور هر
 هکتاری ۵۰ تومان است .

وضع خوش‌نشینان :

چنانکه گفته شد از ۹۱ خانوار جمعیت ده بیشتر از ۳۰۰ —

خانوار خوش‌نشین هستند .

خوش‌نشینان در ده فعلگی می‌کنند ؛ به شهرها می‌روند و بهر —

جان گدنی هست دنبال کار می‌روند تا نان بخور نمیری پیدا کنند .

در حدود ۵۰ — ۴۰ نفر از خوش‌نشینان این

ده بزرگ ، به نوب آمن اصفهان و کاشان رفته‌اند .

دامداری :

دامداری در این روستا رونقی ندارد ، هر زارع در حدود ۶ - ۵

گوسفند دارد .

بزرگان

پهلوان

سایه پاران

این

ده شماره دو جهـ ر م

مـ انـ و ن

این روستا ۶۰ خانوار جمعیت دارد . محصولات مهم این روستا گندم ، جو ، برنج است . محصولات باغهای این روستا لیمو و خرما می باشد .
منابع آب :

تنها منبع آب دره / چشمه است . یکی از چشمه ها متعلق به مالک است . بقیه چشمه ها بین مالک و زارع تقسیم شده . آب یکی از چشمه ها نصف متعلق به مالک و نصف دیگر متعلق به زارعین است و از بقیه چشمه ها ثلث آب آن سهمیه زارعین می باشد .

قبلا یک رشته قنات در این ده وجود داشته که سیل خرابش کرده . برای تعمیر قنات تقاضای وام از دولت کرده اند ، ولی به حریف آنها ترتیب اثری داده نشده . زارعین از کم آبی می نالند .

باغبانای روستا :

در حدود ۳۰۰ - ۲۰۰ من باغ در این ده وجود دارد (هر ۳۵ من تخم کاریک هکتار است) . یعنی ۷-۸ هکتار .
باغها غارس - مالکی است و بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ محصول است .

مالکیت زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این روستا انجام شده . به این ترتیب که چون $\frac{1}{4}$ زمینها موقوفه بوده ، به اجاره زارعین درآمده . سالی ۱۱۰۰۰ تومانی اجاره این $\frac{1}{4}$ زمین است .

بنظر زارعین مقدار اجاره خیلی زیاد است و آنها بزحمت می توانستند ز این $\frac{1}{4}$ زمین ، قیمت اجاره را بدست آورند . ولی ضمنا چاره ندارند ، چون با زور و اندام و زندان اجاره را تاشاهی آخر از آنها می گیرند . زارعین میگویند :
" ما نمی خواهیم این زمین ها را اجاره کنیم " جواب می دهند که : " مجبورید " .
دهقانان می گویند ، وقتی زمین های موقوفه در دست مالک بود و ما " رعیت " زمین - ها بودیم ، اجاره به مراتب کمتر بود (در حدود ۵ - ۴ هزار تومان) . در حال حاضر این زور گوئی ، خشم دهقانان را برانگیخته است .

غیر از $\frac{1}{4}$ زمین ها که موقوفه است ، به گفته زارعین در مرحله دوم شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه برای بقیه زمین ها اجرا شد و به موجب آن ، ظاهر امر چنین بود که ، نصف زمینهای زراعی به دهقانان برسد و نصف دیگر به مالک .
مالک شخص بانفوذی است و قدرتش در اعمال نفوذ ، در دستگاههای اداری نا - محدود است . بنابراین تقسیم زمین به نسبت $\frac{1}{4}$ فقط ظاهر امر است . زیرا به

هر نفر از ۳۶ خانوار زارع ۲۵ من تخم کار زمین آبی رسیده و ۲۰ - ۱۵ من زمین دیمی . با این حساب کل زمین های زراعی ۶۰۰ من ، یعنی ۲۵ هکتار می شود و بنابراین بر فرض اینکه زمینها دقیق ، بین مالک و زارعین به دو نصف تقسیم شده باشد کل زمین زراعی ده می شود . ۵۰ هکتار . ولی چنین چیزی غیر ممکن است و ده حداقل ۳۰۰ - ۲۰۰ هکتار زمین زراعی دارد .

بنابراین چنانکه دید می شود کل زمینهای زراعی ده فقط ۲۵ هکتار زمین آبی بین ۳۶ نفر دهقان این روستا تقسیم شده است و حدود ۲۰ هکتار هم زمین دیمی . به هر دهقان جمعا در حدود ۱ هکتار زمین آبی و دیمی می رسد .

از ۶۰ خانوار جمعیت ده ۲۴ خانوار نیز خوش نشین هستند .

وضع مالکین :

مالک این روستا شخص با نفوذی است (پیمان ، وکیل مجلس شورای ملی) که زمینها و باغهای وسیعی دارد و نه تنها در این روستا بلکه در تمام این منطقه صاحب باغ و زمین است . چنانکه دهقانان می گویند در نزدیکی این روستا ملکی هست که مقداری از زمین دیمی اش متعلق به دهقانان این ده است ، ولی تمام زمین های آبی و بقیه زمین های دیمی آن ملک متعلق به مالک است که او هم زمین های آبی را تبدیل به باغهای وسیع لیمو و خرما کرده است . در این جا حرف بر سر داری و املاک ملک فوق نیست چون املاک باغهای این شخص حد و اندازه ندارد ، بلکه سخن در این است که مالک فوق مانع دهقانان این ده میشود که زمین های دیمی خود را که در ملک او واقع است بکارند و مسزاحم

آنها می شود، مثل اینکه قصد دارد آن ها را از آنجا بیرون کند .
 مالک همچنین یک معدن نیز دارد که در نزدیکی این روستا قرار گرفته و ۵۰-۴۰ نفر کارگر روی آن کار می کنند . به گفته زارعین ، در روزی ۶-۵ هزار تومان از زمین معدن درآمد خالص دارد (معدن گل سرسور که در مقدمه ، در بحث چهارم از آن یاد شده) .

وضع دهقانان زمین دار :

چنانکه گفته شد در این روستا ۳۶ نفر دهقان ، صاحب زمین شده اند . این دهقانان نفری یک هکتار زمین آبی و دیمی دارند و همچنین مقداری زمین - اجاره ای در اختیارشان هست و نیز از زمین دیمی ملک مجاور هم ، اگر مالک اجازه دهد و بیرونشان نکند ، مقداری می کارند . زمین اجاره ای را که نباید به حساب درآمد گذاشت زیرا به اندازه اجاره خودش هم درآمد ندارد و زارعین به زور ژاندارم آن را می کارند و اجاره آن را می پردازند . از بقیه زمین ها درآمد مختصری دارند . بارها از وضعشان و ظلمی که به آنها روا می شود به اداره اصلاحات ارضی شکایت کرده اند ولی هر بار ، ماموران اداره یا راهشان نداده که حرفشان را بگویند یا اگر خیلی سماجت به خرج داده اند ، کتکشان هم زده اند . خودشان می گویند : " ما نمیتوانیم شاخ به شاخ مالک بگذاریم ، شکایت هم که فایده ندارد هر شکایتی بکنیم می رود زیر دست خودش " .

دهقانان زمینشان را با گاو شخم می زنند زیرا زمینی که بآنها رسیده ناموار است .

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد از ۶۰ خانوار جمعیت ده ، ۴۴ خانوارش خوش نشین هستند . خوش - نشینان روی زمینهای مکانیزه ، مالک کار می کنند . عده ای از آنها هم در معدن مالک مزدور می کنند .

ده شماره سه جهـرم

شـرقی

شرقی دهی است با ۱۲۰ خانوار جمعیت . اگر خشکسالی نباشد و باغها رآفت
نزند محصولات باغهای این روستا ، مرغبات ، خرما ، بادام ، زردآلو سیب
و انار است .

منابع آب :

تا سال گذشته تنها منبع آب روستا ، رودخانه بود . به علت خشکسالی در چند
سال گذشته آب رودخانه بسیار کم شده بود تا جائیکه پارسال آب آن کاملاً
خشکید . ناچار دهقانان وام شش ساله ای از بانگ کشاورزی گرفتند و ۴ تلمبه
زدند . در این ۴ تلمبه ۴ نفر شریک هستند . به غیر از این چهار تلمبه یک
چاه دیگر هم هست که متعلق به مالک می باشد .

زمین های روستا و مالکیت آن :

زمین های زراعی ده زیاد نیست زیرا باغ زیاد است . کل زمین زراعی روستا ۲۰ هکتار است که در مرحله دوم اصلاحات ارضی به نسبت بهره مالکانه (به نسبت $\frac{1}{4}$) بین زارعین و مالک تقسیم شد . تعداد زارعین صاحب نصق ۸۶ نفر بودند که ۱۰ هکتار زمین بین آنها تقسیم شد . سهم مالک هم ۱۰ هکتار بود ، که ۵ هکتار آن را اجاره داده است و سالیانه ۳۰۰۰ تومان اجاره می گیرد و ۵ هکتار دیگر مکانیزه است . مالک تراکتور دارد و چاه هم زده است .

باغهای روستا و مالکیت آن :

اقتصاد این روستا بر باغداری متکی است و همانطور که گفته شد ده - زمین زراعی زیاد ندارد . کل باغهای روستا ۱۰۰ هکتار است ، ۵ هکتار از باغها مالکی است که کارگر مزدور روی آنها کار می کنند . ۱۰ هکتار از باغها خرده مالکی است که پلاک ثبتی دارند و از چندین سال پیش باغها را احداث کرده اند . ۵ هکتار از باغها غارس - مالکی است . بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ محصول است . بقیه باغها که ۸۰ هکتار است ، قبلا غارس - مالکی بود و بهره مالکانه نصف محصول بود . در سال ۱۳۴۸ از طریق اداره اصلاحات ارضی بر اساس توافق طرفین به زارعین فروخته شد . قیمت این ۸۰ هکتار ، از متریعی ۸ ریال تا ۲۸ ریال تمیین شد و قرار شد زارعین بهای آن را چهارده ساله بپردازند . با در نظر گرفتن اینکه باغ جزء مستثنیات اصلاحات ارضی است ، انگیزه فروختن باغ از طرف مالکین خشکسالی و آفت زدگی باغها بود . به این ترتیب که وقتی مالکین دیدند در آمدی از باغها گیرشان نمی آید ، ماموران اصلاحات ارضی

را بده آورده و روی باغها قیمت گذاشتند و آنها را به زارعین واگذار کردند .
 اکنون ۸۰ هکتار باغ متعلق به ۸۶ زارع است . مقدار باغ زارعین مساوی نیست .
 وسعت باغها از ۳۰۰ متر مربع تا ۲ هکتار است .

باغها آفت زده است و درختان باغها خشکیده اند . آفت مخصوصی به درختها
 می زند که یکروزه خشک می شوند . هر چه دهقانان سم می پاشند بیهوده است
 حتی پول خرج کرده و از تهران هم متخصص آورده اند ولی کسی نتوانسته است
 علت آفت و دوائی آنها تشخیص دهد . خشکسالی چند سال اخیر هم وضع را -
 خراب تر کرده و همه را به ورشکستگی کشانده است . بطوریکه وضع دهقانان بسا
 خوش نشینان فرقی ندارد و اکنون دهقان و خوش نشین سرگردان شهرها و شیخ -
 نشین های خلیج فارس هستند .

در حال حاضر ۵ خانوار صاحب نسق ها ، یعنی دهقانان صاحب باغ
 در ابوظبی و سایر شیخ نشین ها بسر می برند . بسیاری از آنها مدت طولانی
 هم در آنجا کار می کنند و ۲ تا ۵ سال در آنجا می مانند ، در حالیکه زن و بچه
 چشم انتظار و نگران حال آنهاست . خانواده های این مهاجرین ، بی سرپرست
 و گرسنه ، چشم براه بازگشت رئیس خانوار هستند و چه بسا که چندین سال بی خبر
 می مانند .

به این ترتیب روشن می شود که مالکین چرا از این ده دست کشیده اند
 و باغها را فروخته و به دهقانان واگذار کرده اند . بر فرض که قیمت فروش باغها
 هم پول خوبی به جیب آنها می ریخته است مثلا یک هکتار باغ را که بر نصف آن حق
 داشته اند ، (زیرا باغها غار سر - مالکی بود و بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ محصول بود) به
 قیمت ۲۸۰۰۰ تومان فروخته اند . در حقیقت مانند اینست که نیم هکتار باغ را

۲۸۰۰۰ تومان فروخته باشند .

اکنون زارعین مجبورند قیمت باغبی بر را بپردازند و در حالی که درآمدی از باغ ندارند سالیانه قسط بپردازند .

لازم به تذکر است که تلمبه ها هم نتوانسته و نخواهند توانست در دریا روا کنند . زیرا هم گرفتار مخارج آن و وام ها و بهره و امها خواهند شد و هم اینکه بعد از یکی دو سال کفگیر به ته دیک خواهد خورد و آب بیاه ته خواهد کشید .

نقته پید است که در صورت نبودن آفت و باران زیاد، درآمد باغها خوب است و دهقانان می توانند با درآمد حاصله گذرانی داشته باشند . مثلاً درآمد نیم هکتار باغ آباد در سالهای خوب حدود ۶ - ۵ هزار تومان میشود که البته از این مقدار باید مخارج کود و سمپاشی و کارگر را برداشت ، همچنین قسط سالیانه را ، که برای نیم هکتار باغ حد اکثر ۱۰۰۰ تومان می شود . ولی در سالهای اخیر هرگز درآمد نیم هکتار باغ از ۵۰۰ - ۲۰۰ تومان تجاوز نکرده است .

* * *

۶ نفر از اهالی این ده عضو شرکت تعاونی هستند و از شرکت

وام می گیرند . وام شرکت تعاونی ۱۰۰۰ - ۴۰۰ تومان است .

این روستا یک مدرسه پنج کلاسه دارد که ۷ نفر دانش آموز در آن

تحصیل می کنند . این روستا خانه انصافی نیز دارد .

ده شماره چهارم — م
 آسمانگرد — ر

آسمانگرد دهی است با ۸۰ خانوار جمعیت .

منابع آب :

آب زراعی این روستا از رودخانه تامین می شود ۳۴ تلمبه هم دارد .

باغهای روستا :

رویهم ۲۰ هکتار باغ در این روستا هست . ۳ هکتار باغ متعلق

به مالک است . ۱۲ هکتار باغ غارس — مالکی است .

۵ هکتار خرده مالکی است . یعنی دهقانان از چندین سال قبل برای خودشان

احداث کرده اند و پلاک ثبتی دارند .

باغهای غارس — مالکی هنوز تقسیم نشده اند . ولی اصولا محصول درست و حسابی

ندارد .

مالکیت زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی ده متعلق به چند مالک بود و قسمتی از آن هم

موقوفه بود به ترتیب زیر :

۳ دانگ متعلق به یک مالک بود .

" " " " ده $\frac{1}{7}$

" " " " ده $\frac{1}{7}$

" " " " ده $\frac{1}{14}$

$\frac{1}{7}$ ده موقوفه بود . (هر سه دانگ ۷ سهم بود بنابراین $\frac{1}{7}$ یعنی

: ۲ سهم از سه دانگ) .

قبل از اصلاحات ارضی بهره مالکانه $\frac{3}{5}$ محصول بود .

مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی :

مرحله دوم اصلاحات ارضی در این ده انجام شد . به موجب آن $\frac{1}{7}$ تمام

زمین های ده که موقوفه عام بود به اجاره زارعین درآمد این ^{اجاره} $\frac{1}{7}$ زمین ها

در آغاز سالی ۵۰۰۰ تومان تعیین شد ولی بعلمتی آبی و خشکسالی چون

زمین درآمدی نداشت ، اجاره آن را به ۳۰۰۰ تومان تقلیل دادند . اکنون

این زمین های اجاره ای به قیمت ۲۳۰۰۰ تومان با اقساط ده ساله به

اجاره داران فروخته شده است . اجاره داران این املاک موقوفه ۴۸ خانوار

زارع بودند (چند برادر ، پدر و پسران متاهل را روی هم در اینجا یک خانوار

می نامند) . کلا در این روستا ۴۸ خانوار صاحب نسق زندگی می کنند .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی به غیر از املاک موقوفه ، در بقیه زمین ها ،

شق تقسیم به نسبت بهره ما لکانه اجرا شد . بنا براین $\frac{۲}{۵}$ ک زمین ها سهم
 زارعین شد و $\frac{۳}{۵}$ ک زمین ها سهم مالکین ، ولی تقسیم زمین عادلانه نبود و مالکین
 بیشتر از $\frac{۳}{۵}$ سهم خودشان صاحب شده اند . ک زمین های زراعی ده در حدود
 ۵۰۰ هکتار است .

وضع مالکین :

مالکین در حدود ۳۰۰ هکتار زمین دارند .

در نفر از مالکین زمین های خود را به دو نفر ، اجاره داده اند . قسمتی
 از آنها به یک کارمند شهری و قسمت دیگر را به یکی از اهالی ده اجاره داده اند .
 ک اجاره ۲۳۰۰۰ تومان در سال است .

کارمند شهری تراکتور کرایه می کند و کارگر مزد برمی گیرد .

اجاره دار روستائی به این ترتیب عمل می کند که عده ای کارگر می گیرد و بعضی
 از کم کردن هزینه ، شخم و بذر ، بقیه محصول را با آنها نصف می کند ، نصف
 محصول متعلق به اجاره دار و روستائی و نصف دیگر متعلق به تمام کارگران است .
 روی زمین و مالک دیگر هم رعیت سهم بر کار می کند .

وضع دهقانان زمیندار :

اگر تعداد دهقانان زمیندار را نه بر حسب تصریف روستائیان از خانوار ،
 بلکه بر اساس تصریف خانواره در شهر حساب کنیم (یعنی سه برادر متاهل
 را سه خانوار حساب کنیم نه یک خانوار) تعداد دهقانان زمیندار از ۴۸ نفر
 بیشتر می شود بطوریکه میتوان گفت بیشتر دهقانان زمیندار هستند و تعداد

خوش نشینان کم است .

وضع د مقامان خوب نیست و گرفتار قرض هستند . از شرکت تعاونی

قرض و از دکاندارها تسهی می گیرند .

شرکت تعاونی حد اکثر ۲۰۰۰ تومان وام می دهد .

در این روستا ۳ دکان وجود دارد .

وضع خوش نشینان :

تعداد خوش نشینان در این روستا زیاد نیست و بیشتر آنها در ده کار

می کنند .

امداداری :

در اثر خشکسالی امداداری چندان رونقی ندارد . هر کس چند

گوسفندی دارد . البته هستند کسانی که ۱۰۰ گوسفند هم دارند .

کل گوسفند های ده ۶۰۰ رأس است .

* * * * *

این روستا یک مدرسه دارد که ۶۰ نفر دانش آموز در آن تحصیل می کنند ، ولی فعلا

معلم ندارند . دو نفر سپاه دانش داشت که اکنون رفته اند .

ده شماره پنج جهرم

حنا

حنا دهی است با ۱۰۰ خانوار جمعیت .

خشکسالی در این ده بیدار می‌کند و به علت این خشکسالی وحشتناک دهقانان کار کشاورزی را رها کرده اند و مثل خوش نشینان سرگردان شهرها و مراکز کار هستند . این ده جمعا ۲۴ دهقان صاحب زمین دارد که در مرحله دوم اصلاحات ارضی صاحب زمین شده اند و ظاهرا $\frac{1}{4}$ از زمینها^ی ده بین آنها تقسیم شده است .

به هر دهقان ۲ هکتار زمین رسیده است، اما چه زمینی که اگر نداشتند راحت تر بودند و آزاد تر دنبال کار می‌رویدند . این چند وجب زمین بی‌آب سالها آنها را به خود شمشول کرده تا اینکه توانستند از آن دل بکنند و مثل بقیه^۴ خوش نشینان دنبال فعلگی بروند .

ده قبلا قنات داشته ، ولی حالا قنات خشک شده است .

چنانکه گفته شد در مرحله دوم اصلاحات ارضی زمین های ده به نسبت بهره مالکانه بین مالک و زارعین تقسیم گشت .

$\frac{۳}{۴}$ زمین ها سهم مالک و $\frac{۱}{۴}$ سهم ۲۴ نفر از زارعین شد .

اکنون مالک بیشتر از ۲۰۰ هکتار زمین ندارد ولی چون آب کافی

برای آبیاری زمینهایش ندارد ، با وجود اینکه دو تا چاه زده است و ۲ تلمبه روی چاههایش کار می کند ، نمیتواند تمام زمین هایش را کشت کند .

مالک تراکتور کرایه می کند و کارگر مزدور دارد . مالک در زمین هایش گندم و جو و تنباکو کشت می کند .

از طرفی دهقانان هم تا چند سال پیش رنج طاقت فرسا

بی نتیجه را به خود هموار کرده و روی زمین جان می کردند ، حتی با

قرض و قرضه و این در و آن در زدن تلمبه ای می خریدند و چاهی حفر می کنند

ولی هر چه زمین را گود می کنند ، ۳۰ متر ، ۵۰ متر ، ۶۰ متر فایده ندارد ، به

آب نمی رسند . تلمبه هایی هم که دهقانان می خریدند قدرت آنها ندارد تا

آب را از عمق ۱۰۰ متری بالا بیاورند . این تلمبه ها فو قش می توانستند

آب را از ۴۰ - ۳۰ متری بالا بکشند .

در حال حاضر زندگی مردم این منطقه (زیرا دهات اطراف

نیز به همین بلا دچارند) از طریق کارگری می گذرد . البته فقط نامش است

و در واقع دنبال کار رویدن است ، زیرا کار ثابت و دائمی خیلی به قدرت

پیدا می شود .

طبق معمول دهاتی که اقتصاد کشاورزی شان در حال رکود است ،

صنعت دستی در این روستا پا گرفته و رشد کرده است. زیرا در روستاهایی که کشاورزی در اثر خشکسالی از بین می‌رود تنها روزنامه امید دهقانان دامداری مختصرشان و صنعت دستی زنان روستاست. زیرا که کار مزدوری موفقی است و نمی‌توان به آن امیدی داشت.

در این قبیل روستاها اگر هم صنعت دستی قبلا وجود نداشته باشد زنان از جاهای دیگر یاد می‌گیرند. به این ترتیب که دخترانشان را به شاگردی می‌فرستند. یا اگر احیانا زنی از اهل روستای خودشان از عشایر باشد و در صنعت قالی بافی یا جاجیم و گیم بافی وارد باشد از او بیاموز می‌گیرند. در این روستا چند سالی است که زنان قالی می‌بافند.

از صبح تا غروب روی دایره‌های افقی قوز می‌کنند تا بعد از سه یا چهار ماه که قالی را فروختند تکه نانی گیر بیاورند. وصله شکم‌شان کنند. پشم قالی را هم از پیله ورنسیه می‌خرند و هنگام فروختن قالی پول پشم را با بهره‌ای که رویش کشیده شده پس می‌دهند.

در این روستا دامداری هم در اثر خشکسالی تقریباً از بین رفته و فقط بعضی خانوارها چند گوسفند دارند.

بیشتر اهل این ده و چرخه دارند زیرا بوسیله آن می‌توانند دنبال

کار بروند و هر جا کاری بود پیاده شوند و مشغول گردند.

* * * * *

تومان است .

دهقانان همه به دکانداران شهری مقروضند و در ده دکان نیست . زیرا ده
به شهر نزدیک است و دهقانان که همه بین شهر و ده در رفت و آمد هستند
از شهر خرید می کنند .

دکانداران
شهری
دهقانان
مقروضند

دکان

ده شماره ششجهـرم

گل برنجی

گل برنجی روستائیت با ۱۲۰ خانوار جمعیت. محصولات مهم این روستا گندم و جو است. منابع آب: به گفته دهقانان اغلب تابستانها آب زراعی ده که از رودخانه است تقریبا خشک می شود. آب آشامیدنی ده هم از چاه نیمه عمیق است. باغهای روستا:

گل باغهای روستا ۲۵ هکتار است، ۵ هکتار از این باغها مالکی است که کارگر روز مزد روی آنها کار می کند؛ ۲۰ هکتار باغها از قدیم خرده مالکی بوده و متعلق به دهقانان است. به این ترتیب که مالک ده سالها پیش، برای جلوگیری از پراکندگی دهقانان بعلت کم درآمد بودن زمین، تکه زمین هایی به دهقانان

بخشیده بوده که دهقانان آنها را باغ میکرد هاند که هنوز هم این باغها هستند.
مالکیت زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به مالک ظاهر را خیری بود ه
است که به قول دهقانان به وضع آنها رسیدگی می کرده . دهقانان عقیده دارند
که وضع آنها قبل از اصلاحات ارضی و زمان مالک فوق خیلی بهتر بوده است .
مالک فوق قبل از اینکه اصلاحات ارضی بوسیله دولت اجرا بشود علاوه بر تکه
زمین هایی که برای احداث باغ به دهقانان داده بود ، ۴۰ هکتار زمین زراعی
هم بین ۴۰ خانوار زارع که در حقیقت ۸۰ خانوار هستند ، تقسیم کرد و ۶۰ هکتار
زمین هم برای خود برداشت (تقسیم بنسبت بهره مالکانه ، $\frac{۲}{۳}$ زارع $\frac{۱}{۳}$ مالک) .
چند سال بعد ، مالک زمین های خود را به مالک دیگری فروخت و اکنون شخص
دیگری مالک این ده است و حدود ۶۰ هکتار زمین دارد (زمینش را توسعه داده
است) . اکنون مالک فوق که یک تراکتور هم دارد ، کارگر مزدور می گیرد و زمین ها
پیشرا به طریق مکانیزه کشت می کند .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد ۴۰ هکتار زمین بین تقریباً ۸۰ خانوار تقسیم شده و در حقیقت
هیچیک از دهقانان درآمدی از زمین ندارند . یکی از آنها میگفت : " سال گذشته
۱۴ من گندم پاشیدم و چهل من محصول برداشتم . " تقریباً تمام جمعیت اینجا
به کارگری روزگار می گذرانند . در حدود ۴۰ نفر از اهل این ده در جزیره خارک
کار می کنند . به ابوظبی هم می روند . در حقیقت وضع دهقانان با خوش نشینان
چندان تفاوتی ندارند و هر دو دسته سرگردان شهرها هستند . بیشتر خانوارهای ده
عضو شرکت تعاونی هستند و ام شرکت ۲۰۰۰-۵۰۰ تومان است . ده دو دکان دارد . ده
خانه انصاف نیز دارد .

ده شماره هفت چهارم

کته

این روستا ۶۰ خانوار جمعیت دارد . بیشتر زمین های روستا زیر باغ است . محصول باغها بادام ، سیب ، لیموترش ، زرد آلو ، خرما ، و باقلا است . زمین های زراعتی را هم برنج می کارند . البته زمین زراعتی این روستا بسیار کم است . مالکیست :

قبل از اصلاحات ارضی ، ده در اجاره زارعین بود و آنطور که یکی از زارعین می گفت سالیانه تمام ده ۴۳۰ تومان اجاره داده می شد . زیرا ۴ دانگ موقوفه بود و ۲ دانگ متعلق به یک مالک . این اجاره مختصر را به شیخ توتیسی نمی توان توجیه کرد جز اینکه این مقدار اجاره سالها قبل تعیین شده بوده . یعنی در موقعیکه مثلا تمام زمین های ده می بوده و چندان در آمدی نداشته است و سالها این ملک به این صورت باقی مانده بوده بدون اینکه دولت توجهی

به آن بکند . و مالک دودانگ ده نیز چون یک زن بوده توجهی به وضع اجاره نگرده است . یا شاید تا قبل از اصلاحات ارضی نمیتوانسته زارعین را مجبور به دادن اجاره بیشتری بکند . چون دهقانان به دادن این اجاره کم عادت کرده بودند .

اما در هنگام اصلاحات ارضی مالک زمین ها به کمک شوهرش اقدام به فروش زمینهایش کرد و ۲ دانگ سهم خود را به دهقانان فروخت . قیمت خرید زمینها از قرار هر ساعت آب ۲۰۰۰ تومان تعیین گشت و قرار شد که زارعین ده ساله این پول را بپردازند . جمعا ۴ نفر دهقان زمین های مالک را خریدند ۴ دانگ موقوفه هم به اجاره . ۴ نفر دهقان درآمد وکل اجاره سالیانه ۶۴۰۰ تومان تعیین شد . دهقانان که سالها اجاره مختصری میپرداختند

و به هیچ وجه حاضر نمی شدند این اجاره سنگین را بپردازند و بسختی در مقابل ماموران دولت مقاومت کردند . ژاندارمری هم ۵۰ ژاندارم روانه کرد ، ده را محاصره کردند و مردم را فلک کردند تا مجبور شدند اجاره جدید را قبول کنند . دهقانان درآمد چندانی از باغها ندارند ، بعضی ها سالی ۳۰۰

تومان از باغ درآمد دارند ، باغ بعضی از زارعین اغلب هنگام طغیان رودخانه زیر آب می رود و سیل آنها می برد ، مثلا امسال مقدار زیادی از باغها را سیل برد . بطور کلی درآمد باغها بین ۳۰۰ تومان تا ۳۰۰۰ تومان است . ولی

فقط چند نفر هستند که درآمد آنها از باغ ۳۰۰۰ تومان است .

مردم ده به خاطر ظمی که به آنها شده است خشمگین هستند .

در ده ۱۵ - ۱۰ خانوار هم خوش نشین هستند که برای کارگری به

با اینکه دهقانان، مدرسه به خرج خودشان درست کرده‌اند ولی
مدت زیادی است که برای آنها معلم نمی‌فرستند و به گفته اهالی این روستا
کودکی هنگامی که از رودخانه رد می‌شد تا به مدرسه ده مجاور برود در رودخانه
غرق شده است.

روستاهای فسا :

- ۱ - تنک گرم
- ۲ - غمیاث آباد
- ۳ - دولت آباد
- ۴ - هارم

اساتذہ کرام:

مدرسہ
اساتذہ کرام

پروفیسر صاحبزادہ
اساتذہ کرام

ده شماره يك فسا
تنگ کرم

تنگ کرم دهی است با ۴۰۰ خانوار جمعیت، طبق آمار رسمی ده سال

قبل ۱۶۶ خانوار. محصولات مهم ده گندم، جو و پنبه و تریاک می باشد.
باغهای میوه هم دارد. میوه های باغها: انار، سیب، گلابی و زردآلو است.
ضایع آب:

این روستا ۶ رشته قنات آباد دارد و ۲ رشته قنات مخروبه.

زمین:

ده دارای ۸۰۰ هکتار زمین زراعی است.

باغهای ده:

کلا ۳۰ هکتار باغ در ده وجود دارد، ۲۳ هکتار آن اربابی است

که در دست اجاره دار کارفرماست که سالیانه ۵۵ هزار تومان اجاره آن است.

در این باغها کارگر مزدور کار می کند .

۷ هکتار هم باغ خرده مالکی و متعلق به دهقانان است که هر یک ۶۰ هکتار من بیشتر نیست . آب خرده باغچه های دهقانان از یکی از کوچکترین قنات های ده تامین می شود . $\frac{1}{3}$ از آب قنات فوق سهم باغهای دهقانان است .

وضع مالکیت آب قبیل از اصلاحات ارضی :

همانطور که گفته شد ده دارای ۸ قنات بود که در رشته از آنها فعلا مخروبه شده است . لایه های مخروبه فوق کارسادهای است زیرا ده در دامنه کوه واقع شده و قناتهای فوق در واقع چشمه هستند ، زیرا طول هر یک کمتر از نیم کیلومتر است . در زیر مالکیت قنات های آباد ده را قبل از اصلاحات ارضی خواهیم نوشت و توضیح خواهیم داد که بعد از اصلاحات ارضی به چه صورتی درآمد است .

بطور کلی مرحله دوم اصلاحات ارضی در این ده انجام شده و طبق آن $\frac{1}{3}$ تمام آنها و زمینهای اربابی و خرده مالکی را به زارعین دادند (بر اساس شش تقسیم به نسبت بهره مالکانه) . در نتیجه ۳۰ نفر زارع صاحب زمین شده اند و بهر یک بین ۲ - ۱ هکتار زمین رسیده است .

نکته پید است که ظاهرا $\frac{1}{3}$ از کل زمینهای مزروعی به زارعین رسیده ، زیرا اگر سهم هر زارع را دو هکتار هم حساب کنیم مجموع زمینهای زارعین ۶۰ هکتار میشود و ۶۰ هکتار $\frac{1}{3}$ از ۳۰۰ هکتار زمین است نه $\frac{1}{3}$ از ۸۰۰ هکتار کل زمین های ده .

۵ بند آن متعلق به يك مالك است . که در دست مستاجر کار فرماست .

۱ / ۵ بند آن متعلق به ورثه يك خرده مالك عامه است که خود شکار می کند .

" " " " " " " " ۱ / ۵

این دو نفر خرده مالك همان دو خرده مالك هستند که در قنات و كيك آباد هم

صاحب ۴ بند گاو زمین هستند .

۳ . مالکیت قنات بالا بید :

زمینهای تحت آبیاری این قنات ۱۳ بند گاو است که بطور مشاع متعلق

به مالکین ده است و در حال حاضر در دست مستاجر کار فرماست .

۴ . مالکیت قنات حسین آباد :

زمینهای تحت آبیاری این قنات ۶ بند است که اربابی می باشد و در دست

مستاجر کار فرماست . فقط $\frac{۲}{۱۵}$ آن موقوفه است و در اجاره زارع مستاجر میباشد .

۵ . قنات آب بید :

$\frac{۲}{۳}$ آن بزرگ مالکی است که در دست مستاجر کار فرماست .

$\frac{۱}{۳}$ آن به خرده باغچه های دهقانان و بعضی از خوش نشینان می رود .

۶ . قنات نفیسی :

$\frac{۵}{۶}$ آن بزرگ مالکی است که در دست مستاجر کار فرماست و $\frac{۱}{۶}$ آن موقوفه است

که در دست زارع اجاره دار است .

همانطور که گفته شد در نتیجه مرحله دوم اصلاحات ارضی ظاهراً $\frac{۱}{۵}$ از تمام

آبها و زمینها اربابی و خرده مالکی به اختیار ۳۰ نفر زارع درآمد که بهر يك

۱ - ۲ هکتار زمین رسید . دو نفر هم از زارعین اجاره دار يك بند گاو زمین

و آب شدند .

بد و نفر زارع هم ۲۴ هکتار زمین فروخته شد که سالیانه ۲۰۰۰ نفری ۲۰۰۰ تومان قسط می دهند .

از ۴۰۰ خانوار ده فقط سی و چند نفر صاحب زمین شده اند و بقیه خوش نشینند .

وضع مالکین :

تمام مالکین زمین خود را به سرمایه داران شهری اجاره داده اند .
اجاره داران تراکتور و کمباین دارند و کارگر مزدور می گیرند . این اجاره داران - شهری وقتی محصول را با وسایل مدرن کشاورزی برداشت کردند از همان خارج ده بار کامیون کرده برای فروش به شهرها می برند و مردم ده رنگ گندم و سایر محصولات آنها را نمی بینند . حتی کارگر هم از جاهای دیگر با خود می آورند و بطور کلی اقتصادی جدا از اقتصاد ده ایجاد کرده اند .

در این ده اجاره داران استثمارگران واقعی هستند و کم کم جای مالکین را هم اشغال می کنند و زمین را از دست مالکین خارج می کنند . اینها سلف بخری هم می کنند و نتیجه رنج دهقانان را هم اینها می برند . دهقانان می گویند اینها در جاهای دیگر هم زمین دارند .

قریب به ۷۴۰ هکتار از زمینهای ده در اجاره این اجاره داران است و فقط ۶۰ هکتار در اختیار ۳۰ خانوار زارع می باشد .

۳۷ خانوار هم خوش نشین و بکلی بی زمین هستند .

وضع دهقانان :

همچنانکه گفتیم فقط ۳۰ زارع در این روستا هست که مجموعاً حداکثر

۶۰ هکتار زمین دارند دهقانان از تقسیم ظالمانه زمین بشدت ناراضی هستند و می گویند: "خمس و زکات زمین مالک را به دهقانان داده اند، زمین را روی - قالی و کار منقل و افور تقسیم کرده اند نه جلوی کشاورز و سرزمین".

اگر کشت تریاک آزاد نشده بود دهقانان بگلی ورشکست شده بودند زیرا آنها مجبورند سلف فروشی کنند. پنبه ای را که ۲۵ من آنرا سر محصول ۱۰۰ الی ۱۲۵ تومان می توانند بفروشند ششماه قبل از بدست آمدن محصول هفتاد تومان میفرشند دهقانان همیشه به شرکت تعاونی مقروض هستند و برای پرداخت وام شرکت تعاونی یا باید پول تنزیلی قرض کنند و یا سلف فروشی کنند ۲۰۰ نفر از این ده عضو شرکت تعاونی هستند.

دهقانان زمین خود را با تراکتور شخم می زنند ولی بزحمت می توانند تراکتور بدست آورند. دهقانی که محصول خود را پیش فروش کرده بود تا تراکتور کرایه کند به او اجاره نصیب دهند او می گفت معلوم است من یک هکتار زمین را می خواهم شخم بزنم و اجاره دار ۱۰۰ هکتار را معلوم است که صاحب تراکتور پولدار را ترجیح می دهد نه بی پول را.

دو سال است که تریاک کاری می کنند ۳۰ دهقان روپهم رفته ۶ هکتار تریاک کاری دارند و دولت تریاک را کیلویی ۶۵۰ تومان از آنها تحویل می گیرد. کنترل دولت شدید است و امکان فروش قاچاقی آن تقریباً دست نمی دهد. مقدار محصول سالیانه تریاک را معلوم نکردیم. تریاک کاری موقتا از ورشکستگی کامل ۳۰ زارع جلو - گیری کرده است.

وضع خوش‌نشینان :

چنانکه گفتیم این روستای ۴۰۰ خانواری ۳۷۰ خانوار خوش‌نشین دارد (به قول روستائیان) . وضع خوش‌نشینان ده بسیار وحشتناک است . بیگاری بیداد می‌کند . در تمام ایام سال بیش از ۲۰ روز تا یکماه در ده کار نیست و بقیه ایام سال خوش‌نشینان مجبورند به شیراز و اصفهان و شهرهای دیگر بروند و فعلگی کنند . خوش‌نشینان برای کندن و جمع آوری ریشه محک هم می‌روند . مزد کارگر ۷ تومان است . در روزهای تیغ‌زدن تریاک مزد به ۱۰ و ۱۲ تومان هم می‌رسد ولی این فقط ۲۰ روز در سال است . و تازه این دهقانان هستند که در هنگام کارهای مربوط به تریاک تا ۱۲ تومان هم مزد می‌دهند . مزد پرداختی اربابها حتی در هنگام بحبوحه کار هم از ۱۰ تومان تجاوز نمی‌کند . (اربابها تریاک کاری ندارند) .

یکی از خوش‌نشینان می‌گفت : " از روزی که اصلاً حیات ارضی روی کار آمد وضع طبقه کارگر * بدتر شده پسر می‌گوید بروم تا پرستم خریدار دارد کاری پیدا کنم . آخر این زندگی لختی پختی چه فایده دارد " .

* او " طبقه کارگر " را به معنای دقیقش به کار نمی‌برد ، منظورش " کارگر جماعت " است ، تصورش از کارگر همان کشاورزان بی زمین است .

ده شماره دو فسا
غیاث آباد

این روستا ۲۲۰ خانوار جمعیت دارد و محصولات مهم آن گندم
و جو و چغندر و پنبه و ترباک می باشد .
منابع آب :

آب زراعی این روستا از سه رشته قنات و ۶ تلمبه (چاه سطحی) تشکیل
شده است . اخیرا اداره تعاون و امور روستاها چاهی برای لوله کشی در روستا
زده است که آبش شور است و آشامیدنی نیست . مردم ده از این آب برای
شستشو استفاده می کنند .
باغبانهای روستا :

این روستا در حدود ۸ هکتار باغ دارد ، ۵ هکتار از این باغها
اربابی است و باغبان مزدور دارد ، ۳ هکتار از باغها نیز موقوفه عام است که

باغبان سهم بر روی آن کاری کند. بهره مالکانه در این باغها $\frac{5}{6}$ محصول است.

زمین های روستا و مالکیت آن :

در این روستا ۷۶۰ هکتار زمین آبی و ۷۰۰ هکتار زمین ریعی وجود دارد. قبل از اصلاحات ارضی قسمتی از زمین ها موقوفه عام و قسمتی از زمین ها متعلق به دو نفر مالک بود.

در مرحله اول اصلاحات ارضی ۶۰ هکتار زمین آبی که متعلق به یکی از مالکین بود به ۴ نفر دهقان واگذار گردید (فروخته شد). قسط سالیانه این ۶۰ هکتار ۱۲۰۰ تومان تعیین گردید.

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۸۳ هکتار زمین آبی موقوفه عام به اجاره ۵۶ نفر زارع درآمد. اجاره سالیانه این ۸۳ هکتار نیز - ۱۴۰۰۰ تومان تعیین شد. همچنین در همین مرحله، در زمین های مالک دیگر، شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه اجرا شد.

بهره مالکانه قبل از اصلاحات ارضی $\frac{4}{6}$ محصول بود، بنابراین $\frac{2}{6}$ زمینهای مالک سهم خود شد.

از ۶۲۰ هکتار زمین ۱۳۰ هکتار در اختیار ۷۵ نفر از زارعین قرار داده شد. و ۴۹۰ هکتار در اختیار مالک.

کل صاحب نسق های ده ۷۵ نفر بودند که به همین ۷۵ نفر هم زمین های فروخته شده در مرحله اول، و اجاره ای مرحله دوم و همچنین تقسیم به نسبت بهره مالکانه مالک دوم، رسیده است. بنابراین تقسیم زمین بین این ۷۵ نفر سه

تساوی صورت نگرفته است مثلا ۴ نفر از زارعین جمعا بیشتر از ۷۰ هکتار زمین دارند و ۵۶ نفر از کل ۷۵ نفر 'زمین اجاره‌ای موقوفه' عام را در اختیار دارند. کشاورزان این روستا به غیر از ۴ نفر مرحله 'اول' از یک تا ۴ هکتار زمین در اختیار دارند. چنانچه گفته شد در حدود ۷۰۰ هکتار زمین دیم هم در این روستا وجود دارد که به گفته دهقانان مالکیت شخصی ندارد. فقط در سالهای بارانی این زمینها را کشت می‌کنند. این زمین ها معمولا درآمدی برای کسی ندارد فقط اگر چاه عمیق بزنند تا من قابل استفاده می‌شود که آنها از عهده دهقانان بر نمی‌آید.

ب- مع مالکان :

چنانچه گفته شد مالک ۵۰۰ هکتار زمین دارد. او تراکتور و کمباین نیز دارد و در زمینهایش کارگر مزدور کار می‌کند. حدود ۳۰ نفر از خوش نشینان ده تلمبه چینی و کارگر او هستند.

و- مع دهقانان زمیندار :

چنانچه گفته شد از ۲۲۰ خانوار جمعیت ده ۷۵ خانوار دهقان زمیندار هستند. زمین این ۷۵ نفر با هم مساوی نیست و به غیر از چهار نفر که هر یک در حدود ۲۰ هکتار زمین دارند، بقیه از ۱ الی ۴ هکتار زمین دارند. کل زمینهای ۷۱ نفر ۲۱۳ هکتار است.

۵۶ نفر از این عده که زمینهای موقوفه عام را هم در اختیار دارند، باید برای هر هکتار ۱۷۰ تومان در سال اجاره بپردازند، ۷۵ دهقان صاحب زمین

روپه مورفته ۷۵ هكتار زمين زير كشت گندم دارند .

۵ هكتار زير كشت جودارند .

۳۵ هكتار زير كشت چغندر و پنبه دارند .

۱۶ هكتار زير كشت خشخاش دارند .

۵ / ۵ هكتار زير كشت هند اوانه و خربزه دارند .

۱۳۶ / ۵ هكتار كل اراضي زير كشت .

با توجه به اينكه كل زمين هاي متعلق به زارعين ' $۲۷۳ = ۱۳۰ + ۶۰ + ۸۳$ ' هكتار است ديده مي شود كه فقط نصف اين ۲۷۳ هكتار كشت مي شود و نصف آن

آيش گداشته مي شود .

• محصول هر هكتار گندم ۸۰۰ تن است .

• محصول هر هكتار چغندر ۳۰ تن است .

• محصول هر هكتار پنبه ۲ / ۵ تن است .

• درآمد هر هكتار تريك بطور متوسط ۹۰۰۰ تومان است .

• هند اوانه و خربزه هم باندازه خوراك خودشان كشت ميكنند و بفروش نميرسد .

• درآمد ناخالص ده هكتار زمين زير كشت گندم ۱۶۸۰ تومان و درآمد

ناخالص يك هكتار چغندر ۳۰۰۰ تومان است و درآمد ناخالص يك هكتار پنبه

نيز در همين حدود است از اين مقادير بايستي مخارج شخم و كود و بذر

و احياناً كارگر را كسر نمود .

• دهقانان با تراكتور زمينشان را شخم مي زنند و تراكتور را هكتاري ۶۰ تومان

كرايه مي كنند ولي در روز بوسيله كارگر دروگر انجام مي دهند .

در هنگام تیغ زدن خشخاش نیز احتیاج به کارگر زیاد است و چون در این منطقه در روزهای تیغ زدن خشخاش در تمام دهات به کارگر نیاز هست مزد کارگر (در این بیست روز) نسبتا بالاست و تا ۱۵ تومان نیز می رسد .

دهقانان همیشه مقروض هستند و بغیر از معدودی از آنها که زمین زیادتری دارند ، بقیه در وضع فقیرانه و رقت انگیزی زندگی می کنند .

از شرکت تعاونی وام می گیرند . شرکت تعاونی از ۳۰۰ تا ۱۲۰۰ تومان وام می دهد . وام از شرکت تعاونی همیشه منجر به وام از رباخواران می شود ، وام رباخواران بهره های سنگین دارد .

دهقانان مختصر دامداری هم دارند ، در ده ۱۰۰۰ گوسفند هست . چند نفری هستند که تا ۲۰۰ رأس گوسفند دارند . بقیه هم به تفاوت از ۲ گوسفند به بالا دارند . بسیاری از خانوارها هم هیچ گوسفند ندارند .

وضع خوش نشینان :

از ۲۲۰ خانوار جمعیت ده ۱۴۵ خانوار خوش نشین هستند و اگر تعداد جوانان از ۱۸ سال بیالا را حساب کنیم (مرد ها) تعداد خوش نشینان به ۳۰۰ نفر می رسد در این روستا بغیر از ۲۰ روز از سال که کار زیاد است ، بقیه سال بیکاری بیداد می کند . فقط برای ۲۰ نفر از خوش نشینان روی زمین های مالک کار هست . بقیه خوش نشینان به دنبال کار سرگردانند و از این شهر به آن شهر می روند . زنان خوش نشین هم در پنبه چینی و درو — سایر کارهای کشاورزی شرکت دارند و مزد آنها از ۲۵ ریال در روز تجاوز نمی کند . مزد پنبه چینی منی ۲ ریال است . آنها حد اکثر روزی ۱۵-۱۰ من پنبه

می‌چینند . زنان دهقانان صاحب زمین نیز در کارهای کشاورزی حتی در روئیزی
 به شوهر خود کمک می‌کنند و حتی زنان وقتی که حامله هم هستند تا آخرین
 روزهای قبل از زایمان در این طور کارهای سخت شرکت می‌کنند . زنی هنگام
 برگشتن از درو در راه خانه وضع حمل کرده بود ، این طور حوادث غیر عادی
 نیست و مردم ده از این موضوع تعجب نمی‌کنند .

ده شماره سه فسا
دولت آبار

این روستا ۱۰۰ خانوار جمعیت دارد .

محصولات مهم این روستا گندم ، جو ، و پنبه و چغندر است .

منابع آب :

چون در حدود ۷ سال پیش آب قنات روستا خشک شده است ، دهقانان و مالکین ، تلمبه روی چاههای سطحی کار گذاشته اند . جمعا ۹ تلمبه چاه سطحی در روستا وجود دارد که مالکیت یک آنها در سطور بعد توضیح داده خواهد شد .
زمین های روستا و مالکیت آنها :

قبل از اصلاحات ارضی ده متعلق به ۳ مالک بود که هر سه بطور مساوی

زمین داشتند . بهره مالکانه پس از کسر هزینه شخم و کود $\frac{۲}{۴}$ محصول بود .

کل زمینهای آبی ده ۳۶۰ هکتار است . در همین حدود هم زمین دیمی وجود

دارد. در مرحله دوم اصلاحات ارضی $\frac{1}{4}$ زمین های آبی بین ۱۸ نفر زارعین آنها بطور مساوی تقسیم شد. چون مالکین این روستا از فئودالهای بزرگ منطقه نیستند نتوانستند اعمال نفوذ کنند درست $\frac{1}{4}$ از زمین ها، البته نه زمینهای مرغوب، به زارعین صاحب نسق رسیده است، یعنی ۹۰ هکتار زمین آبی بین ۱۸ نفر تقسیم شده. همچنین ۲۰۰ هکتار زمین دیمی بین ۸۰ خانوار (خوش نشین و صاحب نسق) تقسیم گشت. ۶۰۰ هکتار زمین دیمی هم بین ۲۱ نفر گسه از زمین های آبی سهمی نمی بردند تقسیم شد. به غیر از اینها به ۸ نفر دیگر از خوش نشینان هم ۱۵ - ۱۰ هکتار زمین دیم رسید.

به این ترتیب دهقانان صاحب زمین در این روستا چند گروه هستند:

۱. گروهی که ۱۸ نفرند و نفری ۴ هکتار و خرده ای زمین آبی و بعضی

از آنها ۲ هکتار و خرده ای هم زمین دیمی دارند.

۲. گروهی ۲۱ نفری از خوش نشینان که نفری ۴ هکتار زمین دیمی دارند.

۳. گروهی ۸ نفری از خوش نشینان که نفری یک هکتار و خرده ای زمین

دیمی دارند.

۴. گروهی خوش نشین که عده شان حدود ۶۰ نفر است و نفری ۲ هکتار و

خرده ای زمین دیمی دارند. ولی در واقع به علت بی آبی چند سال اخیر

و خشک شدن قنات، تمام گروهها وضع یکسانی دارند. چون آنها بی هم گسه

زمین آبی داشته اند، اکنون زمینشان بی آب است و مجبور شده اند تلمبه بزنند،

همان کاری که صاحبان زمین های دیمی هم کرده اند.

مالکین هم در این روستا ۲۷۰ هکتار زمین دارند ($\frac{3}{4}$ کل زمین های آبی).

تعداد افراد بی زمین در این روستا زیاد نیست و اگر مردم چند وجهی زمین

در کوه و بیابان دارند .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد مالکین این ده تقریباً خرده مالک به حساب می آیند . مالکین زمین ها را به يك نفر اجاره داده اند یا قرار داد دیگری با او دارند (قرار داد بین او و مالک ها از نظر دهقانان روشن نیست) و او بوسیله چهار دهقان سهم هر که $\frac{1}{6}$ محصول را سهم می برند زمین ها را اداره می کند . البته تعدادی کارگر هم می گیرند . زمین ها را هم بوسیله سه تلمبه آبیاری می کند . این شخص دامد یکی از مالکین است .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد اکثر خانوارهای ده دارای مقداری زمین هستند . بعضی بی آبی دهقانان مجبور شده اند با قرض از این طرف ، آن طرف تلمبه های بخرند و زمین ها را بوسیله چاههای سطحی آبیاری کنند . گرچه مخارج گازوئیل و کارگر تلمبه زیاد است و گرچه باید نزول پول بدهند ولی باز هم خرید تلمبه آنها را موقتاً از ورشکستگی کامل نجات می دهد و تا چند سالی که آب چاه زیاد است و تلمبه هنوز سر به خراج نگذاشته دهقانان می توانند از زمین بخور و نمیری بدست بیاورند و در ده بند شوند .

گروه ۸ نفری که ۱۵-۱۰ هکتار زمین دارند با قرض از بانگ کشاورزی (۲۴۰۰۰- تومان) با ربح ۶٪ و مدت ۳ سال يك چاه زده اند . گروه ۲۱ نفری که در حدود ۹۰ هکتار زمین دیمی دارند ۳ تلمبه زده اند و گروه ۱۸ نفری صاحب نسق ها

ک. ۹۰ هکتار زمین آبی دارند و بعضی از آنها مقداری زمین دیم هم دارند، برای زمین های آبی خود باوام گرفتن از بانگ کشاورزی ۲ تلمبه زده اند . هزینه تلمبه ها به غیر از استهلاك موتور نفری ۶۰۰ تومان در سال است. (البته این هزینه در گروه های مختلف دهقانان فرق می کند) قسط های وام های بانگ همچنان بر دوش دهقانان سنگینی می کند و دهقانان مقروض هستند . درآمد های دهقانان به قرار زیر است :

گروه ۱۸ نفری سالیانه هر نفر ۸۰۰ من گندم ، ۱۰۰۰ من جو ، ۲۰۰۰ من پنبه و ۱۰ تن چغندر دارند . درآمد سالیانه ۸ نفر : هر نفر ۲۰۰ من گندم ، بعضی سالها ۱۰۰ من نخود ، ۱۵۰۰ من پنبه و ۱۰ تن چغندر . درآمد ۲۱ نفر مانند ۱۸ نفر است . البته بایستی مخارج دیگر تولید (بخیر از تلمبه) را به حساب آورد و همچنین در نظر داشت که دهقانان بایستی از این درآمد قسط بانگ را هم بپردازند .
وضع خوش نشینان :

خوش نشینان اعم از کسانی که مقداری زمین دیم نصیبشان شده و کسانی که اصلا زمین ندارند روی زمین های مالکین در دهات اطراف کار می کنند و یا به شهرها برای فعلگی می روند .
دامداری :

حدود ۱۰۰۰ گوسفند در ده هست که دهقانان به تفاوت از ۱۰ الی ۱۰۰ - گوسفند دارند . یک نفر هم در ده هست که ۱۵۰ گوسفند دارد . شرکت تعاونی لاهست و ۲۲۰ عضو دارد * (از دهات دیگر هم عضو هستند)
و از ۳۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان وام می دهد .

زمین و مالکیت آن :

این روستا حدود ۶۰۰ هکتار زمین زراعی دارد . در ده دوزره دوزره وجود دارد . در مرحله دوم اصلاحات ارضی ظاهراً $\frac{1}{3}$ زمین های مزرعه اول را بهین ۲۶ نفر زارعین آن تقسیم کردند و $\frac{2}{3}$ زمین ها را به مالک دادند . علاوه بر سهم زارعین خیلی کمتر از $\frac{1}{3}$ زمین ها شد . بطوریکه ۲۶ نفر زارع مزرعه اول و همین تعداد زارعین مزرعه دوم هر یک کمی بیشتر از ۲ هکتار زمین دارند .

از ۱۲۰ خانوار جمعیت ده ، بیشتر از ۶۵ خانوار خوش نشین هستند .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد مالکین بیشتر از $\frac{2}{3}$ از زمین های مرغوب و هموار ده را (بیشتر از ۵۰۰ هکتار) در دست دارند . زمین مالکین مکانیزه است . ۳ تراکتور دارند و کمباین را اجاره می کنند . با اینکه مالکین بیشتر آب قناتهای روستا را به خود اختصاص داده اند ولی به خاطر اینکه زمین های مکانیزه خود را توسعه داده اند مجبور شده اند ۲ تلمبه هم برای آبیاری زمین ها داشته باشند .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد از ۱۲۰ خانوار جمعیت ده ، حدود ۵۰ خانوار صاحب زمین هستند . ولی در واقع طبق معمول تکه هایی از زمین خشک و ناهموار ده را به دهقانان داده اند . حد اکثر زمینی که به دهقانان رسیده است

۲/۵ هکتار است . بیشتر دهقانان از دو هکتار بیشتر زمین ندارند . دهقان یک هکتاری نیز کم نیست .

چون به اندازه همان $\frac{1}{5}$ زمین هم به دهقانان سهم آب داده نشده آنها مجبور شده اند با قرض از بانک کشاورزی ۲ تلمبه بزنند . مثلا یک گروه ۲۶ نفری آنها ۱۸۰۰۰ تومان از بانک کشاورزی با بهره ۶٪ در مدت ۹ ماه قرض کردند . ولی هنوز بعد از ۵ سال نتوانسته اند به هکاری خود را بپردازند . هر سال فقط بهره پول را می پردازند و مدت وام را تمدید می کنند . بهره پول هم بالا می رود و در صورت تمدید بهره پول ۸٪ می شود . مثلا بهره ۲۰۰۰ تومان با نرخ ۸٪ ۱۶۰۰ تومان می شود .

دهقانی که ۲۰۰۰ تومان از بانک کشاورزی قرض کرده و ۸٪ بهره می پردازد باید سالی ۱۶۰ تومان فقط بهره پول بدهد . تازه تلمبه ها هم همیشه خراب است . خلاصه دهقانان همیشه مقروض هستند و اگر کشت خشخاش نبود به کلی ورشکسته می شدند . فروش محصول تریاک تا اندازه ای تعادل اقتصادی زندگی دهقانان را حفظ کرده است و موقتا از ورشکستگی کامل آنها جلوگیری کرده است .

درآمد ناخالص یک دهقان که دو هکتار زمین دارد به قرار زیر است:

گندم ۳۰۰ من

چغندر ۱۰ تن

زارعین و مالک جمعا ۹ هکتار زمین زیر کشت تریاک دارند که ۶ هکتار آن متعلق به زارعین و ۳ هکتار متعلق به مالک است .

وضع خوش نشینان :

از ۱۲۰ خانوار جمعیت ده ۶۵۰ خانوار خوش نشین هستند .

خوش نشینان در ده و شهر فعلگی می کنند .

* * * *

شرکت تعاونی در این روستا ۱۲۰ عضو دارد .

ده دبستان ۴ کلاسه دارد که ۱۲۰ نفر دانش آموز در آن درس میخوانند .

روستاهای داراب :

- ۱ - خیر آباد
- ۲ - خسویه
- ۳ - ساچون
- ۴ - باینوج
- ۵ - شمس آباد
- ۶ - مادوان
- ۷ - ح. بن آباد
- ۸ - گوهجرد
- ۹ - آب گوئیه
- ۱۰ - زین آباد
- ۱۱ - برگان
- ۱۲ - ده خیر سفلی
- ۱۳ - گدویه
- ۱۴ - گزونه و گازیان

تعارف و تعارف

۱- تعارف

۲- تعارف

۳- تعارف

۴- تعارف

۵- تعارف

۶- تعارف

۷- تعارف

۸- تعارف

۹- تعارف

۱۰- تعارف

۱۱- تعارف

۱۲- تعارف

۱۳- تعارف

۱۴- تعارف

۱۵- تعارف

باز

ده شماره يك د اراب

خيرآباد

خيرآباد دهی است با ۶۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم ، پنبه و تریاک است .

منابع آب روستا :

از سالها قبل تنها منبع آب روستا رود خانهای بوده است که از ۶ فرسنگی ده میگذرد . آب آن را با جدول بندی ، به زمین های زراعی روستا می آورند و زمین ها را آبیاری می کردند .

ه سال پیش جدول بندی را سیل برد و خراب کرد و از آن بهمد دیگر زارعین نتوانستند جدول بندی را تعمیر کنند و آب رودخانه را به ده بیاورند . ناچار

هم مالکین و هم دهقانان جمعا ۷ تلمبه زدند .

باغهای روستا :

در این روستا ۲ هکتار باغ هست که ۵ هکتار آن اربابی است و در اجاره چند اجاره دار ترار دارد . اجاره داران باغبان می گیرند ؛ ۲ هکتار باغ هم متعلق به دهقانان است .

زمین های روستا و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی زمین های روستا متعلق به ۴ مالک بود . در مرحله دوم اصلاحات ارضی یکی از مالکین با حیله و نیرنگ حق ریشه ۱۲ نفر زارع زمین های خود را خرید . به این ترتیب که با دادن ناهاری به زارعین از آنها روی کاغذ امضاء گرفت زارعین بدون اینکه بدانند کاغذ چیست آنرا امضاء کردند و بعدا متوجه شدند که این امضاء ها توافق فروش حق ریشه بوده است . ۳ مالک دیگر زمین ها را به نسبت بهره مالکانه تقسیم کردند . $\frac{1}{4}$ از زمین ها به ۲۸ نفر دهقان رسید و $\frac{3}{4}$ سهم مالکین شد . زمین دهقانان تکه تکه و جدا از هم در دامنه تپه ها است و زمین مالکین هموار و یک قطعه است . همچنین از ۶۰ خانوار جمعیت ده ۲۴ خانوار خوش نشین و بکلی بی زمین هستند .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد یکی از مالکین این روستا حق ریشه دهقانان را خرید

و زمینهای خود را تماما حفظ کرد . او اکنون زمین های را با بهای ۲۵۰۰۰ تومان

در سال به دو نفر اجاره داده است .

۳ مالک دیگر نیز فقط تکه تکه ایی پراکنده از زمینها را به دهقانان دادند

و خود اکنون مالک مقدار زیادی از زمین ها هستند . آنها نیز زمین های خود را با بهای ۳۶۰۰۰ تومان در سال به ۶ نفر اجاره داده اند . علت اینکه مالکین خود با وسایل مکانیزه و کارگر زمین ها را کشت نمی کنند و خودشان در اداره زمین ها دخالت ندارند ، اینستکه به علت خراب شدن جدول بندی ، آب رودخانه به روستا نمی رسد و در نتیجه زمین های زراعی بی آب هستند . تلمبه هم در صورتیکه هیچ منبع طبیعی آب دیگری مثل چشمه ، رودخانه یا قنات در ده نباشد ، نمی تواند زمین ها را سیراب کند و اگر تعداد تلمبه ها را زیاده کند اولاً هزینه آن زیاد خواهد شد و صرف نخواهد داشت ، ثانیاً تعداد زیاد چاه در یک منطقه باعث کم آبی چاهها می شود . زیرا میزان آب در عمق معینی از زمین ، در یک منطقه محدود است . به همین دلیل مالکین زمین های خود را با قیمت سنگینی اجاره داده اند و خود را از شر درد سرهای آن راحت کرده اند .

وضع اجاره داران :

اجاره داران جمعا ۸ نفر هستند ، دو دسته اند . دسته ۶ نفری و — دسته ۲ نفری . دسته ۶ نفری ۳ تلمبه دارند و اجاره سالیانه شان ۳۶۰۰۰ تومان است . دسته ۲ نفری ۲ تلمبه دارند و اجاره سالیانه شان ۲۵۰۰۰ تومان است .

درآمد ناخالص ۶ نفر اجاره دار در سال گذشته به قرار زیر است :

پنبه ۱۵۰۰۰ من

گندم ۳۰۰۰۰ من

ولی باید توجه داشت که مخارج تولید، از قبیل کرایه تراکتور و کمباین و مخارج تلمبه و مزد کارگران را باید از این درآمد ناخالص سالیانه کم کرد.

بطوریکه خود اجاره داران و حتی دهقانان می گویند به علت خرج زیاد و همچنین اجاره سنگین ظالمانه اجاره داران اگر مقروض هستند. وقتی از دهقانان راجع به اجاره داران بررسی جواب می دهند:

"اگرما ۲-۳ هزار تومان مقروض هستیم اجاره داران ۷۰-۶۰ هزار تومان بد کار هستند."

با همه این احوال روشن است که اجاره داران دارای سرمایه بیشتری از دهقانان هستند و از نظر طبقاتی نمیتوان آنها را دهقان به حساب آورد. نقش آنها در تولید نیز با نقش دهقان متفاوت است زیرا تولید کننده مستقیم نیستند و بیشتر کارهای تولیدی زمین های تحت اجاره آنها بوسیله کارگر مزدور انجام می شود.

در آغاز هم که مالک زمین ها را به آنها واگذار کرده، از درآمد آنان مهم روستا بوده اند که دامهای خود را فروخته و با سرمایه حاصل از آن سرمایه گذاری های لازم را روی زمینهای ارباب کرده اند.

به هر حال هر چه بوده اند، اکنون ورشکسته شده اند. زیرا سرمایه های اندک آنها، آنهم روی زمین خشک و بی آب نمی تواند با سرمایه های مالکین اطراف رقابت کند.

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد از ۶۰ خانوار جمعیت ده در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۲۸ خانوار صاحب زمین شدند . زمین های آنها تکه تکه و پراکنده و اغلب رویهمرفته ۲ هکتاری هستند . البته دهقانانی هم هستند که ۳ هکتار زمین داشته باشند .

چنانچه گفته شد زمین دهقانان بکلی بی آب بود . بناچار در سال ۴۵ به دو گروه ۱۴ نفری تقسیم شدند و ۲ تلمبه زدند . قیمت هر تلمبه ۱۶۰۰۰ تومان بود و آنها پول آن را از بانگ کشاورزی قرض گرفته بودند . دهقانان نتوانستند خوش قولی کنند و قرض را سر موعد بپردازند تا امسال که پول فروش تریاک ها را به بانگ دادند . ولی حالا دیگر بانگ به آنها قرض نمی دهد و آنها ناچارند سلف فروشی کنند یا از رباخواران شهری پول قرض کنند .

درآمد ناخالص یک دهقان در سال گذشته :

گندم	۱۰۰ من	(۲۵ من تخم ریخته بودند)
جو		(در این روستا جو نمی کارند)
پنبه		از بی بی آبی کشت نکردند .
تریاک	۵ - ۱ کیلو	

دهقانان با تراکتور شخم می زنند و تراکتور را هکتاری ۶۰ - ۵۰

تومان کرایه می کنند .

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد از ۶۰ خانوار جمعیت ده ۲۴ خانوار خوش نشین

ده شماره دوداراب

خسویه

خسویه دهی است با ۳۰۰ خانوار جمعیت .

محصولات مهم این روستا گندم ، جو ، و پنبه است . محصولات باغهای این روستا
خرما ، پرتغال ، نارنج و انار است .
منابع آب روستا :

آب این روستا از رودخانه و چشمه تامین می شود . ۱۰ تلمبه چاه سطحی
هم در ده هست که ه تای آنها متعلق به دهقانان و یکی متعلق به مالک است .
باغهای روستا :

در این روستا در حدود ۲۵ هکتار باغ وجود دارد که ۱۵ هکتار
آن مالکی و در حدود ۱۰ هکتار آن متعلق به دهقانان است . مالکان باغبان
دارند . حقوق باغبان ماهی ۱۲۰ تومان است . یکی از مالکان هم باغش را اجاره

داده است . اجاره سالیانه باغ این مالک ۲۰۰۰۰ تومان است .

آب آبیاری باغهای مالکین از رودخانه و چشمه تامین می شود فقط یکی از مالکین برای باغ خود تلمبه روی چاه سطحی گذاشته است . آب آبیاری باغهای دهقانان از ۷ تلمبه تامین می شود .

چنانکه گفته شد حدود ۲۰۰ نفر از دهقانان جمعا ۳۰۰ من باغ (۱۰ هکتار) دارند :

۴ نفر هر کدام ۱ هکتار باغ دارند .

۵ نفر هر کدام $\frac{1}{4}$ هکتار باغ دارند .

۶ نفر هر کدام $\frac{1}{4}$ هکتار باغ دارند .

بقیه هر کدام ۲-۳ من باغ دارند .

بعضی از باغها را دهقانان بعد از اصلاحات ارضی احداث کرده اند . ولی مقداری از باغها را نیز قبل از اصلاحات ارضی داشته اند . به این ترتیب که مالک برای اینکه از فرار دهقانان جلوگیری کند به هر کدام از آنها تکه زمینی کوچکی واگذار کرد که آنها هم آن را به باغ تبدیل کرده بودند .

زمین و مالکیت آن :

کل زمینهای مزروعی آبی ده ۵۰۰ هکتار است .

قبل از اصلاحات ارضی ششدهنگاره اربابی بود . در مرحله اول اصلاحات ارضی ۱۰۰۰۰ من زمین ریسی به ۱۳۰ نفر زارع فروخته شد ، یعنی به هر دهقان ۷۵ من زمین بی آب رسید ، ۷۵ من زمین تقریبا ۲ هکتار است . قسط سالیانه هر نفر ۱۵ تومان تعیین شد و در نتیجه قسط ۱۳۰ نفر در سال

۲۰۰۰ تومان است .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی که در سال ۴۴ انجام شد $\frac{1}{4}$ زمین های آبی ده به ۱۰۹ نفر دهقان رسید . مقدار زمینی که در این مرحله به هر دهقان رسید تقریباً یک هکتار است .

به این ترتیب جمعا ۲۳۹ نفر صاحب زمین شدند .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد ، بعد از تقسیم زمین در مرحله دوم اصلاحات ارضی بیشتر از $\frac{3}{4}$ زمین های ده یعنی حدود ۴۰۰ هکتار زمین سهم مالکین شد . مالکین این روستا در بسیاری از روستاهای منطقه زمین دارند و با نفوذ خود در دستگاههای اداری در همه جا کارها را به نفع خود تمام کرده اند . مثلاً در این روستا زمین های دور افتاده از آب و تپه مهور را به دهقانان داده اند و هر چه زمین هموار و کنار آب بوده ، خودشان برداشته اند . زمین مالکان مکانیزه است . ۱۰ تراکتور دارد و ۵ کمباین . مزد کارگر در زمین های مالک ۶-۵ تومان است .

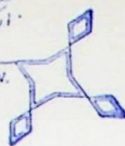
وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد جمعا ۲۳۹ خانوار دهقان زمیندار در این روستا هست . ۱۳۰ خانوار از این عده زمین دیمی دارند . زمین دیمی خشک و بدون آب . این ها تا بحال خیلی کوشش کرده اند که آبی از زمین بیرون بکشند و زمین خشک و ترک خورده شان را تم کنند ولی رنج آنها بی حاصل مانده است . تا بحال

ده روزه تا چاه زده اند ولی هیچیک به آب نرسیده است. آنها حتی به چاه
گروه ۲۷ نفری تقسیم شدند و با قرض از این طرف و آنطرف ۴ تلمبه خریدند.
سه گروه به آب نرسیدند و مجبور شدند تلمبه را با کلی ضرر بفروشند. یک گروه
به آب رسید ولی تلمبه هنوز کار نکرده ترکید و داغان شد.
این گروه دهقانان وضعشان مثک خوش نشین هاست، شاید از آنها هم بدتر.
زیرا خوش نشین ها به کویت و روسی می روند ولی اینها بخاطر همین چند
وجوب زمین بی حاصل در ده ماندگار شده اند.

۱۰۹ خانوار دهقان نیز زمین آبی دارند. البته زمین آبی فقط اسم است
زیرا زمین آنها هم از خشکی ترك برداشته است. آب چشمه و رودخانه ده به
زمینهای مالکین می رود و دهقانان زمین هایی دارند در دامنه کوه. اینها
هم بجا گروه ۴۵ نفری تقسیم شدند و در عدد تلمبه خریدند. پول تلمبه ها
را از يك رباخوار شهری قرض کردند و به جزی پول به او سلف^{پنبه} فروختند.
به قول خودشان تلمبه ها یکی ۱۵ هزار تومان است ولی در نتیجه اینکه پنبه
تنی ۱۶۰۰ تومان را قبل از برداشت محصول ۷۰۰ تومان فروختند و همچنین
یکسال پنبه را آفت زد و نزول روی نزول آمد، هر تلمبه برایشان بیش از ۶۰-۵۰
هزار تومان تمام شد (به قول خودشان) .

اکنون قرض تلمبه ها را داده اند ولی چاه خراب شده و دهقانان بودجه
درست کردن چاهها را ندارند.
اینها از آفت زدگی محصول شکایت دارند و می گویند سپاه ترویج مجبورمان میکند
سم بپاشیم ولی وقتی سم می پاشیم بدتر می شود.
به طور کلی دهقانان همیشه مقروض هستند و از شرکت تعاونی هم وام میگیرند.



آنها از رباخواران وام‌هایی با بهره ۵٪ در ماه می‌گیرند و روز به روز بیشتر زیر بار قرض می‌روند.

دهقانان زمین را با تراکتور شخم می‌زنند. تراکتور را هکتاری ۶۰ تومان اجاره می‌کنند. اجاره دهنده تراکتور اهل دهات اطراف است. دهقانان اگر کمباین نیز گیرشان بیاید با کمباین درو می‌کنند. کرایه کمباین از ۱۲٪ تا ۴۰٪ محصول است.

دهقانان به این علت خواستار درو با کمباین هستند که بتوانند زودتر محصول گندم را از زمین بردارند و به گشت پنبه برسند.

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد ۶۰ خانوار از جمعیت این روستا خوش نشین هستند. خوش نشینان اغلب برای کار به کویت و رویی و اصفهان می‌روند.

دامداری :

جمعا ۷۰۰ - ۶۰۰ گوسفند در ده هست که بعضی خانوارها ۶ - ۵ گوسفند دارند. بسیاری از خانوارها اصلا گوسفند ندارند و چند خانوار هم هستند که ۷۰ - ۶۰ رأس گوسفند دارند.

* * * *

در ده ۱۲ تا ۱۵ دکان هست که نسیه می‌دهند. مثلا ۲۵ من گندم را که قیمتش ۶۰ تومان است ۱۱۰ تومان حساب می‌کنند. دهقانان می‌گویند: پارسال

وضع بقدری خواب بود که ما اگر گدَم پیدا می کردیم حاضر بودیم ۲۵ من آنرا
تقدرا ۱۱۰ تومان بخریم چه رسد به نسیه .

ده دوردستان دارد که یکی پسرانه و دیگری دخترانه است .

مجموعه کتب و اسناد
کتابخانه

کتابخانه

ده شماره سه داراب

ساچون

ساچون د هسی است کم آب و خشک با ۱۰۳ خانوار جمعیت . در این روستا اگر محصولی باشد ، گندم و جو و شاید پنبه به عمل می آید .
منابع آب روستا :

آب زراعی روستا از قناتی است که آب آن شور است و قابل استفاده نیست .
برای جبران این بی آبی زارعین ۲ تلمبه زده اند و مالک هم که هنوز اجها را ، بر -
خلاف میل خودش زده ، زمین دارد یک تلمبه زده است .
زمین و مالکیت آن :

چنانکه گفته شد زمینهای روستا خشک و کم آب است و مالکین این روستا
با میل و رغبت خواستار فروش زمین به دهقانان بوده اند .
در مرحله اول اصلاحات ارضی $\frac{3}{4}$ دانگ از شش دانگ ده به ۲۴ نفر زارع فروخته

شد . قسط سالیانه نیز تعیین گردید ولی دهقانان به علت خشکسالی تا بحال نتوانسته‌اند قسط سالیانه بپردازند . همچنین در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۱/۵ دانگ از شش دانگ ده که موقوفه بود به اجاره ۹۹ ساله ۲۴ نفر از زارعین درآمد که اجاره سالیانه آن ۵۵۰۰ تومان تعیین گردید . روشن است که قیمت اجاره برای دهقانان سنگین است و دهقانان با کار فعلگی پول اجاره را تهیه کرده می‌پردازند .

بقیه زمین ها (کمتر از ۴ دانگ) که متعلق به مالک دیگری بود به نسبت بهره مالکانه بین مالک و ۲۴ نفر از زارعین تقسیم شد . به این ترتیب که $\frac{1}{4}$ زمین ها بین ۲۴ نفر زارع تقسیم گشت و به هر یک ۱۰۰ من زمین رسید که تقریباً ۳ هکتار می‌شود . $\frac{3}{4}$ از زمین ها هم سهم مالک شد یعنی تقریباً بیشتر از دو دانگ و نیم از زمین ها را مالک تصاحب کرد . البته بعد از مدتی متوجه شد که زمین بی آب و کم حاصل به درد نمی‌خورد و کم کم شروع بفرختن زمین ها کرد . چند نفر از دامداران ده ، که ایلیات هستند ، دامهایشان را فروختند و از مالک زمین خریدند . این ها در حدود ۶-۵ نفر هستند و جمعا $\frac{1}{8}$ دانگ از زمین های سهم مالک را خرید هاند . قیمت هر نیم دانگ ۸ هزار تومان توافق شد .

وضع مالکین :

چنانکه گفته شد مالکین ، خود با رغبت حاضر بودند زمین های خود را به دهقانان بفروشند زیرا زمین های خشک و کم حاصل این روستا منافع کلان برای آنها بیار نمی‌آورد . به این جهت ، یکی از آنها در مرحله اول زمین هایش را به دهقانان فروخت و دیگری که در آغاز طمع کرده بود و نگ داشته بود زمین هایش

در مرحله اول فروخته شود، بعد از تقسیم به نسبت بهره مالکانه، وقتی که متوجه شد خشکسالی بیدار می‌گردد و زدن چاه عمیق هم در این روستا، برایش صرف ندارد، شروع بفروختن زمین‌ها کرد. هم اکنون مالک دومی $1/5$ دانگ زمین دارد و به کمک تلمبه زمین‌های باقیمانده را آبیاری می‌کند و در ضمن تلاش می‌کند که بقیه زمینها را نیز بفروشد. مالک ظاهراً بمنوان اجاره زمین‌هایش را به دست دهقانان داده است ولی در واقع $3/4$ محصول بهره مالکانه می‌گیرد و در واقع در روی $1/5$ دانگ زمین‌های او هنوز رابطه سهم بری برقرار است.

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد از ۱۰۳ خانوار جمعیت ده ۲۴ نفر صاحب زمین شدند. قسمتی از زمین آنها اجاره‌ای است که سالیانه ۲۳۰ تومان اجاره بدهند و چون اجاره موقوفه عام است آن را دقیقاً می‌گیرند. دهقانان مجبورند فعلگی کنند و اجاره بها را بپردازند. ۱۹۰ نفر از دهقانان دو گروه شده‌اند و تلمبه کار گذاشته‌اند. پول تلمبه‌ها را از ربا خوار قرض کرده‌اند یا از فروش دامهایشان بدست آورده‌اند ولی اکنون چنانچه می‌گویند بدکار هستند و نمیتوانند بدعی خود را بپردازند ناچار مجبور می‌شوند تلمبه‌های خود را به ایلپاتی‌هایی که تازه از مالک زمین خریده‌اند بفروشند.

۶ نفر از ایلپاتی هم که قبلاً دامداری میکردند و از ارباب زمین خریده‌اند صاحب $1/8$ دانگ از ده هستند و یک تلمبه هم زده‌اند بنابراین وضع آنها از زارعین قبلی به مراتب بهتر است.

درآمد یک دهقان ۳ هکتاری در سال گذشته از این قرار بود :

گندم ۳۰۰ من (هر من ۳ کیلو است)

جو نکاشتنند

پنبه چون آب کافی نداشته کشت نکردند .

دهقانان می گویند اگر خشکسالی نباشد و باران بیاید بخور نمیری داریم و در ده ماندگار می شویم ولی در صورت خشکسالی به کویت و رویی و بقیه شیخ نشین ها می رویم و در آنجا کار می کنیم .

از اهل این ده اکنون ۴۰-۳۰ نفر در کویت و رویی هستند . خرج کویت رفتن به طور قاچاق برای هر نفر ۳۰۰۰ تومان است و دهقانان و خوش نشینان به هر درمی زنند تا این ۳۰۰۰ تومان را فراهم کنند و به یکی از شیخ نشین ها برونند .

وضع خوش نشینان :

از ۱۰۳ خانوار جمعیت ده ۸۰ خانوار خوش نشین هستند که این ها همیشه سرگردان می باشند زیرا دهقانان سالهای بارندگی را در ده می مانند ولی این ها همیشه مجبور هستند دنبال کار بدوند . چنانکه گفته شد بیشتر به شیخ نشین های خلیج فارس می روند و چند سالی می مانند .

دامداری

در این روستا ۱۲-۱۰ خانوار دامدار هستند و هر یک ۱۰۰-۴۰

گوسفند دارند .

ده شماره چهار راراب

باینه ————— وج

این روستا ۱۴۰ خانوار جمعیت دارد و از جاده های اصلی بسیار دور افتاده است . فقری که در چهره مردم این روستا مشاهده می شود در اولین برخورد با روستائیان ، سخت به چشم می زند بطوریکه حتی در بین روستاهای اطراف استثنائی است . روستا ، در وسط بیابان خشک با چهره های غبار گرفته مردم و وحشت غیرعادی آنها از یک شخص تازه وارد سخت پرت افتاده مینماید .
منابع آب :

قنات این روستا خشک شده ولی چشمه اش کمی آب می دهد . در عوض ۸ تلمبه کار گذاشته اند .

زمین و مالکیت :

قبل از اصلاحات ارضی ده متعلق به ۵- مالک بوده است ؛ ۶ هکتار از زمین

ها هم موقوفه بوده که اکنون در اجاره ۹۹ ساله ۳ زارع است . (سالی ۴۵۰۰ تومان) .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی زمین های روستا^۱ به نسبت بهره مالکانه بیین زارعین و مالکین تقسیم کردند . قرار شد $\frac{1}{4}$ زمینها سهم زارعین گردد و $\frac{3}{4}$ زمین ها سهم مالکین باشد . به ۹۰ نفر زارع در حدود ۱۸۰ هکتار زمین رسید . بعضی از زارعین بیشتر از ۲ هکتار زمین دارند و بعضی کمتر . همچنین سه نفر از خوش نشین ها ، هر نفر ۲ هکتار زمین بیهی داده اند . بطوریکه در این روستا تقریباً همه دهقانان مقدار کمی زمین دارند . مقدار زمینی مالکین معلوم نشد .

وضع مالکین :

مالکین این روستا تقریباً خرده مالک به حساب می آیند و صاحب زمینی های زیادی نبوده اند . اکنون هم قسمتی از زمینهای سهم خود را به زارعین اجاره داده اند . اجاره هر ۸ هکتار زمین ۱۰۰۰ من گندم و ۵۰۰ من پنبه است . بقیه زمین هایشان را نیز بوسیله کارگران سهم بر اداره می کنند (همان شکل قبل از اصلاحات ارضی) . در حقیقت همان دهقانان سابق روی زمینهای ارباب سهم بری می کنند ؛ ۶ تلمبه چاه سطحی زمینهای مالکین را آبیاری می کند . مالکیت تلمبه ها مشخص نیست . معلوم نیست که آیا اجاره داران در این تلمبه ها شریک هستند یا نه .

وضع دهقانان زمیندار :

همانطور که گفته شد به همه دهقانان این ده مختصری زمین رسیده است ، دهقانان تکه زمینی دارند که سرشان را به ده بند کند و در ده ماندگار شوند مخصوصا که دامداری هم دارند و جمعا ۳۰۰۰ گوسفند دارند . البته ممکن است خانواری فقط دو گوسفند داشته باشد ولی خانوارهایی که ۵۰ گوسفند هم داشته باشند وجود دارند . تعداد گوسفند های بقیه خانوارها بین ۵۰ تا ۲۰۰ است . همین دامداری خرده و تکه زمینهای کوچک که اقتصاد خانوار روستائی را در حالت تعادل نسبی نگه می دارد ، سبب عقب ماندگی فکری دهقانان این روستا نسبت به روستاهائیست که در آنها مکانیزاسیون کشاورزی بیگاری بوجود آورده و دهقانان و خوش نشینان دسته دسته برای کار به شهرها می روند . با اینکه دهقانان این روستا بسیار فقیر هستند ولی چون تضادهای اقتصاد را کمتر رشد کرده است سطح فکر پائین تری نسبت به روستاهای دیگر دارند و فرهنگ فتودالی شدیداً بر این روستا حاکم است .

آن چنانکه دهقانان می گویند شخم را هم با گاو آهن انجام می دهند و این خود یکی از اختلاف های عمده ابزار شخم در این روستا با بیشتر دهات فارس است ، ۳۵ نفر از دهقانان خوش نشین ۲ تلمبه خرید هاند و روی زمین های دیمی شان کار گذاشته اند بابت تلمبه ها بدهی ندارند . بدهی تلمبه ها را پرداخت کرده اند .

درآمد سالیانه دهقانان در این روستا به قرار زیر است :

نفری ۴۰۰-۳۰۰ من گندم

نفری ۱۰۰-۷۵ من پنبه

به این ترتیب روشن است که دهقانان فوق العاده فقیر هستند ولی بعلمت در -

بودن روستا از جاده و عدم رفت و آمد به شهر که نتیجه آن پائین بودن سطح مصرف است اقتصاد خانوار روستائی در حالت نسبتاً متعادلی باقی مانده است و بحرانهای شدید بیگاری و ورشکستگی و بار سنگین قرض در این روستا کفتر دیده می شود .

* * * *

ده مدرسه ۵ کلاسه دارد با ۳۵ نفر شاگرد .
 ده حمام دارد ولی مدتهاست به علت اینکه کسی از روستائیان همت راه انداختن آنرا نمی کند بیکار مانده است . روستائیان می گفتند خوشت دولت یکی را مأمور این کار بکند تا کارها راه بیفتد . و این نشان دهنده عدم همکاری بین دهقانان و اتکا به یک قدرت خارج از خودشان است که از بقایای فرهنگ فئودالی است .

ده شماره پنج داراب

شمس آباد

شمس آباد روستائی است با ۶۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم ، جو ، و پنبه است .

منابع آب :

آب زراعی روستا از چشمه‌ای است که چندین ده را مشروب می‌سازد .
۳ تلمبه چاه آب سطحی هم در ده هست . از این ۳ تلمبه ۲ عدد آن متعلق به مالک است و یکی متعلق به ۲۲ زارع .

باغهای روستا :

در این روستا ۲ هکتار باغ هست که متعلق به مالک است و دو باغبان روی آن کار می‌کنند . حقوق باغبانها ماهی ۱۸۰ تومان است . همچنین آب - آبیاری باغها بوسیله یکی از تلمبه هتامین می‌شود .

زمین های روستا و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی شده انگ ده متعلق به دو مالک بود . یکی از مالکین از فتوای الهی معروف فارس است . در سال ۳۳ مرحله دوم اصلاحات ارضی در ده اجرا شد . یکی از مالکین شق تقسیم به نصبت بهره مالکانسه را انتخاب کرد و دیگری خرید حق ریشه زارعین را . مالک دومی پولی هم بابت خرید حق ریشه نداد . فقط ۱۳ نفر زارع خود را به مهمانی نهار دعوت کرد و بعد از صرف نهار روی کاغذ سفیدی از آنها امضاء گرفت . بعد معلوم شد که این کاغذ توافق فروش حق ریشه بوده است . ورقه ای که زارعین ناآگاهانه امضاء کردند ، نشان می داد که آنها حق ریشه خود را به مالک فروخته اند . مالک دیگر $\frac{3}{4}$ از زمین های خود را تصاحب کرد و $\frac{1}{4}$ آنرا بین ۳۵ نفر زارع تقسیم نمود . ۱۳ نفر از زارعین که قبل از اصلاحات ارضی هم زمینهای مالک دومی و هم زمینهای مالک دومی را در دست داشتند و حق ریشه خود را به مالک دومی فروخته بودند ، از حق خود بر زمین های مالک اولی ۱۳ هکتار نصیبشان شد . یعنی نفری یک هکتار .

۲۲ نفر از زارعین هم نفری ۳ هکتار زمین گیرشان آمد . کل زمینهای ۳۵ نفر در دهان ۷۹ هکتار است . اگر تقسیم زمین عادلانه می بود ، که نیست ، فقط زمین های یکی از مالکین ۲۳۷ هکتار است . حال آنکه هرگز چنین تقسیم عادلانه ای اتفاق نمی افتد و گرچه در این روستا مقدار زمین های اربابی سوال نشد ولی میتوان از مقدار زمین های ۳۵ زارع که ظاهرا $\frac{1}{4}$ زمین های یکی از مالکین است حدس زد که زمین های مالک فوق بیشتر از ۳۰۰ هکتار باشد . از مقدار زمین مالک دیگر اطلاعی در دست نیست .

مالکین ۲ تلمبه ۴ تراکتور و ۲ کمباین دارند و کارگر مزدور می گیرند . جمعا
۸ کارگر روی زمین های مالکین کار می کنند که در ماه ۱۸۰ تومان حقوق می گیرند .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد ۳۵ خانوار دهقان زمیندار در این روستا زندگی میکنند
که ۱۳ خانوار هر کدام یک هکتار زمین دارند و ۲۲ خانوار هر کدام ۳ هکتار
وضع دهقانان یک هکتاری با خوش نشینان تقریبا فرقی ندارد و عده ای از آنها
اکنون برای کار به کویت رفته اند .

۲۲ نفر دهقان ۳ هکتاری ، ۲۰۰۰۰ تومان نزولی قرض کردند و با این پول
یک تلمبه زدند ، ولی تا وقتی که توانستند قرض خود را بپردازند ، اصل و فرع
۴۵۰۰۰ تومان شده بود . در نتیجه دهقانان همیشه مقروض هستند . دهقانان
از شرکت تعاونی هم پول قرض می گیرند . محصول سالیانه یک دهقان ۳ هکتاری
۳۰۰ من گندم و ۴۰۰ تومان پنبه است که بایستی مخارج شخم و کود را از این
مقدار کم کرد . شخم را با تراکتور می زنند و کرایه تراکتور هکتاری ۴۵ تومان -
است .

وضع خوش نشینان :

از ۶۰ خانوار جمعیت ده ۲۵ خانوار خوش نشین هستند .
خوش نشینان هیچ حقی بر زمین ندارند و مجبورند در ده یا شهر فعلگی
کنند .

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به دو مالک بزرگ منطقه بود . کل زمین های زراعی ده در حدود ۱۰۰۰ هکتار است . در مرحله دوم اصلاحات ارضی طبق شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه زمین ها را بین مالک و زارع تقسیم کردند . $\frac{3}{4}$ کل زمین ها سهم مالک و $\frac{1}{4}$ زمین ها سهم زارعین تعیین شد .

۳۶ نفر زارع مالک اولی هر یک صاحب ۲ هکتار زمین شدند .

۳۶ نفر زارع مالک دومی هر یک صاحب ۳ هکتار زمین شدند .

به این ترتیب بیشتر از ۸۲۰ هکتار زمین سهم مالکین شد و فقط ۱۸۰ هکتار به ۷۲ زارع رسید (کمتر از $\frac{1}{4}$ کل زمینهای روستا) .

از ۱۵۶ خانوار جمعیت ده ۸۰۴ خانوار خوش نشین هستند .

وضع مالکین :

دو مالک این روستا صاحب ۸۲۰ هکتار زمین و ۷ تلمبه چاه سطحی

هستند . زمین های مالکین مکانیزه است و کارگر مزدور روی زمین های آنها

کار می کنند . مزد کارگر روزی ۶ تومان است . برای آبداری مزد بیشتری می دهند .

مالکین تراکتور و کمپاین دارند و اصولاً به تعداد زیاد کارگر نیازی ندارند .

فقط در تمام سال ، برای آبداری ، کارگر می خواهند . همچنین برای وجین پنبه

و چیدن آن نیز به تعداد بیشتری کارگر نیاز دارند . در پنبه چینی زنان

نیز کار می کنند و منی ۲ ریال می گیرند . زنان حداکثر می توانند ۱۵ - ۱۰ من

پنبه بچینند .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد در این روستا ۲۲ دهقان صاحب زمین شدند که ۳۶ نفر آنها هر یک ۲ هکتار و ۳۶ نفر آنها نیز هر یک ۳ هکتار زمین دارند .
به علت اینکه بیشتر آب قنات روستا را مالکین به زمینهای خود اختصاص داده اند و دهقانان آب کافی برای زراعت ندارند . بناچار دهقانان ۲ هکتاری به دو گروه تقسیم شدند و با وام گرفتن از شرکت تعاونی و سلف فروشی محصول ۲ عدد تلمبه زدند .

دهقانان ۳ هکتاری نیز به ۴ گروه تقسیم شدند و ۴ تلمبه زدند . به گفته دهقانان هر تلمبه ۱۸ هزار تومان است ولی عملاً برای آنها ۵۰ هزار تومان تمام شد . زیرا به علت اینکه توانائی استرادر وام هایشان را نداشتند بهره وام ها روی اصل کشیده می شد و روز بروز بیشتر مقروض می شدند .

درآمد ناخالص سالیانه :

گندم	۴۰۰-۲۵۰	من
جو	۱۰۰	من
پنبه	۱۰۰	من (حداکثر)

دهقانان خشخاش هم می کارند و قریب ۳۰ هکتار خشخاش کاری دارند . از درآمد ناخالص بایستی هزینه شخم و کود و کارگر را کم کرد . زیرا دهقانان با تراکتور شخم می زنند . تراکتور را هکتاری ۶۰ تومان از مالک اجاره می کنند . کود شیمیائی هم می خرند . همچنین در هنگام تیغ زدن خشخاش به کارگر زیاد احتیاج دارند بطوریکه در روزهای تیغ زدن خشخاش مزد کارگر به ۱۵ تومان هم می رسد . این نشان می دهد که در این روزها برای اینکه بتوانند خشخاش

را به موقع تیغ بزنند و شیرۀ آن را بگیرند بایستی عده زیادی کارگر بگیرند و به همین دلیل مزد کارگر در این روزها بالاست .

وضع خوش نشینان :

چنانکه گفتیم در این ده ۸۰ خانوار خوش نشین وجود دارد ولی در واقع اگر تعداد پسران جوان بی زمین را حساب کنیم تعداد خوش نشینان به ۳۰۰ نفر هم می رسد .

خوش نشینان در ده نمی توانند تمام سال کار داشته باشند و بخیر از روزهای تیغ زدن خشخاش و پنبه چینی که هم در زمین های مالکین کار هست و هم در مزارع خشخاش دهقانان ، بقیه ایام سال در ده کار نیست . خوش نشینان می گویند : " کمباین وضع ما را خراب کرده و باعث بیکاری ما شده است . کاری را که ما در یکماه می کردیم کمباین در چند ساعت می کند . " ناچار روانه شهر هامیشوند و در آنجا فملگی می کنند .

مستطاب است و در حدود ۱۰۰ هکتار زمین دارد و در این روستا ۱۰ خانوار جمعیت دارد . بعلت کم آبی و خشک
 سالی محصول چندانی ندارد فقط شتوی گندم و ندرتا جو می کارند و صیفی
 بعلت بی آبی کشت نمی کنند .
 منابع آب :
 تنها منبع آب این روستا ، رودخانه است .
 زمین و مالکیت آن :
 کل زمین های آبی روستا ۱۰۰ هکتار و زمین های ریی ۶ هکتار
 است . قبل از اصلاحات ارضی مالک این ۱۰۶ هکتار زمین ۶ نفر بودند . و ...
 تقسیم محصول به نسبت $\frac{1}{4}$ بود . یعنی بذرو کار از زارع و زمین و آب و گاو
 از مالک بود و محصول نصف می شد .

۴ شماره هفت را ر ا ب

حسین آبار

این روستا در حدود ۱۰ خانوار جمعیت دارد . بعلت کم آبی و خشک
 سالی محصول چندانی ندارد فقط شتوی گندم و ندرتا جو می کارند و صیفی
 بعلت بی آبی کشت نمی کنند .
 منابع آب :
 تنها منبع آب این روستا ، رودخانه است .
 زمین و مالکیت آن :
 کل زمین های آبی روستا ۱۰۰ هکتار و زمین های ریی ۶ هکتار
 است . قبل از اصلاحات ارضی مالک این ۱۰۶ هکتار زمین ۶ نفر بودند . و ...
 تقسیم محصول به نسبت $\frac{1}{4}$ بود . یعنی بذرو کار از زارع و زمین و آب و گاو
 از مالک بود و محصول نصف می شد .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی بر اساس شق تقسیم به نسبت بهره مالکانه فقط ۲۶ هکتار زمین (۲۰ هکتار آبی و ۶ هکتار دریعی) بین ۱۰ خانوار زارع تقسیم شد و بقیه زمین ها در دست مالکان باقی ماند . خانوار خوش نشین هم در ده وجود نداشت .

بنابراین اکنون مالکان دارای ۸۰ هکتار زمین آبی هستند . روی زمین های مالکان مثل سابق همین زارعین کار می کنند و تقسیم محصول به این ترتیب است که هر زارع ۲۰۰ من گندم به عنوان مزد از کل محصول برداشت می کند سپس مخارج تراکتور و بقیه مخارج را از کل محصول برمی دارند و $\frac{1}{4}$ — محصول سهم زارعین می شود . البته چه بسا سالهایی که بعلت کمی محصول زارع ۲۰۰ من مزد خود را بر نمی دارد و به جای آن ۱۰۰ من یا حتی ۵۰ من از کل محصول برمی دارد . زیرا اگر بخواهند ۲۰۰ من مزد خود را برداشت کنند چیزی برای تقسیم بین مالکین و زارعین نمی ماند .

دهقانان همچنین از ۲ هکتار زمینی که به آنها رسیده محصولی به دست نمی آورند و اگر راهی پیدا کنند و بیه شلاق خوردن های گمرك (در صورت گرفتاری) و بقیه سختی های سفر را به تن خود مالیده و به کویت و بقیه شیخ نشین ها می روند . آنها به اصلاحات ارضی به این صورت عقیده ندارند و می گویند حتی وضعمان از سابق هم بدتر شده است . پیرمردی از اهل ده میگفت " این طرزى که دولت اصلاحات ارضی کرده فایده ندارد وضع دهقانان از سابق هم بدتر شده ، دولت بایستی می گذاشت زمین ها در دست ارباب ها باقی بماند فقط بطور دائم روزی ۶ تومان مزد به دهقانان می دادند . این نشان می دهد که تا چه حد اداره همین واحدهای کوچک تولید ، برای دهقانان بدون سرمایه

مشکل است و دهقان چطور رو بورشکستگی و فقر روز افزون می رود که حاضر است زمین نداشته باشد و در اثما روزی ۶ تومان مزد بگیرد .

مخارجی که از درآمد ناخالص يك دهقان کسر می شود عبارتست از :

هکتاری ۵۰ تومان گرایه تراکتور (برای شخم زمین)

۴٪ محصول برای خرمن کوبی

۲٪ محصول برای کسب خدا

۲٪ محصول برای عمران

۲٪ محصول برای حداد و نجار

۳۰ من گندم برای دشتبان

۲۰ من گندم برای میر آب

و سال گذشته محصول گندم هر زارع کلا با سهمی که از زمینهای اربابی می بردند ۳۵۰ من گندم بود . همانطور که گفته شد دهقانان این روستا و بسیاری از روستاهای اطراف در این منطقه ، اگر بتوانند ، به کویت و دیگر شیخ نشین ها می روند . مثلا از روستای مجاور این روستا که ۱۰۲ خانوار جمعیت دارد حدود ۵۰ نفر در کویت هستند .

این روستای مجاور هم ۶۷ خانوار زارع دارد که در مرحله دوم به هر یک کمتر از ۳ هکتار زمین رسیده است . $\frac{1}{4}$ زمین ها بین زارعین تقسیم شده و $\frac{3}{4}$ را ارباب تصاحب کرده است .

سهم ارباب مکانیزه است و با کارگر کشاورز اداره می شود . مزد کارگر ۴۰۰ من گندم و ۴۰۰ تومان پول در سال است .

ده شماره هشت دارا ب
کوهجرد

کوهجرد روستائی است با ۱۰۰ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا گندم ، جو ، و پنبه است .
منابع آب روستا :

آب زراعی روستا از رودخانه و قنات است . همچنین بعلمت کم آبی زارعین يك تلمبه و مالکین ۵ تلمبه زده اند .
وسیلن و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی ۳ دانگ از ده خالصه و ۳ دانگ خرده مالکی بود خرده مالکان از نیم دانگ بیشتر نداشتند . ۳ دانگ خالصه در اختیار ۲ نفر از مالکین منطقه بود . بعد از اصلاحات ارضی $\frac{1}{4}$ از ۳ دانگ خالصه بین ۱۲ نفر زارع تقسیم شد و بقیه آن یعنی $\frac{2}{4}$ آن در اجاره مالکین باقی ماند .

در حال حاضر ۳ نفر زارع سهم بر روی $\frac{۳}{۴}$ زمین خالصه کار می کنند و از -
محصول سالیانه پس از کسر هزینه $\frac{۱}{۴}$ سهم می برند .

۳ دانگ خرده مالکی هم ، چون بوسیله زارع سهم بر اداره می شد ، بینه
نسبت بهره مالکانه مابین زارعین و خرده مالکین تقسیم گشت . یعنی $\frac{۱}{۴}$ از ۳
دانگ بین ۱۲ زارع آن زمین ها ، تقسیم گشت . جمعا ۷۲ هکتار زمین بطور
مساوی بین ۲۴ دهقان تقسیم گشت . ۱۰ خانوار از جمعیت ده نیز خرده مالکین
سابق هستند . بنا بر این از ۱۰۰ خانوار جمعیت ده ۶۶ خانوار بگلی بی زمین
هستند .

بنا بر این اکنون حدود ۲۵۰ هکتار از زمین های ده متعلق به مالکین و ۱۰ نفر
خرده مالک غیر عامل است . روی زمین های آنها خوش نشینان این ده بیا
خوش نشین های روستاهای دیگر بصورت مزد بر یا سهم بر کار می کنند . آنها
تراکتور و کما این دارند . همچنین برای آبیاری زمین های خود تلمبه کار
گذاشته اند .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۷۲ هکتار زمین
بین ۲۴ دهقان تقسیم شد . دهقانان با قرض از شرکت تعاونی (نفری ۸۰۰
تومان) یک تلمبه زدند که بعضی از آنها هنوز هم زیر بار قرض شرکت تعاونی
و رهاخواران هستند .

درآمد ناخالص سالیانه یک نفر زارع (بدون محاسبه مخارج شخم و کود و کارگر
و گازوئیل و تعمیر تلمبه) :

گدم ۶۰۰ من
پنبه ۱۲۰۰ تومان

شخم را با تراکتور می‌زنند . کرایه تراکتور هکتاری ۵۵ تومان است .
البته زارعین ۵ هکتار هم تریاک می‌کارند و درآمد این ۵ هکتار را تقسیم میکنند .
وضع خوش نشینان :

چنانکه گفته شد در این روستا ۶۶ خانوار خوش نشین وجود دارد که
هیچ حقی برده ندارند . این ها روی زمین مالکان کاری کنند یا برای فعلگی
به شهر ها می‌روند .
دامداری :

در این روستا ۱۰ خانوار دامدار هستند که جمعا ۲۰۰ گوسفند دارند .

* * * * *

در این روستا یک دبستان ۵ کلاسه با ۹۴ شاگرد دختر و پسر وجود
دارد . (۳۰ دختر ، ۶۴ پسر) .

... در این حالت ...

عبارت

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

سایه می آید

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

... در این حالت ...

این

ده شماره ننه داراب

آب گوثیه

این روستا ۹ خانوار جمعیت دارد . قبل از اصلاحات ارضی زمین ها
دیی بود و بهره مالکانه $\frac{1}{6}$ محصول بود و به همین دلیل هم مالک این روستا
که از فتود الهای بزرگ منطقه است آنها در مرحله اول به دهقانان فروخت .

دهقانان بعد از اینکه زمین ها را مالک شدند ، با وام از بانگ کشاورزی
۲ تلمبه خریدند و زمین ها را آباد کردند . کل زمین های روستا ۸-۷ هزار
من تخم کار است و اگر هر ۴۰ - ۳۵ من تخم کار را یک هکتار حساب کنیم
کل زمین های روستا حدود ۲۰۰ هکتار می شود .

البته دهقانان بعد از اصلاحات ارضی زمین ها را توسعه دادند و قبیل
از اصلاحات ارضی زمین ها این مقدار نبوده است ولی با این حال روستا هم
یک شش دانگی به حساب می آید و ارباب بزرگ یکی از شش دانگی های گسه

در مرحله اول فروخته بود، این ده بوده است. اکنون وضع دهقانان این روستا هم نسبتاً خوب است و تا چند سالی که تلمبه کاری کنند و سربه خرج — نگداشته است وضع نسبتاً متعادلی خواهند داشت بخصوص که تریاک هم بسه عمل می‌آورند.

محصول سالیانه این ده نفر به قرار زیر است :

گندم ۶۰۰۰ من

پنبه ۵۰۰۰ من

تریاک هر نفر ۲۰۰۰ تومان

یعنی هر نفر حدود ۳۵۰ تومان گندم، ۲۵۰۰ تومان پنبه، ۲۰۰۰ —

تومان تریاک دارند.

اما تلمبه و شخم و کود نیز مخارجی دارد. مثلاً شش ماه از سال را موتورهای کاری کنند و اگر خراب بشوند ۱۸۰۰۰ تومان هزینه دارند.

۱۰۰۰۰ تومان کلا هزینه شخم دارند؛ ۱۲۰۰۰ تومان هزینه کود جهت

صیفی کاری دارند. مخارج کارگرانی را که در هنگام تیغ زدن تریاک با مزد

۱۰-۱۲ تومان در مزارع خشخاش کاری کنند نیز باید محاسبه کرد.

این ده از نه نفر دهقان زمیندار تشکیل شده که وضع متعادلی دارند.

ده شماره ده داراب

زمین آبار

زمین آبار دهی است با ۴ خانوار جمعیت . محصولات مهم این روستا ، گندم ، پنبه ، و تریاک است .

منابع آب :

آب زراعی روستا از یک چشمه است و ۶ تلمبه ۰ - ۲ تلمبه متعلق به زارعین و ۴ تلمبه متعلق به مالک است .

زمین های روستا و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به مالک بود . قسمت

کوچکتر از زمین های ده متعلق به یکی و بقیه متعلق به مالک دیگری بود .

بهره مالکانه قبل از اصلاحات ارضی $\frac{2}{3}$ محصول بود .

در مرحله اول اصلاحات ارضی زمینهای مالک که ^{اولی} ۸۰۰ من تخم کار و

یعنی تقریباً ۲۰ هکتار بود به ۱۷ نفر زارع آن ها واگذار گردید . قیمت فروش این ۸۰۰ من زمین ۴۰۰۰۰ تومان تعیین گردید .

قسمت اعظم زمین «ها یعنی بیشتر از $\frac{2}{3}$ ده ، که متعلق به مالک رومی بود مکانیزه قلمداد گردید . به این ترتیب که قبل از اصلاحات ارضی ، مالک ۲۰ نفر از زارعین را از نسق هایشان بیرون کرد و فقط به ۱۰ نفر از آنها اجازت داد که به عنوان کارگر روز مزد روی زمینهایش کار کنند . مزد شبانه روزی این کارگران نفری ۷ تومان است . مالک همچنین ۲ تراکتور و ۱ گمباین دارد .

وضعیت دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد از ۴۰ خانوار جمعیت ده ، ۱۷ خانوار در مرحله اول اصلاحات ارضی صاحب زمین شدند و به هر دهقان کمی بیشتر از یک هکتار زمین رسیدند . دهقانان با قرض از شرکت تعاونی و همچنین رویهم گذاشتن ذخیره های ناچیز خود ، از راه فروش دام ، ۲ تلمبه خریدند و ۲ تلمبه برای زمین کوچک آب فراوانی تامین می کنند و در نتیجه محصول خوبی از همین مختصر زمین بر می دارند مخصوصاً که ۱۷ نفر جمعا ۸ هکتار خشخاش کاری دارند به طوری که پارسال ۱۳۵ کیلو تریاک به دست آوردند . از طرفی مخارج تولید به علت «هزینه» سوخت تلمبه ها بسیار زیاد است و عمر نفر زارع در سال ۴۰۰۰ تومان خرج تلمبه و تراکتور و دارد .

درآمد ناخالص سالیانه یک نفر زارع در سال گذشته :

گندم ۱۰۰۰ من

پنبه ۲۸۸ من

تربساک ۳۰۰۰ تومان

اگر مخارج تولید را از درآمد ناخالص کم کنیم درآمد سالیانه دهقان در حدود ۲۰۰۰ تومان می شود .

با این حال خود دهقانان می گویند : " با اینکه خرج زراعتان زیاد است ولی در عوض می توانیم درآمدی کنیم و قسمتی از مخارج زندگیمان را با درآمدی تامین کنیم " . این ۱۷ نفر دهقان زمیندار ۱۰۰۰ راس گوسفند دارند .

وضع خوش نشینان :

از ۴۰ خانوار ده ۲۳ خانوار خوش نشین هستند . در فصل کار ۴ خوش نشین ها در ده می مانند و در فصل غیر کار به شهرهای اطراف بندرعباس می روند .

در سال ۱۳۰۰ ...
 در سال ۱۳۰۱ ...
 در سال ۱۳۰۲ ...
 در سال ۱۳۰۳ ...
 در سال ۱۳۰۴ ...
 در سال ۱۳۰۵ ...
 در سال ۱۳۰۶ ...
 در سال ۱۳۰۷ ...
 در سال ۱۳۰۸ ...
 در سال ۱۳۰۹ ...

در سال ۱۳۱۰ ...
 در سال ۱۳۱۱ ...
 در سال ۱۳۱۲ ...
 در سال ۱۳۱۳ ...
 در سال ۱۳۱۴ ...
 در سال ۱۳۱۵ ...
 در سال ۱۳۱۶ ...
 در سال ۱۳۱۷ ...
 در سال ۱۳۱۸ ...
 در سال ۱۳۱۹ ...
 در سال ۱۳۲۰ ...

باز

ده شماره یازده داراب

برگان

برگان دهی است با ۱۳۰ خانوار جمعیت .

محصولات مهم این روستا : گندم ، جو ، پنبه و چغندر است .

منابع آب روستا :

آب زراعی روستا از رودخانه است . ولی چون رودخانه کم آب است و هم

چنین بیشتر آب آن را مالکین می برند و سهم آبی که به زارعین رسیده است

برای مشروب کردن زمینشان کافی نیست ، دهقانان ۱۶ تلمبه چاه سطحی

زده اند . همچنین مالکین برای استقاره ، بهتر از زمین ها ، ۵ تلمبه بر روی چاه

عمیق کار گذاشته اند .

زمین های روستا و مالکیت آن :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به دو مالک بود .

در مرحله اول اصلاحات ارضی قسمت کوچکی از زمین ها به ۶۶ نفر از زارعین به طور مساوی فروخته شد .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی $\frac{1}{4}$ بقیه زمین ها بین همان ۶۶ نفر از زارعین تقسیم گشت و $\frac{3}{4}$ دیگر سهم مالک شد . جمعا ۳۰۰ هکتار زمین بین ۶۶ نفر تقسیم شد که بیشتر آن زمینی است که در مسیر سیل واقع شده و هر چند گاه يك بار ممکن است سیل روی آنرا بگیرد و حاصل رنج دهقانان را بر باد دهد .

از ۱۳۰ خانوار جمعیت ده ۶۴ خانوار خوش نشین و بکلی بی زمین هستند .

و — ح مالکین :

مالکین بیشتر از ۹۰۰ هکتار زمین دارند و آنرا با وسایل مدرن و با رگر کشاورزی کشت می کنند . مالکین ۲ تراکتور دارند و ۲ کمباین . مزد کارگر را ۴ هم روزا . نه می پرد ازند و هم سالانه . مزد سالانه کارگر ۷۰۰ من گندم و ۶۰۰ تومان پول است .

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد ۶۶ دهقان زمیندار در این روستا هست که مقدار زیادی از زمینهایشان نامرغوب و سیل گیر است . قسمتی از زمینهای کم آب است که مجهورند با تلمبه آن را آبیاری کنند . زارعین بعضی با وام از رباخوار و بعضی با وام از شرکت تعاونی جمعا ۱۶ تلمبه چاه سطحی زده اند . دهقانان هنوز هم نتوانسته اند وام های خود را بپردازند . در این روستا شرکت تعاونی

۶۸ عضو دارد ولی چند سالی است که به دهقانان وام نداده است زیرا هنوز نتوانسته‌اند وام‌های قبلی را بپردازند .

درآمد سالیانه یک دهقان زمیندار

گندم	۵۰۰ من
پنبه	۶۰۰ من
چغندر	۲۰۰۰ من

(کسانی که چغندر کشت می‌کنند پنبه نمی‌کارند) .

البته این درآمد ناخالص است و بایستی از آن هزینه شخم یا تراکتور از قرار هکتاری ۵۰ تومان را کم کرد . هم چنین هزینه‌های دیگر مثل کود کارتر ، سمپاشی ، بذرنیز وجود دارد .

امسال همه دهقانان ، جمعا ۳۰ هکتار زیر کشت خشخاش داشته‌اند ولی محصول آن خوب نشده است .

وضع خوش‌نشینان :

چنانکه گفته شد از ۱۳۰ خانوار جمعیت ده ۶۴ خانوار خوش‌نشین

هستند . خوش‌نشین‌ها یا در زمین‌های مکانیزه مالکین کار می‌کنند یا برای فعلگی به شهرها می‌روند .

* * * * *

ده یک مدرسه ۵ کلاسه دارد با ۸۰ نفر دانش‌آموز . معلمین مدرسه هم

۲ نفر سپاهی دانش دختر هستند .

این کتاب بسیار عالی است و در این کتاب همه چیز را در مورد...

در این کتاب اولاً این کتاب در مورد...

با همین کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

تقریباً در این کتاب در مورد...

تقریباً در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

در این کتاب در مورد...

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

ده شماره دوازده داراب

خیابان سقایی

این روستا ۱۵۰ خانوار جمعیت دارد. در این روستا حدود ۱۵ هکتار باغ وجود دارد. میوه های باغهای روستا پرتغال، لیمو، و خرماست. ده از قدیم خرده مالکی بوده و باغها نیز متعلق به ۲۰-۱۵ نفر خرده مالک است. زمین های زراعی روستا نیز از قبل از اصلاحات ارضی متعلق به همین خرده مالکین بوده است منتها ظاهراً در مرحله دوم اصلاحات ارضی $\frac{1}{6}$ از زمینهای که در دست زارعین سهم بر بوده است به خود آنها تعلق گرفت.

روابط تولیدی

روابط تولیدی در این روستا، هنوز همان روابط نیمه فئودالی قبلی از اصلاحات ارضی است. به این ترتیب که دهقانان هنوز روی زمین های خرده-

مالکین سهم کاری می‌کنند زیرا بسیاری از خرده مالکین در هنگام اصلاحات ارضی در هقنان را کارگر قلمداد کرده‌اند و در نتیجه زمینی به هقنان ندادند. بعضی از آنها هم تکه زمینی به هقان دادند، زمین آنقدر کوچک و غیر قابل استفاده است که هقنان مجبورند روی زمین های خرده مالکین نیز سهم کاری کنند. مثلا هقنانی هستند که ۲ من زمین دارند (در این روستا هر ۲۰ من تخم کار ۱ هکتار است، ۲ من می‌شود $\frac{1}{10}$ هکتار) هقنانیکه روی باغها کار می‌کنند $\frac{1}{4}$ محصول و آنهائیکه روی زمین کاری می‌کنند $\frac{1}{4}$ محصول را سهم می‌برند.

کل زمینهای زراعی روستا ۲۵۰ هکتار است و بزرگترین خرده مالک در این روستا ۵۰ هکتار زمین دارد. خرده مالکین ۶ تلمبه چاه سطحی دارند که بوسیله این تلمبه ها زمین ها را آبیاری می‌کنند. باغهای روستا بوسیله آبی که از رودخانه روستا بالا می‌گیرند آبیاری می‌شوند.

چنانکه گفته شد از ۱۵۰ خانوار جمعیت روستا حدود ۲۰ خانوار خرده مالک هستند که اکثرا خرده مالک غیر عامل می‌باشند. البته هستند خرده مالکینی که زمینشان را خودشان می‌کارند و از قدیم نیز چنین می‌کرده‌اند. ۲۵ خانوار نیز در هقان صاحب زمین هستند که در مرحله دوم اصلاحات ارضی تکه زمینی به آنها رسیده است. در حدود ۵۰ خانوار هم دامداری جزئی دارند که در اثر خشکسالی تقریبا ورشکست شده‌اند.

در این روستا در حدود ۶۰-۵۰ خانوار هم خوش نشین زندگی می‌کنند. خوش نشین ها یا روی زمین های خرده مالکین سهم کاری می‌کنند و یا برای کار به شهرها و شیخ نشین ها می‌روند.

ده شماره سیزده داراب

کد ویدیه

(دیدار ناقص)

این روستا ۲۳ خانوار جمعیت دارد که ۲۰ خانوار آن زارع است و ۳ -

خانوار خوش نشین .

با اینکه زمین های ده دیمی بود و قبل از اصلاحات ارضی $\frac{1}{4}$ محصول

را به مالک می دادند ، در هنگام تقسیم زمین به نسبت بهره مالکانه $\frac{1}{4}$ زمینهای

دیمی را بین دهقانان تقسیم کردند و $\frac{3}{4}$ زمین ها سهم مالک شد .

جمعا ۱۰۰ هکتار زمین بین ۲۰ نفر دهقان تقسیم شد و به هر دهقان

۵ هکتار زمین رسید .

وضع مالکین :

مالک $\frac{3}{4}$ از زمین های مرغوب را تصاحب کرده و با تلمبه آن را آبیاری

می‌کند و به کمک کارگر آنها کشت می‌کند . مالک تراکتور و گمباین اجاره می‌کند
و در صورتیکه گندم خوابیده باشد برای آن ۳ رگر در روگر می‌گیرد و محصولش
را در رو می‌کند .

وضع دهقانان زمیندار :

دهقانان نفری ۹۰۰ تومان از بانک کشاورزی قرض کرده‌اند و یک تلمبه
خریده‌اند . آنها ۵۰ هکتار شتوی و ۵۰ هکتار صیفی می‌کارند . درآمد هر نفر
در سال ۲۰۰ من پنبه و ۳۰۰ من گندم است .

دهقانان مخارج گرایه تراکتور و مخارج خرید کود و سم هم دارند و به همین
جهت در آمد آن‌ها به مراتب کمتر از این مقدار می‌شود . به این دلیل بعضی
از آنها زمین خود را بصفه کار می‌دهند و به گویت و قمار می‌روند .

دهقانان از شرکت تعاونی هم پول می‌گیرند شرکت تعاونی از ۱۰۰۰ ح

۵۰۰ تومان پول قرضه می‌دهد .

دامداری :

دهقانان دامداری مختصری هم دارند .

مستنداتی که در این باره موجود است، نشان می‌دهد که این زمین‌ها در گذشته به مالکین خاصی تعلق داشته است. این مستندات در سال ۱۳۲۰ شمسی به دست آمده است.

مستندات تاریخی

ده شماره چهارده داراب گزونه و گاویان

(دیدار ناقص)

گزونه گاویان دهی است که زمین آبی ندارد و تمام زمین هاییش
دیمی است. زمین های دامنه تپه ها و کوه ها.

این روستا مثل بقیه زمین های منطقه متعلق به یکی از فئودال های بزرگ فارس
بود ولی به علت بی آبی و بی قوت بودن زمینش، مالک آن را بین دهقانان
تقسیم کرد.

۳۷ دهقان در این ده هست که گندم و جو می کاشتند ولی چند سالی است
که به علت خشکسالی از راه کارگری و هیزم کشی زندگی می کنند و بعضی ها
هم به کویت و قطر می روند.

دهقانان دامداری هم ندارند و هیچ راهی جز فعلگی برایشان نمانده
است. آنها فقط دو سال بعد از اینکه زمین ها به خودشان

روستاهای گازرون :

- ۱ - دریس
- ۲ - ده بزرگ

آب برای کشت و زرع خود خریداری می‌کنند . به گفته دهقانان سال گذشته حدود دو میلیون تومان درآمد داشته است .

زمینهای روستا :

زمینهای این روستا از قدیم دیمی بوده و ده از سالها پیش بی آب بوده است . دهقانان گندم و جو دیمی می‌کاشتند و کشت صیفی بعلت بی آبی معمول نبود .

از آغاز اصلاحات ارضی مالکان بعلت ترس از تقسیم زمینهای شروع به احداث باغ کردند که با چاه نیمه عمیق آبیاری می‌شوند .

چند سال است که آبی که دهقانان "آبیاری" می‌نامند از کنار ده می‌گذرد و دهقانان از آن هنگام صیفی کاری هم می‌کنند . (پنبه و چغندر می‌کارند) و آب از آبیاری می‌خورند . اکنون زمینهای ده دو دسته است :

۱ . زمینهای آبی ۲ . زمینهای دیمی

۱ . زمین های آبی :

زمین های آبی مخصوص کشت چغندر و پنبه است و از آب مشروب می‌گردد .

۲ . زمین های دیمی :

زمین های دیمی مخصوص کشت گندم و جو است و قسمت بیشتر زمینها دیمی

است .

وضع مالکیت آب و زمین قبل از اصلاحات ارضی :

قبل از اصلاحات ارضی شش دانگ ده متعلق به ۲ مالک بود چگون

زراعت دیمی بود، بهره مالکانه $\frac{1}{6}$ محصول بود. بعلمت بی آبی صیفی کاری هم نمی شد.

وضع مالکیت آب و زمین بعد از اصلاحات ارضی:

در این ده اصلاحات ارضی مرحله دوم و سوم اجرا شده است. در مرحله دوم زمین های یکی از دو مالک بزرگ این روستا به اجاره زارعین (۱۲۰ نفر) واگذار شد. اجاره سالانه هر من زمین ۷ ریال تعیین شد و چون هر هکتار در این منطقه ۲۲ من است، اجاره یک هکتار زمین دیمی ۱۴۴ ریال در سال تعیین گردید.

همچنین زمینهای مالک دیگر ظاهرًا به نسبت بهره مالکانه تقسیم شد ($\frac{1}{6}$ سهم مالک و $\frac{5}{6}$ سهم دهقانان).

مالک زمین سهم خود را مکانیزه کرد و در حال حاضر با کارگر مزدور آنها را اداره می کند.

در مرحله سوم زمین هایی که در اجاره زارعین بود، به قیمت هر من ۱۲ تومان با اقساط ۱۲ ساله، به زارعین واگذار شد. یعنی قسط یک من زمین سالیانه یک تومان و قسط یک هکتار ۲۲ تومان در سال تعیین گردید.

وضع دهقانان:

همه خانوارها زمین دارند. بیشتر کشاورزان ۲-۳ هکتار زمین دارند. ولی کسانی هم هستند که ۱۰ هکتار و بیشتر زمین دارند. اساساً بین خرده مالکان اختلاف زیادی نیست.

دهقانان زمین خود را بدو قسمت می‌کنند . قسمتی را گندم وجود می‌می
می‌کارند و قسمتی را چغندر و یا پنبه .

در هر هکتار زمین ۱۱۰۴ کیلو بذر می‌پاشند (یعنی ۲۲ من
کازرون) به این جهت هر هکتار را ۲۲ من زمین می‌گویند .

دهقانان می‌گویند گندم ۱۰۰ کیلو اگر سال هم خیلی خوب باشد بیشتر از هر تخم
ده تخم عمل نمی‌کند و اگر خشکسالی باشد که هیچ ، حتی ارزش درو کردن هم
ندارد و هفت سال است که در این منطقه خشکسالی است .

بنابراین حد اکثر درآمد ناخالص یک دهقان از یک هکتار زمین زیر کشت
گندم در سال خوب و پیر رونق ۷۷۰ تومان است . از این مقدار باید مخارج شخم
و بند و و خرمن گویی را نیز حذف کرد .

در این روستا شخم با گاو انجام می‌گیرد ولی بهر حال گاو نیز مخارجی دارد .
حد اکثر درآمد ناخالص یک هکتار زمین زیر کشت چغندر ۸۰۰ تومان است .
زیرا حد اکثر محصول یک هکتار ۱۲ تن است که آنرا کیلوئی یک ریال می‌فروشند .
در حدود ۳۸۰ تومان هم بطور متوسط پول آبیاری میدهند . بنابراین
از ۱۲۰۰ تومان قیمت محصول چغندر چیزی در حدود ۸۰۰ تومان می‌ماند
این ۸۰۰ تومان هم هزینه های تولیدی مثل بذر و مخارج شخم و کود است
و هم سود و بهای یکسال کار طاقت فرسای آنها .

درآمد هر هکتار زمین پنبه کاری نیز در همین حدود است .
پول آبیاری را دهقانان ، همکاری می‌پردازند و مقدار پول بستگی دارد به
دوری و نزدیکی قطعه زمین های آنها از آب .

قیمت آبیاری هر هکتار پنبه کاری حدود ده بیست تومان از قیمت آبیاری

چفند ر کساری کتر است .

ظاهرا به نظر می رسد که درآمد هر هکتار گندم و صیفی کاری با هم چند ان
فرقی ندارند ولی در واقع اینطور نیست و درآمد گندم ریی مشخص و همه
ساله نیست . امکان دارد سه چهار سال هیچ بازدهی نداشته باشد و یکسال
حدود ۷۰۰-۸۰۰ تومان درآمد داشته باشد .

اما کشت صیفی حاصلش تقریبا معلوم است و فقط همین کشت صیفی است که
د هقانان را نگه داشته ، از ورشکستگی کامل آنها جلوگیری می کند .
عامل مهم دیگر که از ورشکستگی د هقانان جلوگیری می کند ، درآمدی مختصر
آنهاست که بخور نمیری برای آنها فراهم می کند .

در این ده درآمدی نسبتا پر رونق تر است و اکثر خانوارها گاو و گوسفند
دارند .

دو سه نفر از د هقانان باغ نیز دارند و بعضی از آنها نیز در فکر احداث
باغ هستند . ولی معمولا احداث باغ بعلت اینکه تا چند سالی حاصلی ندارد
از عهده هر د هقانی بر نمی آید . زیرا تحمل مخارج آبیاری و خریدن نشا
احتیاج به سرمایه مختصری دارد بخصوص که تا چند سال فقط باید پول خرج
باغ بکنند بدون اینکه باغ محصولی داشته باشد .

ده شماره دو کازرون

ده بیست و بزرگ

این روستا ۶۰ خانوار جمعیت دارد . زمین زراعی روستا ۱۰ هزار
من است ۱۲۰ من هم باغ دارد . اگر بخواهیم به هکتار حساب کنیم می شود
۵۰۰ هکتار زمین و ۶ هکتار باغ .

از سالها پیش زمین های زراعی این روستا مثل بقیه روستاهای منطقه دیمی بود ه
است و فقط با آب باران آبیاری می شده است . تا اینکه بالاخره آدم میلیونی
آبی را که به هدر می رفته مهار کرده و اکنون به روستاهای منطقه می فروشد
اسم این آب شده است "آب آبیاری" .

مالکیست :

ده قبل از این بود و چون زمینها دیمی بود بهره مالکانه $\frac{1}{6}$ محصول بود .
در مرحله دوم اصلاحات ارضی زمین ها را به اجاره زارعین واگذار کردند

از قرار منی ۱۳ ریال یعنی اجاره کج روستا ۱۳۰۰۰ تومان تعیین شد . چون تقریبا تمام خانوارهای این روستا یکی ، دو هکتار زمین دارند اجاره هر نفر تقریبا ۲۵۰ تومان در سال بود .

در مرحله سوم اصلاحات ارضی زمین های اجاره ای را به نسبت بهره مالکانه بین زارع و مالک تقسیم کردند و ظاهرا $\frac{4}{9}$ زمین های روستا به دهقانان تعلق گرفته و $\frac{1}{9}$ به ارباب ولی در واقع مالک ۴۰۰۰ من از زمین های نزدیک به آب و هموار و مسطح را برای خود برداشت و قریب ۶۰۰۰ من بقیه را که غیر قابل آبیاری بود بین کشاورزان تقسیم کرد .

اکنون مالک زمینش را بوسیله تراکتور شخم می زند و با آبی که از آبیاری میخرد آنها را آبیاری می کند . بنابراین می تواند صیفی کاری هم بکند . اکنون دهقانان زمین سنگلاخ خود را با گاو شخم می زنند و بامید باران چشم به آسمان می دوزند . یکسال به انتظار می نشینند تا یک تخم گندم بشود چهارتا .

هر دهقان به طور متوسط ۱۰۰ من زمین دارد ، ۱۰۰۰ من زمین یعنی مقداری زمینی که ۱۰۰ من گندم در آن بیاشند . پس درآمد هر دهقان در سال ۴۰۰ من گندم است . زیرا بطور متوسط در این منطقه هر تخم ۴ تخم عمل می کند . سه عوض سالهای فراوانی سال هایی را هم باید در نظر داشت که به علت نباریدن

باران گندم را اصلا درونی کنند زیرا ارزش درو کردن هم ندارد . چنانکه گفته شد در حدود ۶ هکتار هم در این روستا باغ وجود دارد .

چون باغها غار سرما کی بود به نسبت ۲ و ۳ بین مالک و زارع تقسیم گوید . در این روستا هر ۲۰ من تخم کاریک هکتار است . زیرا در یک هکتار زمین ۲۰ من تخم می پاشند .

روستائی از ممسنی:

کربان

... در سال ۱۳۰۰ ...

... در سال ۱۳۰۰ ...

روشنامه آریالستان

... در سال ۱۳۰۰ ...

... در سال ۱۳۰۰ ...

... در سال ۱۳۰۰ ...

... در سال ۱۳۰۰ ...

بزرگواران

ان

ده شماره يك ممسنی کوپیان

این روستا ۳۰ خانوار جمعیت دارد . می شود گفت که جاده ماشین
روندارد فقط يك جاده سنگلاخی آن را به جاده اصلی وصل می کند .
خانه های ده روی تپه سنگی واقع شده اند . رودخانه ای که پائین تر از خانه های
روستا واقع شده از کنار ده می گذرد .
آب زراعی ده از همین رودخانه است . این رودخانه دهات متعددی را مشروب
می کند . تنها چیزی که از تروتازگی و سبز و خرمی در این روستا به چشم می خورد
۱ / ۵ هکتار باغ است که هر يك از زارعین چند وجعی از آنرا مالکند . این ۱ / ۵
هکتار باغ هم يك تکه نیست بلکه قطعه قطعه هایی پراکنده از هم است .
زمین های روستا و مالکیت آن قبل از اصلاحات ارضی :
زمین های روستا دو قسمت است ، زمین های دیمی و زمین های آبی .

در زمین های دیمی دهقانان گندم می کازند و در زمینهای آبی شلتوک .
 سالها قبل از اصلاحات ارضی بهره مالکانه در زمین های دیمی $\frac{1}{4}$ محصول
 بود و در زمینهای آبی $\frac{1}{4}$ محصول . اندازه گرفتن محصول و سپس تعیین بهره
 مالکانه بوسیله مهر نبود بلکه نظری تخمین می زدند . به این ترتیب که مباشر
 مالک مزرعه گندم را می دید و نظر می داد که محصول این مزرعه مثلا ۸۰۰ من
 است آنوقت زارع مجبور بود بعد از دو و خرمن کوبی ۲۰۰ من گندم به ارباب
 بدهد ($\frac{1}{4}$ محصول) گرچه همان ۲۰۰ من را به دست آورده باشد . برای
 تخمین محصول برنج مالک کمی بیشتر به خود زحمت می داد . به این ترتیب
 که یک نفر را مامور می کرد با اسب از کنار مزرعه برنج رد شود و با چوبی که بس
 آن می گویند به شلتوک بزند و بشمرد که از اول تا آخر مزرعه چند بار نمی
 زده است و به این وسیله ، از شماره نی ها ، مقدار محصول برنج را تخمین می زدند
 و زارع مجبور بود $\frac{1}{4}$ آنچه مباشر مالک تخمین می زد به عنوان بهره مالکانه
 بپردازد .

روشن است که این طریق تخمین زدن چقدر ظالمانه بود زیرا ارباب هر چقدر
 می خواست می گرفت و بعد اگر دهقانان احتیاج به قرض پیدا می کردند با بهره
 ۵۰٪ بلکه ۱۰۰٪ به آنها گندم قرض می داد .

تا سال ۱۳۳۰ بهره مالکانه زمین آبی $\frac{1}{4}$ محصول بود ولی به گفته
 دهقانان در زمان مصدق بهره مالکانه زمین آبی به $\frac{1}{3}$ تقلیل یافت و ۱۰٪ کد خدا
 و ۱۰٪ ماموران مالک لغو شد . اما طریقه اندازه گرفتن محصول همانطور
 تخمین زدن و نی انداختن بود .

مالک از راههای کشاورزان هم بهره مالکانه می گرفت ، به این ترتیب که از هر

۴ گوسفند ۱۴ گوسفند و از هر گاو زائیده ۳ تومان پول می گرفت .

زمین های روستا و مالکیت آن بعد از اصلاحات ارضی :

در مرحله اول اصلاحات ارضی از ۶۸ سهم زمین روستا که قسمتی از آن آبی و قسمتی دیبی است ۳۸ سهم به خانوارهای صاحب نسق و بزرگان فروخته شد .

در مرحله دوم اصلاحات ارضی ۳۰ سهام باقیمانده که ۱۳ سهم آن متعلق به مالک و ۱۷ سهم آن وقف عام بود به اجاره زارعین درآمد . ۱۷ سهم وقف قبل از اصلاحات ارضی در اجاره مالک بود . اجاره سالیانه هر من زمین آبی ۳۰ تومان و اجاره سالیانه هر من زمین دیبی ۴ تومان تعیین شد . کل اجاره ۳۰ سهم وقف مالک ۵۰۰۰ تومان در سال تعیین گردید .

این ۳۰ سهم به طور غیر مساوی به اجاره زارعین درآمد است و همه زارعین به طور مساوی زمین اجاره ای در اختیار ندارند . همچنین ۳۸ سهم هم گسه به زارعین فروخته شد به طور مساوی بین آنها تقسیم نکردید بلکه هر زارع همان زمینی را که کشت می کرد به دست آورد .

هر زارع از $2\frac{1}{4}$ - $\frac{1}{4}$ هکتار زمین آبی در اختیار دارد .

هر زارع از ۱۰ - ۲ هکتار زمین دیبی در اختیار دارد .

به گفته دهقانان اجاره زمین بسیار سنگین است و حتی بعضی از آنها می گفتند از بهره مالکانه سابق هم بیشتر است . دهقانان می گفتند برای زمین دیبی که حاصلی هم ندارد مجبوریم گاو و گوسفندمان را بفروشیم و اجاره بدیم .

دهقانان این منطقه بسیار فقیر هستند . آنها مختصر دامداری هم دارند .

تمام خانوارهای این روستا جمعا . . . ه گوسفند دارند .
 دهقانان می گویند که : برای مالکین وضع به هیچ وجه بدتر نشده زیرا هنوز هم
 قدرت در اختیار آنهاست و ژاندارمری به دستور آن ها امر اجرا می کند . هنوز
 هم زمین های مگانیزه و سیمی در این منطقه در اختیار مالکین است . زمین های
 حاصلخیزی که خاک آنها مثل قیر سیاه است . مالکین همواریهای منطقه را بسه
 وسیله چاه عمیق و تراکتور کشت می کنند و تپه ماهور ها را به دهقانان داده اند .
 تازه از بابت همین تپه ماهور ها از ما اجاره می گیرند ، پول می گیرند . ما اگر
 ژاندارم نبود اجاره نمی دادیم منتها خر ما به جایی نمی رود زیرا ژاندارم پشت
 ارباب است .

یک دهستان استثنائی از داراب

پایگاه استثنائی از داراب
تاریخچه و جغرافیا

این دهستان که در حوضه آبریز خوار و خابیه واقع است، بیشتر جمعیت داراب
و از دیدگاه تاریخی تشکیل شده است.

در سده های دهستان و با اکتساب آنجا

که زمین های این دهستان بیشتر از ۲۰۰۰ هکتار است.

قبل از اصلاحات ارضی به علت بی آبی زمین ها کشتی کردند و به کشاورزی
ماتکانه بزم محدود بود.

در سال ۱۳۲۰ مائشور ملک به دعوت از داد اید ایران و دهستانان
و سرانجام داراب شاهد پیشرفت کرد که روی زمین های مالک سرانجام داد این کشور.

از آن زمان که در آن کیهان ملک زمین کرد به تمام زمین روی زمین

این

و سایر اربابان این روستا...
از اطفال بزرگند که...
در روز چهارشنبه...
همه روزه...
بسیار است...
باز از مایه...
باز از مایه...
باز از مایه...

بزرگان
پادشاه
کامی ایران

باز

يك دهستان استثنائی از داراب

قرا بلاغ

این دهستان که در حدود ۲۰۰۰ خانوار و شاید بیشتر جمعیت دارد و از ۸ روستا تشکیل شده است .

زمین های دهستان و مالکیت آنها :

کل زمین های این دهستان بیشتر از ۴۰۰۰۰ هکتار است . سالها قبل از اصلاحات ارضی بعلت بی آبی زمین ها بی کشت می گردند و بهره مالکانه $\frac{1}{10}$ محصول بود .

در سال ۱۳۳۱ مباشر مالک به عدای از دامداران و دهقانان مرفه و سرمایه دار این منطقه پیشنهاد کرد که روی زمین های مالک سرمایه گذاری کنند . او با شرکت سرمایه داران کوچک منطقه شروع کرد به تلمبه زدن روی زمین های

دریم کاری . در این مشارکت نصف سرمایه را سرمایه داران کوچک (تلمبه کار) -
تامین می کردند . بعد از مدتی تمام زمین های دیمی بوسیله چاههای سطحی
که آن ها تلمبه کار گذاشته شده بود آبیاری می شد . از این بیعد قشر بنسبی
طبقاتی ده بدین صورت درآمد : ۱ . مالک و مباشر ۲ . تلمبه کاران ۳ . کشاورزان
سهیم بر . محصول نیز پس از کسر $\frac{1}{3}$ مالک ، سه قسمت می شد :

$\frac{1}{3}$ آنرا زارعین می بردند ، $\frac{1}{3}$ هم تلمبه داران و $\frac{1}{3}$ سهم مباشر (لازم به تذکر
است که دانسته نشد آیا مباشر از سرمایه شخص خود در کار گذاشتن تلمبه ها
شرکت کرده یا از سرمایه مالک ، زیرا ممکن است مباشر فقط اداره کننده گارها
بوده و سرمایه بکار رفته در تلمبه گذاری از مالک بوده است . که در این صورت
گذاشته از $\frac{1}{3}$ کل محصول ، $\frac{1}{3}$ باقیمانده نیز می بایست به خود مالک برسد .)

این وضع همچنین ادامه داشت . در هنگام اصلاحات ارضی مرحله اول
نیز تمام این ۸ ده و ، یک ده شش دانگ قلمداد شد زیرا برای تمام ۸ ده یک
پلاک ثبتی گرفته شده بود . و بنابراین وضع همچنان ادامه داشت تا سال ۴۲
که مرحله دوم اصلاحات ارضی در این دهستان اجرا شد . در این هنگام
سه دانگ از شش دانگ این دهستان متعلق به مالک بود و سه دانگ متعلق
به مباشر (زیرا مالک قبلا ۳ دانگ از دهستان را به مباشر بخشیده بود) .

شق اجاره اجرا شد . در این دهستان تلمبه داران صاحبان نسق شناخته
شدند و به علت اینکه مخارج تولید را مالک می داد و زارعین فقط کار می کردند
با وجود اینکه زارعین سهم بر بودند ، کارگر کشاورزی قلمداد گردیدند .

به موجب شق اجاره ، زمین ها به اجاره تلمبه داران درآمد . اجاره هر
هکتار زمین ۱۵۰ تومان در سال بود و تلمبه داران ، (خرده مالکان سرمایه داری

که در سرمایه گذاری مباشر شرکت کرده بودند و نصف سرمایه تلمبه ها متعلق به آنان بود. از مقدار اجاره زمین ها راضی بودند. تلمبه داران خود روی زمین ها کار نمی کردند و زارع سهم بر روی زمین ها کار می کرد. سهم زارع باز هم $\frac{1}{3}$ محصول بود منتها مخارج تولید به عهده تلمبه داران بود. البته تلمبه کار پس از کسر $\frac{1}{3}$ از محصول $\frac{1}{3}$ بقیه را به زارع می داد.

اکنون در حدود ۱۲۰ تلمبه در تمام دهستان وجود دارد که هر تلمبه در حدود ۳۵ هکتار زمین آبیاری می کند و این ۱۲۰ تلمبه متعلق به حدود ۶۰۰ نفر تلمبه دار است. بعضی از تلمبه داران ۱ تلمبه دارند و بقیه چند نفری شریک هستند. تعداد شرکا از ۲ نفر تا ۱۰ نفر است ولی تعداد تلمبه هایی که ۶-۵ نفر شریک هستند زیاد تر است. یعنی اکثریت با تلمبه هایی است که تعداد شرکای آن ۶-۵ نفر هستند.

بهر حال اکنون تلمبه داران با زارع سهم بر زمین را اداره می کنند و اجاره می پردازند، منتها دو سال است که مقدار اجاره زمین تغییر کرده. به این معنی که پس از مرگ مالک، وارثش که از فتودالهای بزرگ فارس است، مقدار اجاره را بالا برده و به جای هکتاری ۱۵۰ تومان در سال، هکتاری ۱۵۰ من محصول را به عنوان اجاره بها دریافت می دارد.

۵۰ من پنبه، ۸۰ من گندم، و ۲۰ من نخود، اجاره سالانه یک هکتار زمین است. مالک جدید سهم مباشر را هم از او به قیمت ۱ میلیون تومان خریده و تمام زمین ها را مالک شده است و حال به استناد قانون مرحله سوم اصلاحات ارضی که زمینی که در مرحله دوم اجاره داده شده بایستی در مرحله سوم به زارع فروخته شود و یا به نسبت بهره مالکانه تقسیم گردد می خواهد با زور زاندارم زمین ها

را به تلمبه داران بفروشد . البته به قیمت هکتاری ۵۰۰۰ تومان ، آنهم در سه قسط به فاصله ۷ ماه . مالک می خواهد ۱ قسط حالا بگیرد و قسط دوم را پس از هفت ماه و قسط سوم را نیز ۷ ماه پس از قسط دوم . در حقیقت مالک می خواهد سه دانگ سهم مباشر را که از او به قیمت ۱ میلیون تومان خریده به قیمت ۱۰ میلیون تومان به تلمبه داران بفروشد . سهم ارثی خود را نیز ۱۰ میلیون تومان میفروشد . و رویهم ۲۰ میلیون تومان از این طریق به جیب می زند .

مالک برای مجبور کردن تلمبه داران به خرید زمین ها ، آن ها را تهدید میکند که یا از زمین ها بیرون تان می گم یا باید زمین ها را به قیمت هکتاری ۵۰۰۰ تومان با سه قسط بخرید .

ژاند ارمری و تمام دستگا ههای اداری استان در بست در اختیار این مالک است و در جلساتی که با شرکت ژاند ارمری و تلمبه داران تشکیل می دهد تلمبه داران را رادار می کند که زیر اسنادی را که در حقیقت می توان گفت اعلام رشکستگی آنان است امضاء کنند ، آنها هم که به قول خودشان نمی توانند در مقابل ژاند ارمری حرفی بزنند مجبور به امضاء میشوند .

در واقع ، در این دهستان تلمبه داران زارعین صاحب نسق به حساب آمده اند و زارعین که تعدادشان هم زیاد است (روی هر تلمبه ۸-۷ نفر زارع سهم بر کار می کنند) کارگر به حساب می آیند و حقی بر زمین ندارند زیرا از هنگام سرمایه گذاری مباشر و تلمبه داران ، مخارج تولید با زارعین نبوده و زارعین فقط کار می کرده اند . حال با وجود اینکه سهم بر هستند چیزی از زمین به آنها نمی رسد . تعداد آنها هم زیاد است و در حدود ۹۶۰ خانوار می شوند .

وضع مالکیت زمین های این روستا اکنون با تکلیف است و معلوم نیست که چطور خواهد شد، آیا مالک خواهد توانست تلمبه داران را ظاهر طبق قوانین مرحله سوم اصلاحات ارضی، وادار به خرید زمین ها بکند یا آنها را به کلی از زمین ها بیرون خواهد کرد.

اینکه گفته می شود ظاهراً طبق قوانین مرحله سوم، به این معنی است که مالک قوانین مرحله سوم را نیز به نفع خود تفسیر داده مثلاً قانون مرحله سوم و راه دارد مالک فقط یک راه پیش تلمبه داران گذاشته، قانون مرحله سوم در مورد راه فروش به اقساط ۱۲ ساله پیشنهاد کرده، حال آنکه مالک می خواهد قیمت زمین را در عرض یک سال با سه قسط بگیرد. در هر حال اکنون وضع مملووم نیست ولی آنچه که مسلم است تلمبه داران خود استثمار کننده هستند و از ثمره کار زارعین بهره می گیرند. آنها سرمایه داران کوچکی هستند که دهقانان را استثمار می کنند و بعضی از آنها بسیار مرفه هستند. مثلاً کدخدای یکی از این ۸ روستا که تلمبه دار است، دارای خانه بسیار راحت و زیبا و ماشین شخصی است و در صورتیکه مجبور شود زمین ها را طبق قرارداد که مالک پیشنهاد می کند بخرد باید حدود ۳۰۰ هزار تومان بپردازد.

استثمار شوندگان واقعی در این دهستان، دهقانان سهم بر هستند ولی بعلمت این که مالک در صورت بیرون کردن تلمبه داران، زمین ها را مکانیزه خواهد کرد و احتیاج به تعداد کمی کارگر خواهد داشت، دهقانان به شدت از وضع جدیدی که مالک به وجود آورده نگران هستند و بارها در حمایت از تلمبه داران به شکایت رفته اند.

روشن است که شکایت نتیجه اعن دارد و زاندر امری در اختیار مالک است.

روستائی از کهگیلویه (خوزستان)

باشت

یادداشتی است که در این روستا
معمولاً در این روستا که در این روستا
این روستا مرکز بخش این است و در این روستا
نقشه این روستا به صورت این است و در این روستا
در این روستا و بنامه و در این روستا
مشرف به مکه است و این روستا که در این روستا
نقشه این روستا که در این روستا
نقشه این روستا که در این روستا
این روستا که در این روستا
این روستا که در این روستا

این کتاب به آنکه محمود استاد را بر او اندر زودتر از آن سال که زود است
در این کتاب را می خواند که در آن سال که زود است

(مجموعه آثار استاد محمود استاد)

چاپ دوم

کتابخانه ملی ایران

تبریز

روستائی از کهگیلویه (خوزستان)
باشت

باشت روستائی است با ۲۵۰ خانوار جمعیت .

محصولات مهم این روستا گندم و جو است .

این روستا مرکز بخشداری است و در يك منطقه وسیع کشاورزی - دامداری تنها

نقطه نسبتاً پرجمعیت است و به همین دلیل مرکز بخش شمرده می شود .

در این روستا ۲۰ مفازه وجود دارد و يك کارخانه آرد در ده هست که

متعلق به مالک است . آب لوله کشی هم دارد ولی در خانه ها لوله کشی نشده

فقط در گوشه های ده شیر آب وجود دارد . يك موتور کوچک برق هم هست که

مالک به انجمن ده بخشیده است .

این روستا در استان و کلاس راهنمایی و دبیرستان ۳ کلاس دارد . جمعا

۱۶ معلم در دبستان و دبیرستان این ده کار می کنند . در این ده شیر و خور

هم يك بهداری تاسیر کرده که دگر سیامهبد است و آن کار می کند .

منابع آب روستا :

تنها منبع آب این روستا يك قنات است که حدود ده سال است به علت خشکسالی آب چندانی ندارد . رودخانهای از کنار این روستا می گذرد ولی چون هم سطح زمین های روستا نیست و پائین تر از زمین ها قرار گرفته نمیتوانند از آبش استفاده کنند .

بنابراین برای آبیاری چاههای عمیق و نیمه عمیق زد ماند :

- ۱ تلمبه چاه عمیق متعلق به مالك است .
- ۲ تلمبه چاه نیمه عمیق متعلق به مالك است .
- ۳ تلمبه چاه نیمه عمیق متعلق به خرده مالکان و کشاورزان است .

باغهای روستا :

در این روستا دو باغ بزرگ به وسعت ۸ هکتار وجود دارد که متعلق به مالك است . در حدود ۴ هکتار باغ خرده مالکی نیز وجود دارد که متعلق به ۴ نفر است .

زمین های روستا و مالکیت آن :

در اطراف این روستا زمین های بسیار وسیع و همواری وجود دارد که همه آنها متعلق به يك نفر مالك است . این زمین ها که تمام زمین های آبی این روستاست ، در هنگام اصلاحات ارضی مکانیزه قلمداد گردیده بود و بنابراین

از تقسیم معاف شد. در مرحله دوم اصلاحات ارضی زمین های ریی ده -
 زمین های تپه ماهوری به نسبت بهره مالکانه بین مالک و زارعین تقسیم شد.
 چون زمین ها ریی بود بهره مالکانه قبل از اصلاحات ارضی $\frac{1}{3}$ محصول
 بود به این دلیل $\frac{4}{5}$ زمین های ریی بین ۲۰۰ نفر زارع تقسیم شد.
 زمین ها به تساوی بین این ۲۰۰ نفر دهقان تقسیم نگشت. به هر دهقان
 ۲۰۰ - ۶۰ من زمین رسید. (هر من ۷ کیلو و هر هکتار ۱۶ من است).
 همچنین از ۲۵۰ خانوار جمعیت ده ۵۰ خانوار خوش نشین هستند.

وضع مالکیت :

چنانکه گفته شد نه تنها زمین های هموار اطراف این روستا بلکه
 زمین های هموار منطقه وسیع روستاهای اطراف را نیز مالک این روستا تصاحب
 کرده. به این ترتیب که قبل از اصلاحات ارضی دهقانان را از زمین ها
 بیرون کرده و زمین ها را مکانیزه قلمداد کرده است. به قول خود دهقانان
 تکه زمین هایی پراکنده و جدا از هم در دامنه تپه ها به دهقانان تعلق گرفته
 است.

مالک ۸ تلمبه چاه عمیق و ۲ تلمبه چاه نیمه عمیق دارد. مالک همچنین
 ۵ تراکتور و ۱ کمباین دارد و کارگر مزدور روی زمین هایش کار می کند.
 مزد کارگر ۷-۶ تومان است.

وضع دهقانان زمیندار :

چنانکه گفته شد مالک نه تنها در این روستا بلکه در منطقه وسیعی

از تقسیم زمین بین دهقانان جلوگیری و تنها زمین های دیمی را به نسبت بهره مالکانه بین مالک و زارعین تقسیم کرده است .

دهقانان زمین هایی در دامنه کوه ها دارند و با اینکه چاه هم می زنند جز اینکه بیشتر زیر بار قرض بروند ، برای آنها نتیجه ای ندارد . اگر تراکتور اجاره ای هم نبود دهقانان یکسال هم با این وضع دوام نمی آوردند و به کلی ورشکسته و در بدر می شدند .

وضع خوش نشینان :

از ۲۵۰ خانوار جمعیت ده ۰۰۴ خانوار خوش نشین هستند . وضع اینها از دهقانان هم بدتر است و فقط چند ماه از سال کار دارند . مخصوصا که وسایل مدرن کشاورزی آنها را بیکار کرده است .

دامداری

وضع دامداری بعد از اصلاحات ارضی بدتر شده است زیرا وزارت -

منابع طبیعی از چراندن گله در بسیاری از مراتع جلوگیری می کند .

پایان

با ایمان به پیروزی

کتابخانه و موزه ملی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ خورشیدی
تهران

تکثیر از:

کنفدراسیون جهانی

محصّلین و دانشجویان

ایرانی